

آینه‌ها در کویر

تألیف و پژوهش

آثار برگزیده

چهارمین دوره مسابقه نویسندگان جوان و جوانان نویسنده - 11

آینه‌ها در کویر
تألیف و پژوهش
ناشر: ستاد اقامه نماز
انتخاب و تدوین: یونس باقری و حسین حداد
طراحی جلد: مهدی کریمخانی
طراحی یونیفورم: حسین حداد
تیراژ: 5000 نسخه
نوبت چاپ اول: پاییز 1382
قیمت: 8000 ریال
چاپ و صحافی: مهر قم
مرکز پخش: تهران، صندوق پستی 355/15655
تلفن: 8900059
شابك:

فهرست

- 9 نماز در سیره عملی و نظری امام حسین علیه السلام/محسن مجرد
- 11 مقدمات نماز در سیره نظری و عملی امام حسین علیه السلام
- 14 مقارنات نماز در سیره نظری و عملی امام حسین علیه السلام
- 22 همسویی ثمرات توجه به نماز و امام حسین علیه السلام
- 28 یکسانی روایات درباره عواقب بی‌توجهی به نماز و ...
- 32 همسانی توجه به نماز و امام حسین علیه السلام، در هر زمان و مکان
- 39 نماز و حُب اهل‌بیت به ویژه امام حسین علیه السلام، اولین سؤال قیامت
- 44 توجه مستقیم و غیرمستقیم حق تعالی در قرآن کریم به نماز ...
- 59 تسنیم وصال/ سعیده رسولی
- 61 نماز
- 65 معنای صلات
- 67 اقامه نماز، نه فقط خواندن آن
- 69 فلسفه نماز
- 72 آداب و شرایط باطنی و معنوی نماز
- 75 پیوند نماز و زکات در آموزه‌های دینی/ لیلا السادات مروّجی
- 78 همراهان نماز
- 85 همراهی نماز و زکات
- 87 نقش نماز در اصلاحات اجتماعی/ مهرچهره دهقانی
- 89 تأثیر نماز در اصلاح فرد
- 94 نقش نماز در مبارزه با فقر
- 97 روزی با برکت یکی از هفت خصلت نماز
- 99 نقش نماز در دفع فقر و ازدیاد روزی
- 101 نقش نماز در اصلاح اجتماعی
- 105 نماز شب و پیشگیری از نزدیکی به گناه
- 108 نقش نماز در سالمسازی روابط اجتماعی
- 111 نقش نماز در اصلاحات اجتماعی، فرهنگی و.../ معصومه پارسا
- 113 فرهنگ نماز و شناخت صحیح از دین

- تقویت بینش دینی 115
 نقش نماز در اصلاحات اجتماعی، سیاسی و.../قاسم علیزاده 123
 نقش طهارت ظاهری و باطنی 125
 نماز از فحشا و منکر بازمی‌دارد 127
 احساس مسؤولیت 130
 رعایت حقوق دیگران 132
 معیار دوستیابی 134
 نیاز دل/رسول یحیایی 137
 نقش نماز در اصلاحات اجتماعی 139
 نماز و بندگی خدا 141
 نماز و عدالت اجتماعی 148
 نقش نماز در اصلاحات اجتماعی، سیاسی و.../محمد رضا خادمیان 153
 نقش نماز در اصلاحات فرهنگی 155
 نماز و شوکت مسلمانان 173
 تجلی نماز در نهضت عاشورا/مهدی ستوده کویری آرانی 177
 تجلی نماز عاشورا در نشانه امت اسلامی 179
 تجلی نماز عاشورا در شهادت 181
 اگر در نماز امام حسین علیه السلام بودم/یوسف محمودی مقدم 183
 اگر در نماز حسین علیه السلام بودم 185
 سرود آینه‌ها در کویر/مهدی بیگی فیض‌آبادی 187
 نماز مصطلح در ادبیات عاشورا 189
 نماز در شب عاشورا 191
 نماز در میدان‌های جهاد و شهادت/منیژه کاوه قهفرنی 197
 شهیدان و نماز 199
 سرود سبز لاله/پریا السادات پیروز 207
 عاشقانه‌ترین سرود 209

نماز در سیره عملی و نظری امام حسین علیه السلام محسن مجرد

با لطف و عنایت پروردگار کریم و مهربان، توفیق دست داد تا با مطالعه و تحقیق در زمینه «نماز در سیره»
 «امام حسین علیه السلام» زمینه‌ای را برای تخلق به اخلاق کریم آن بزرگوار فراهم کنم
 (نویسنده، مقدمه کتاب)

این کتاب حاوی چهار بخش است. نویسنده در بخش اول آن به بررسی وجوه معانی سیره پرداخته است و سعی‌اش بر این بوده که واژه سیره را (از نظر لغت و اصطلاح و اطلاق و نیز لزوم توجه به آن، به همراه فوائد شناخت و آگاهی نسبت به آن و سایر ابعاد، مورد مطالعه و دسته‌بندی قرار دهد
 او در بخش دوم به بررسی و شناخت تفصیلی مقام والای امام حسین علیه السلام از دیدگاه‌های مختلف و نیز پیوند شخصیت آن بزرگوار با انبیای الهی می‌پردازد و نظرات جامعی در این باره در کنار هم می‌آورد

در بخش سوم، که بحث اصلی تحقیق به شمار می‌آید، نماز در سیره نظری و عملی امام حسین علیه السلام در بحث و بررسی قرار گرفته است و ارتباطها و اتصالها و همسویی‌ها بین نماز امام حسین نشان داده شده است که در این زمینه پیوند باطنی و معنوی نماز و ولایت نیز معلوم گردیده است و اما بخش آخر که «به حریم حسینی» نام‌گذاری شده است، مطالبی درباره مقایسه بین مساجد و حرم حسینی و آثار و برکات تربت حسینی و نیز امام‌حسین علیه السلام در عاشورا در کنار هم گرد آمده‌اند اینک به قسمت‌هایی از کتاب، که مربوط به بخش «نماز در سیره نظری و عملی امام‌حسین علیه السلام» است، توجه کنید:

مقدمات نماز
در سیره نظری
و عملی
امام حسین علیه السلام

بخشی از سیره نظری و عملی امام‌حسین علیه السلام در مقدمات نماز تجلی دارد. بدین گونه که آن حضرت با گفتار و کردار خویش، مسلمانان را در آشنایی و عمل هر چه بهتر به مقدمات نماز رهنمون شده است. در يك تقسیم‌بندی، می‌توان سخنان و نحوه عملکرد آن امام همام را در مقدمات نماز، در محدوده طهارت و اذان نشان داد

طهارت

1. آداب و غسل

عن ابی جعفر محمد بن علی علیه السلام: إنَّ حسنًا و حسینًا دخلا الفرات و علی کل واحدٍ منهما إزار. ثم قال علیهما (السلام): ان الماء، أو إنَّ للماء ساکنًا. (1)
از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: حسن و حسین علیهما السلام با پوشش مناسبی، وارد آب فرات شدند.
«بسپس فرمودند: «آب نیز برای خود ساکنانی دارد

آداب دستشویی

سئل الحسین بن علی علیه السلام: ما حدَّ الغائط؟ قال علیه السلام: لا تستقبل القبلة و لا تستدیرها و لا تستقبل الریح و لا تستدیرها. (2)

از امام حسین علیه السلام سؤال شد: آداب دستشویی چیست؟ فرمود: (در آن هنگام) رو به قبله و پشت به قبله و نیز رو به باد و پشت به باد نباشید

3. کیفیت وضو

عن الحسین علیه السلام: «كان النَّبی صلی الله علیه وآله وسلم اذا توضَّأ فضل موضع سجوده بماءٍ حتی یسبِّله علی (موضع سجوده). (3)

از امام حسین علیه السلام روایت شده که فرمود: «پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم هر گاه وضو می‌گرفت، از آب «وضو بر پیشانی باقی می‌گذاشت تا (هنگام نماز) بر محل سجده جریان یابد

اذان

عن جعفر بن محمد، عن ابيه، عن جدّه، عن علي بن الحسين عن الحسين بن علي صلوات الله عليه و علي الائمة من ولده: انه سئل عن قول الناس في الاذان، ان السبب كان فيه رويًا رآها عبدالله بن زيد، فأخبر به النبي صلى الله عليه وآله وسلم فأمر بالاذان، فقال الحسين عليه السلام: الوحي ينزل على نبيكم و تزعمون انه اخذ الاذان عن عبدالله بن زيد والاذان وجه دينكم. «و غضب عليه السلام و قال: «بل سمعت ابي علي بن ابي طالب عليه السلام يقول: اهبط الله عزوجل ملكاً حتى عرج برسول الله صلى الله عليه وآله وسلم و ساق حديث المعراج بطوله الى ان قال فبعث الله ملكاً لم ير في السماء قبل ذلك الوقت و لا بعده. فاذن مثني و اقام مثني» و ذكر كيفية الاذان ثم قال: «قال جبرئيل للنبي صلى الله عليه وآله وسلم يا محمد هكذا اذن للصلاة.» (4)

امام صادق عليه السلام از امام باقر عليه السلام از امام سجاد عليه السلام از امام حسين عليه السلام نقل می کند که فرمود: «از حضرت امیر علیه السلام پرسیدند: این که مردم درباره تشریح اذان می گویند علت آن خوابی بوده که عبدالله بن زید آن را دیده و به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم گزارش کرد. پس حضرت صلی الله علیه و آله وسلم فرمان داد که (از آن پس) اذان بگویند. آیا درست است؟

حضرت حسین علیه السلام در حالی که برافروخته (و ناراحت) شده بود، فرمود: «وحي بر پیامبر شما نازل می شود و شما می پندارید که او اذان را از عبدالله بن زید گرفته است؟! در حالی که اذان سیمای دین شماست و فرمود: بلکه از پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام شنیدم می فرمود: «خداوند فرشته ای را بر زمین فرستاد تا رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را به معراج ببرد.» سپس به شرح داستان معراج پرداخت تا این که فرمود: «پس خداوند فرشته ای را که پیش از آن وقت دیده نشده بود و پس از آن نیز دیده نشد برانگیخت. پس اذان را دو به دو و اقامه را دو به دو ادا کرد. حضرت علیه السلام چگونگی اذان را بیان کرد، سپس فرمود: جبرئیل به «پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم عرض کرد: «ای پیامبر برای نماز این گونه اذان بگو

مقارنات نماز در سیره نظری و عملی امام حسین علیه السلام

مقارنات نماز به آن دسته از اذکار و افعال و حرکات و حالاتی اطلاق می شود که نماز گزار از تکبیرة الاحرام تا سلام نماز به انجام آن همت می گمارد و همان طور که واضح است این کلمه از ریشه قرآن، و به معنای نزدیک بودن و همراه بودن گرفته شده است. بدین جهت که این اذکار و افعال در تمام نماز قرین و همراه نماز گزارند؛ اما در سخنان و سیره نظری و عملی امام حسین علیه السلام برخی احادیث و اعمال وارده درباره مقارنات نماز به چشم می خورد که در ادامه به آن ها اشاره می شود

نماز در يك لباس 1.

قال ابو بصير لأبي عبدالله عليه السلام

ما يجزى الرجل من الثياب ان يصلّي فيه؟ فقال: «صلى الحسين بن علي صلوات الله عليهما في ثوبٍ قد قلص عن نصف ساقه و قارب ركبتيه، ليس على منكبيه منه الا قدر جناحي الخفاف. و كان اذا ركع سقط عن منكبيه و كئما (سجد يناله عنقه فردّه على منكبيه بيده فلم يزل ذلك دأبه و دأبه مشتغلاً به حتى انصرف.» (5)

«ابو بصير از امام صادق علیه السلام پرسید: «جهت نماز گزاردن مرد، چه مقدار لباس کفایت می کند؟

حضرت فرمود: «امام حسین علیه السلام در يك قطعه لباس که از نیمه ساق پا بالاتر و نزدیک زانوها بود، و بر دوش حضرتش جز به مقدار دو بال پرستو جا نمی‌گرفت، نماز می‌گزارد. و وقتی رکوع می‌کرد، از شانه‌هایش می‌افتاد و هر گاه سجده می‌کرد بر روی گردن حضرت می‌آمد. پس آن را با دست بر شانه‌های خود برمی‌گرداند. «این حالت، همچنان در حضرت بود، تا این که از نماز فارغ می‌شد و عن ابی جعفر محمد بن علی علیه السلام انه قال: «حدّثنی من رأی الحسین بن علی علیه السلام و هو یصلی فی (ثوبٍ واحدٍ و حدّته أنه رأى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم یصلی فی ثوبٍ واحدٍ)» (6) امام باقر علیه السلام فرمود: «کسی برای من نقل کرد که امام حسین علیه السلام را در حالی دیده است که در يك جامه نماز می‌گزارد و امام حسین علیه السلام برای او نقل نموده که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم را دیده است.» که در يك لباس نماز می‌خواند

بسم الله، بلند و آشکار 2.

عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم و عن عليّ والحسن والحسين، و عليّ بن الحسين و محمد بن عليّ و جعفر بن محمد صلوات الله عليهم اجمعين: أنهم كانوا يجهرون ببسم الله الرحمن الرحيم فيما يجهر بالقراءة من الصلوات في أول فاتحة الكتاب و أول السورة في كلّ ركعة و يخافتون بها فيما يخافت فيه القراءة من السورتين جميعاً (و قال الحسين بن عليّ عليه السلام: اجتمعنا ولدفاطمة عليها السلام على ذلك.) (7)

از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم، امیر المؤمنین علیه السلام، امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام، امام سجاد علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام روایت شده است که: «همه آن بزرگواران در نمازهای چهارگانه خود (صبح و مغرب و عشا) بسم الله الرحمن الرحيم حمد و سوره را در هر رکعتی صدادار و «آشکارا ادا می‌فرمودند. و در نمازهای دیگر که آهسته ادا می‌شوند (ظهر و عصر) آن را آهسته ادا می‌کردند.» و امام حسین علیه السلام فرمود: «ما فرزندان فاطمه (س) بر این روش اتفاق داریم قنوت نماز 3.

روی الحسين بن عليّ بن ابی طالب علیهما السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم استحباب القنوت في كلّ (صلاة و قال: «رأيت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يقنّت في صلاته كلّها. و انا يومئذ ابن ستّ سنين.» (8) امام حسین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم روایت فرمودند که قنوت در هر نمازی مستحب است. و فرمود «من رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را دیدم که در همه نمازهایش قنوت می‌گرفت و من در آن روز شش ساله بودم

بتشهد پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در بیان امام حسین علیه السلام 4.

عن البيهقي قال: سألت الحسين بن عليّ عليه السلام عن تشهّد عليّ عليه السلام قال: «هو تشهّد رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم» قلت: فتشّهّد عبد الله؟ قال: «ان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم كان يحبّ ان يخفّ على أمته» قلت: «كيف تشهّد على عليه السلام بتشهّد رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم؟» قال «التحيّات لله، والصلوات والطيبات (الغاديّات الرائحات الزاكيّات المباركات الطاهرات لله)» (9) بهزی می‌گوید: از امام حسین علیه السلام پرسیدم تشهّد علی علیه السلام چگونه بود؟ فرمود: «همان تشهّد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بود.» عرض کردم: «پس تشهّد عبدالله چگونه بود؟ فرمود: «پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم دوست می‌داشت که (در تکالیف) بر امت خود تخفیف دهد. عرض کردم: «تشهّد علی علیه السلام به تبعیت از تشهّد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم چگونه بود؟ فرمود: (با این فراز مستحب آغاز می‌شد که: «همه درووها از آن خداست، و همه صلوات) و نماز و نیایش (و آن پاکیزه‌های پگاهان و شبان که بارور و پر برکت و خالصند از آن خداست

نیایش امام حسین علیه السلام در قنوت 5.

اللهم من أوى الى مأوى فانت مأوى و من لجأ الى ملجأ فانت ملجأ. اللهم صلّ على محمّد و آل محمّد و اسمع ندائي و أجب دعائي و اجعل عندك مأبى و مثواى و احسنى فى بلواى من افتنان الامتحان و لمة الشيطان بعظمتك التي لا يشوبها ولع نفس بتفتين و لا وارد طيف بتظنين و لا يلم بها فرج حتى تقلبنى اليك بارادتك غير ظنين (و لا مظنون و لا مرابٍ و لا مرتابٍ انك انت ارحم الراحمين.) (10)

بار الها! هر کس در پی پناهی است و تو پناه منی. هر کس در پی دلرامی است و تو دلرام منی بار الها! بر محمد و آل محمد درود فرست و نیایشم را بشنو و دعایم را پاسخ بگو و باز گشتگاه و اقامتگاه مرا نزد خود قرار ده و مرا در غوغای آزمون‌های زندگی‌ام از امتحانات گوناگون و در هم پیچیده و آشفتگی و سوسه‌های شیطان نگاهدار. به عظمتت سوگند - عظمتی که - آزمندی هیچ کس از راه فریب به آن نیامیزد و هیچ نموداری در

ذهن، از راه گمان به آن مخلوط نشود و هیچ شکافی به آن نرسد مرا نگهدار تا آن گاه که مرا با اراده خود بدون بدگمانی به تو و بدون مشکوکیت و ناپسندی اعمالم و شکدار بودن در عقاید و باورهایم به سوی خود برگردانی. حقا که تو از همه رحمکنندگان رحمکنندهتری

نیایش دیگری از امام حسین علیه السلام در قنوت 6.

بارالها! آغاز همه از توست و مشیت (نافذ در همه قلمرو آفرینش) نیز از آن توست و همه جنبشها و توانمندیها برای توست. و تویی، آن ذات کامل یگانه‌ای که هیچ معبود بحق جز تو نیست. دل‌های اولیای خود را اقامتگاه مشیت خود و کمینگاه اراده خویش ساخته‌ای و اندیشه‌های آنان را پایگاه‌های اوامر و نواهی خود قرار داده‌ای. پس هر گاه خواسته‌های خود را بخواهی (اجرا کنی) از باطن آنان، آن نهفته (بصیرت و همت)ها را که پوشیده داشته‌ای به جنبش آوری و از اراده خود آن چه را که در پیمان‌های (فطری) به آنان آموخته‌ای بر زبانشان - به واسطه اندیشه‌هایی که تو را می‌خوانند و با حقایق عطیه‌های تو به سوی تو دعوت می‌کنند - آشکار کنی و من به سبب تعلیم تو می‌دانم آن (حقایق و اسرار) را که در برابر ارائه آن به من و پناهنده ساختن من به آن، تنها تو

(پسندیده و) مورد سپاسم هستی

بارالها! با این همه باز به تو پناه می‌برم و دست به دامن حول و قوه تو می‌شوم. به آن داوری‌ای که در علم خود آن را به سوی من رانده‌ای خشنودم؛ به همان گونه که مرا به جریان انداخته‌ای در جریانم؛ آن چه را تو از من منظور داشته‌ای قصد می‌کنم؛ در آن چه تو را از من خشنود سازد بخل نمی‌ورزم؛ زیرا آن را تو خوشایندم ساخته‌ای؛ و تلاش خود را از آن چه مرا به آن فراخوانده‌ای دریغ نمی‌دارم و به آن اهداف بلندی که به من شناسانده‌ای شتاب می‌گیرم و در آن راهی که مرا روشن ساخته‌ای ره می‌پویم؛ در آن آیینی که مرا بصیرت بخشیده‌ای روشنم؛ آن چه را که به نگهداری آن مرا واداشته‌ای نگهبانم. پس مرا از نگهداری خود به خویش مسپار و از حوزه عنایت خود بیرون می‌کن و از حول (و توانبخشی) خود پس مینداز. و از آن مقصدی که با آن به خواسته تو می‌رسم خارج مساز و راه کمال را بصیرت قرار ده. و هدف نهایی خلقتم را بر هدایت خود بنا کن و راه و روشم را بر رشد، بنیان گذار تا (بدین وسیله) مرا به آرزویم و آرزویم را به من برسانی و مرا به آن (قله بلند قرب و کمال) که از من خواسته‌ای و برای آن آفریده‌ای و به آن پناهم داده‌ای فرود آوری خدایا! اولیاء خود را به سبب من در فتنه (و سختی) می‌کن و به رحمت خود، آنان را در سایه نعمت (معرفت و عبودیت) خود شیدای رحمت (خاصه) خویش ساز. شیدای گزیده و شیدای رهیده که طریق مرا پیمایند و راه راست (مرا پی گیرند و مرا به شایستگیان از اجداد و خویشان خود ملحق ساز.))» (11)

نیایش امام حسین علیه السلام در قنوت نماز وتر 7.

عن الحسين بن علی علیه السلام انه كان يقول في قنوت الوتر: «اللهم ائت تری و لا تری و انت بالمنظر الاعلی و انّ الیک الرجعی و انّ لك الآخرة والاولی. اللهم انا نعوذ بك من ان ندلّ و نخزی.» (12)

بارالها! حقا که تو (همه را) می‌بینی و دیده نمی‌شوی، و تو در چشم‌انداز برین (قیومیت) هستی و بازگشت همه به سوی توست و آخرت و دنیا از آن توست. بارالها! از این که (سرانجام) خوار و رسوا شویم به تو پناه می‌بریم

دعای امام حسین علیه السلام در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در سجده 8.

و روی فی المراسیل انّ شریحاً قال: دخلت مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فاذا الحسين بن علیّ فیه ساجد یعقر خذّه علی الثراب و هو یقول: «سیدی و مولای المّقامع الحدید خلقت اعضائی، امّ لشرب الحمیم خلقت امعائی. الھی لئن طالبتنی بذنوبی لاطالبنک بکرمک و لئن حبستنی مع الخاطئین لأخبرنهم بحبیّ لک. سیدی انّ طاعتک لا تنفعک (و معصیتی لا تضرک، فهب لی ما لا ینفعک و اغفر لی ما لا یضرک فانک ارحم الراحمین.» (13)

راوی می‌گوید: (در مدینه) وارد مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم شدم. پس حسین بن علی علیه السلام را در سجده دیدم؛ گونه خود به خاک سوده، می‌گوید: «سرور من! آقای من! آیا اعضای مرا برای گرزهای آهنین (دوزخ) آفریده‌ای؟ آیا احشای مرا برای نوشیدن مایع گداخته (دوزخ) آفریده‌ای؟ معبودا! اگر مرا به گناهانم مؤاخذه فرمایی، تو را به بزرگواریات بازخواست خواهم کرد و اگر مرا با گنهکاران محبوس داری، از محبتی که به تو دارم آنان را آگاه خواهم ساخت. سرور من! فرمانبرداری بندگان، تو را سودی نبخشد و نافرمانی من تو را زیانی نرساند. پس آن را که به تو سودی نرساند؛ به من عطا فرما و آن را که به تو زیانی نرزد بر من ببخشای. به راستی که تو رحمکنندهترین رحمکنندگانی

در تعقیبات نماز نیز مشاهده می‌شود که برخی از این عبادت‌ها، به نحوی با امام حسین علیه السلام ارتباط دارند. به عنوان مثال سلامی که در بین شیعیان پس از نماز به سمت کربلا و بارگاه حسینی داده می‌شود، بخش تعقیبات را با امام علیه السلام پیوند می‌دهد

هم سویی ثمرات توجه
به نماز
و امام حسین علیه السلام

بر طبق روایاتی که از ائمه اطهار علیهم السلام به دست ما رسیده، این مطلب به وضوح اثبات می‌شود که توجه و عنایت به نماز و اهل بیت، مخصوصاً امام حسین علیه السلام، اثرات و ثمرات یکسان و برابری به همراه دارد؛ به گونه‌ای که ارتباط و اتصال همه جانبه این دو آشکار می‌شود.
در ادامه به برخی از این ثمرات مشترک اشاره می‌شود

محو گناهان 1.

(رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم: «حُبْنَا اهل البیت یکفّر الذّنوب و یضعف الحسنات.» (14))
رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: «دوستی با اهل بیت، گناهان را می‌پوشاند و حسنات را دو چندان می‌کند»

الامام زین العابدین علیه السلام: «من احبنا لله نفعه حبنا ولو كان في جبل الذیلم و من احبنا لغير ذلك فان الله يفعل ما يشاء ان حُبْنَا اهل البیت یساقط عن العباد الذّنوب كما یساقط الریح الورق من الشجر.» (15)
امام زین العابدین علیه السلام می‌فرماید: «هر کس برای خدا ما را دوست بدارد، دوستی ما به سودش خواهد بود اگر چه در کوه دیلم باشد؛ و هر کس برای غیر خدا ما را دوست بدارد، خدا هر گونه که بخواهد عمل خواهد کرد. همانا دوستی ما اهل بیت گناهان بندگان را می‌ریزد، همان گونه که باد برگ را از درخت می‌ریزد»

(الامام الباقر علیه السلام: «بحبنا تغفر لكم الذّنوب.» (16))

امام باقر علیه السلام فرمودند: به سبب حب و دوستی ما گناهان شما بخشیده می‌شود

(ابو ایوب انصاری: انّ النبی صلی الله علیه و آله وسلم کان یقول: «انّ کلّ صلاة تحطّ ما بین یدیهما من خطیئة.» (17))
«ابو ایوب انصاری: «پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم همواره می‌گفت هر نماز خطاهای پیش از خود را می‌زداید (رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم: «من توضّأ كما أمر و صلی كما أمر غفر له ما تقدّم من عمل.» (18))
پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «هر کس وضو بگیرد، آن گونه که فرمان داده شده و نماز بخواند آن گونه که فرمان یافته، هر چه پیش‌تر کرده، آمرزیده می‌شود»

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم: «انّ العبد المسلم لیصلی الصلاة یرید بها وجه الله فتهافت عنه ذنوبه. كما یتهافت (هذالورق عن هذه الشجرة.» (19))

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «همانا گناهان بنده مسلمان، در حال نماز خالصانه فرو می‌ریزد؛ همان گونه که این برگ از این درخت فرو می‌ریزد»

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم: «الصّلوات کقارات لما بینهنّ لانّ الله عزّوجلّ قال انّ الحسنات یذهبن (السینات.» (20))

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «نمازها آن چه در میان آنهاست، می‌پوشاند؛ چون خداوند گفته است: «همانا خوبی‌ها، بدی‌ها را از میان می‌برند»

رسیدن به خیر دنیا و آخرت. 2

در روایات متعددی از نماز به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به خیر دنیا و آخرت یاد شده است و هم راستا با این مسأله، محبت اهل بیت علیهم السلام نیز باعث جذب خیر دنیا و آخرت برای انسان می‌شود

(رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم: «الصَّلَاةُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ...» (21))

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: نماز کلید هر خوبی است

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم: «لا تزال امتی بخیر ما تحابوا و اقاموا الصَّلَاةَ... فإن لم يفعلوا ابتلوا بالسنین (والجدب).» (22)

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم: «همواره امتم در خیر و خوبی هستند تا آن گاه که با یکدیگر دوست باشند و نماز را بر پا دارند. پس اگر چنین نکنند به قحطی و خشکسالی گرفتار می‌شوند داخل شدن در بهشت. 3

یکی دیگر از آثار و برکات مشترک نماز و محبت به اهل بیت رسیدن به بهشت و برخورداری از نعمت‌های مادی و معنوی آن است. در این زمینه نیز احادیث بسیاری نقل شده است

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم: «قال الله عز وجل: انّ لعبدی علیّ عهداً ان اقام الصَّلَاةَ لوقتها ان لا اعدبه و ان (أدخله الجنة بغیر حساب).» (23)

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید: خدای فرمود: برای بندهام تعهد کرده‌ام، اگر نماز را در وقتش برپا دارد، کيفرش ندهم و او را بی‌محاسبه وارد بهشت کنم

(امام صادق علیه السلام: «من قبل الله منه صلاةٌ واحدةٌ لم يعدبه، و من قبل منه حسنةٌ لم يعدبه.» (24))

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند از هر کس يك نماز را بپذیرد، عذابش نمی‌کند. و از هر کس يك کار نیک بپذیرد، کيفرش نمی‌دهد

امام صادق علیه السلام: «بؤتی بالشیخ يوم القيامة فيدفع اليه كتابه ظاهرة مما يلي الناس لا يرى الا مساوی. فيطول ذلك عليه، فيقول: يا ربّ اأمرنی الى النار؟ فيقول الجبار جلّ جلاله: يا شيخ ائی أستحیی ان أعدبک و قد كنت تصلّی (فی دار الدنيا، اذهبوا بعبدی الى الجنة.» (25))

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: روز قیامت پیرمرد را می‌آورند و نامه عملش را آشکارا و پیش روی مردم به او می‌دهند، در حالی که جز بدی در آن دیده نمی‌شود، پس بر او گران می‌آید و می‌گوید: «ای پروردگار من آیا فرمان می‌دهی مرا به دوزخ برند؟ پس خدای بزرگ - جلّ جلاله - می‌گوید: «ای پیر! من شرم می‌کنم تو را کيفر دهم و

«حال آن که تو در دنیا برای من نماز می‌گزاردی؛ بندهام را به بهشت ببرید

حذیفة: «رأيت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم اخذ بيد الحسين بن علی فقال: «أيها الناس جدّ الحسين اكرم علی الله من جدّ يوسف بن يعقوب؛ و إنّ الحسين فی الجنة و أباه فی الجنة و أمة فی الجنة و اخاه فی الجنة و محبّهم فی الجنة و محبّ محبّهم فی الجنة.» (26))

حذیفة می‌گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم را دیدم که دست حسین بن علی علیه السلام را گرفت و فرمود: «ای مردم، جدّ حسین در نزد خدا از جد یوسف پسر یعقوب با کرامت‌تر است و همانا حسین و پدر و مادر و برادر و دوست‌داران آن‌ها و دوست‌داران دوست‌داران آن‌ها همگی در بهشت هستند

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم: «يا علیّ، من احبّ ولدك فقد احبّك. و من احبّك فقد احبّنی و من احبّنی فقد احبّ الله، و من احبّ الله ادخله الجنة. و من ابغضهم فقد ابغضك و من ابغضك فقد ابغضنی و من ابغضنی فقد

(ابغض الله و من ابغض الله كان حقیقاً علی الله أن یدخله النار.» (27))

رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «ای علی، هر کس فرزندان را دوست بدارد همانا تو را دوست داشته است و هر کس تو را دوست بدارد همانا مرا دوست داشته و هر کس مرا دوست داشته باشد همانا خداوند را دوست دارد. و هر کس که خدا را دوست بدارد حق تعالی او را وارد بهشت می‌کند و هر کس فرزندان را دشمن

بدارد پس همانا تو را دشمن داشته و هر کس تو را دشمن بدارد همانا مرا دشمن داشته و کسی که مرا دشمن بدارد، همانا حق تعالی را دشمن داشته و هر کس خدا را دشمن بدارد، پس بر خداست که او را داخل آتش کند

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم: «من احبّنا بقلبه و أعاننا بيده و لسانه كنت أنا و هو فی علیین و من احبّنا بقلبه و أعاننا بلسانه و كفّ يده فهو فی الدرجة التي تليها.» (28))

رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: هر کس ما را با قلبش دوست بدارد و با دست و زبانش یاری کند، پس من و او در علیین با هم خواهیم بود و هر کس ما را با قلبش دوست بدارد و با زبانش کمک کند و دست از کمک ما

بردارد در درجه پایین‌تری خواهد بود و هر کس ما را با قلبش دوست بدارد و زبان و دستش را نگه دارد، پس در درجه پایین‌تری خواهد بود.
 رسول‌الله صلی الله علیه وآله وسلم: «فی الجنة ثلاث درجات و فی النار ثلاث درجات فأعلى درجات الجنة لمن احبنا بقلبه و نصرنا بلسانه و یده و فی الدرجه الثانية من احبنا بقلبه و نصرنا بلسانه و فی الدرجه الثالثة من احبنا بقلبه.» (29)
 رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: در بهشت سه درجه و در آتش سه درجه است. پس بالاترین درجات بهشت برای کسی است که ما را با قلبش دوست بدارد و با زبان و دستش یاری کند و در درجه دوم کسی است که با قلبش دوست بدارد و فقط با زبانش یاری کند و در درجه سوم کسی است که تنها با قلبش ما را دوست داشته باشد.

یکسانی روایات درباره عواقب بی‌توجهی به نماز و بی‌توجهی به امام حسین علیه السلام

اتحاد و اتصال شخصیت والای امام حسین علیه السلام با نماز به گونه‌ای است که آثار سوء و ناپسند بی‌توجهی به آن‌ها، از دیدگاه روایات و احادیث به يك صورت هستند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:
 غضب الهی 1.

(رسول‌الله صلی الله علیه وآله وسلم: «من ترك صلاة لقی الله و هو علیه غضبان.» (30)
 پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: هر کس نمازی را نخواند، خداوند را می‌بیند که بر او خشمناک است رسول‌الله صلی الله علیه وآله وسلم: «لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ مَكْتُوبًا بِالذَّهَبِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ حَبِيبُ اللَّهِ، عَلِيٌّ وَوَلِيُّ اللَّهِ، فَاطِمَةُ أُمَّةُ اللَّهِ، الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَفْوَةُ اللَّهِ، عَلَى مُبْغِضِيهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ.» (31)
 رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: وقتی مرا به آسمان سیر دادند، دیدم که بر در بهشت با طلا نوشته شده است: «لا اله الا الله؛ محمد حبیب‌الله، علی ولی‌الله، فاطمه امة‌الله، الحسن و الحسين صفوة‌الله، بر دشمنانشان لعنة‌الله»

رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم: «ألا و من أبغض آل محمد جاء يوم القيامة مكتوباً بين عينيه آيس من رحمة الله.» (32)

رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: آگاه باشید که هر کس نسبت به آل محمد بغض داشته باشد، روز «قیامت می‌آید در حالی که بر پیشانی‌اش نوشته است: «مأیوس از رحمت خدا سقوط در ورطه کفر و الحاد 2.

از مصادیق و جلوه‌های اتحاد و اتصال و نیز هم‌سوئی آثار و عواقب کم‌توجهی به نماز و اهل‌بیت علیهم السلام آن است که آدمی به ورطه کفر و الحاد سقوط کند و ارزش و جایگاه بلند و رفیع خویش را که همان عبودیت و بندگی حق تعالی است از دست بدهد

(رسول‌الله صلی الله علیه وآله وسلم: «من ترك الصلاة متعمداً فقد كفر جهاراً» (33)
 پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: هر کس نماز را عمداً ترک کند، آشکارا کفر ورزیده است

(رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «العهد الذي بيننا وبينهم الصلاة. فمن تركها فقد كفر.» (34))
پیامبر خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: پیمان میان ما و آنان نماز است. پس هر کس آن را ترک کند، کافر شده است.
الامام علی علیه السلام: «الفرق بین المؤمن والكافر الصلاة؛ فمن تركها و ادعى الايمان كذبه فعله و كان عليه شاهداً (من نفسه.» (35))
امام علی علیه السلام فرمودند: تفاوت میان مؤمن و کافر در نماز است. پس هر کس آن را ترک کند و ادعای ایمان کند، عملش او را تکذیب می‌کند و از جانب خود، شهادتی بر ضد خود دارد.
الامام صادق علیه السلام: - لمن سأله عن الكبائر - «ترك الصلاة متعمداً او شيئاً مما فرض الله عزوجل؛ لانّ (رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال: من ترك الصلاة متعمداً فقد برىء من ذمّة الله عزوجل و ذمّة رسوله.» (36))
امام صادق علیه السلام به کسی که از گناهان بزرگ پرسیده بود - فرمود: «ترك کردن نماز از روی قصد یا هر آن چه خداوند واجب کرده است) از جمله گناهان کبیره می‌باشند؛ زیرا پیامبر خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «هر کس نماز را از روی قصد و عمل ترک کند، از پیمان خداوند و پیمان پیامبرش بیرون رفته است.
رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «ألا و من مات على بغض آل محمد مات كافراً. ألا و من مات على بغض آل (محمد لم يشم رائحة الجنة.» (37))
رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «آگاه باشید! کسی که با بغض آل محمد بمیرد، کافر، مرده است. آگاه باشید! هر کس با بغض و کینه آل محمد بمیرد، بوی بهشت را استشمام نمی‌کند.
رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «ثلاث من كنّ فيه فليس منّي و لا أنا منه. بغض علی بن ابی طالب و نصب اهل (بیتی و من قال: الايمان كلام.» (38))
رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «سه چیز است که در هر کس باشد، نه او از من است و نه من از اویم. اول بغض و کینه علی بن ابی طالب و دشنام و بدگویی اهل بیت و کسی که بگوید ایمان تنها کلام است (یعنی (تنها به زبان است

همسانی توجه به نماز و امام حسین علیه السلام،
در هر زمان و مکان

(خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «انّ الصلوة كانت على المؤمنين كتاباً موقوتاً» (39))
بر اساس روایات ائمه هدی علیهم السلام کلمه «موقوت» در این آیه به معانی (موجب، مفروض و ثابت) است. از داود بن فرقد روایت شده است که گفت: «معنی آیه ... کتاباً موقوتاً» را از امام صادق علیه السلام پرسیدم، فرمود: (یعنی کتاباً ثابتاً.» (40))
بنابراین نماز وظیفه ثابتی است که جز در مواردی برای زنان، در هیچ حالتی ساقط نمی‌شود و مانند دیگر عبادات، منوط به استطاعت نیست. مرد مسلمان در هر شرایطی که باشد باید آن را به جای آورد. پیاده بودن، سواره بودن، جنابت، بیماری، نبرد و حتی حرق و غرق مانع از ادای این فریضه الهی نیست و به هر صورت ممکن (ایستاده، نشسته و به پهلو خوابیده) باید ادا شود

قرآن کریم درباره نماز در جنگ می‌فرماید: «و اذا كنت فيهم فاقمت لهم الصلوة فلتقم طائفة منهم معك وليأخذوا اسلحتهم فاذا سجدوا فليكونوا من ورائكم ولتأت طائفة اخرى لم يُصلوا فليصلوا معك وليأخذوا حذرهم و اسلحتهم و الذين كفروا لو تغفلون عن اسلحتكم و امتعتكم فيميلون عليكم ميلاً واحدةً و لا جناح عليكم ان كان بكم اذى من مطر (او كنتم مرضى ان تضعوا اسلحتكم و خذوا حذرکم ان الله اعد للكافرين عذاباً مهيناً)» (41)

ای پیامبر! هنگامی که در میان سپاهیان هستی و برای آنان نماز جماعت به پا می‌داری، آنان باید به دو گروه تقسیم شوند. نخست عده‌ای با حمل سلاح با تو به نماز ایستند، سپس هنگامی که این گروه سجده کردند و رکعت اول نمازشان تمام شد، تو در جای خود توقف می‌کنی و آنان با سرعت رکعت دوم را تمام می‌کنند و به میدان نبرد باز می‌گردند و در برابر دشمن می‌ایستند و گروه دوم که نماز نخوانده‌اند جای گروه اول را می‌گیرند و با تو نماز را می‌خوانند. گروه دوم نیز باید وسایل دفاعی و سلاحشان را همراه خود داشته باشند و آن را بر زمین نگذارند؛ زیرا دشمن همواره در کمین است که از فرصت، استفاده کند و دوست دارد که شما از سلاح و متاع خویش غافل شوید تا یکباره بر شما حمله‌ور شود و اگر از باران ناراحت باشید و یا بیمار شوید، بر شما گناهی نیست که سلاح خود را بر زمین بگذارید؛ ولی در هر صورت از همراه داشتن وسایل حفاظتی و ایمنی (مانند زره و کلاه‌خود و امثال آن) غفلت نکنید و حتی در حال عذر، حتماً آن‌ها را با خود داشته باشید که اگر دشمن حمله کند بتوانید تا رسیدن کمک خود را حفظ کنید. شما این دستورات را به کار ببرید و مطمئن باشید که پیروزی از آن شماست. زیرا خداوند برای کافران، مجازات خوارکننده‌ای آماده کرده است

حسین بن علی علیه السلام در میدان نبرد عاشورا با خون خویش وضو ساخت و اقامه نماز کرد و به پیروان خویش آموخت که ترك نماز در هیچ شرایطی جایز نیست. کسی که نماز واجبش را از روی انکار و یا سبک شمردن رها سازد، کافر و مرتد است

عبدالله بن میمون از امام صادق علیه السلام، از پدرش جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده است که گفت:

(رسول خدا فرمود: «ما بين الكفر و الايمان الا ترك الصلاة» (42))

میان کفر و ایمان فاصله‌ای جز ترك نماز نیست

و از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرموده‌اند: «ما بين المسلم (و بين ان يكفر ان يترك الصلاة الفريضة متعمداً او يتهاون بها فلا يصلّيها.» (43))

میان مسلمان و کافر شدنش، فاصله‌ای جز ترك عمدی نماز یا سستی‌ای که به ترك آن منتهی شود، وجود ندارد. مردی به سوی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم آمد و گفت: ای رسول خدا! مرا وصیت کن. فرمود: «لا تدع (الصلوة متعمداً فان من تركها متعمداً فقد برئت منه ملة الاسلام.» (44))

نماز را از روی عمد و امگذار؛ زیرا آن که نماز را از روی قصد و عمد رها کند، آیین مسلمانی از او برطرف شود. و به همین خاطر مسلمانان از او دوری کنند و برائت جویند

(از امام صادق علیه السلام روایت شده است که: «ان تارك الصلوة كافر.» (45))

آن کس که نماز را بدون علت رها کند کفر ورزیده است

در جنگ صفین - که از مهم‌ترین نبردهای صدر اسلام است - سپاهیان علی علیه السلام در کشاکش جنگ، امیر خود را دیدند که در میان لشکر ایستاده و به آفتاب می‌نگرد. ابن عباس جلو رفت و سبب را پرسید. امام فرمود:

«می‌خواهم وقت نماز ظهر را بدانم

«ابن عباس گفت: «آیا در این گیرودار و اشتغال به جنگ، وقت نماز است؟

(امام فرمود: «ما برای چه با این قوم می‌جنگیم؟ آیا جز برای این است که نماز برپا شود؟» (46))

و اما اگر بخواهیم درباره لزوم توجه به امام حسین علیه السلام در هر زمان و مکان صحبت کنیم، آنچه باید گفته شود این است که انسان‌هایی که سالک کوی حقتند، باید برای رسیدن به کمال خویش اوصاف خاصی را تحصیل نموده و لازم است که انبیا و اولیای الهی را که از هر جهت الگو و اسوه‌اند، انتخاب نموده و حالات و حرکات و سکنات آن‌ها را در تمام لحظه‌ها و مکان‌ها الگوی خود قرار دهند. حال، علاوه بر این که خداوند متعال، رسول گرامی اسلام را اسوه معرفی می‌کند، در روایتی از امام حسین علیه السلام آمده است که آن حضرت نیز، خود را (اسوه معرفی کرده‌اند و فرموده‌اند که: «فلکم فی اسوة» (47))

و این مسأله بیان‌کننده این نکته است که انسان طالب کمال، برای رسیدن به کمال خویش، باید اسوه‌ای همچون امام حسین علیه السلام را در همه زمان‌ها و مکان‌ها یاد کند و با توجه کردن به او در طریق سعادت گام بردارد. جمله معروف (کل یوم عاشورا و کل ارض كربلا) حتی اگر حدیث هم نباشد، حقیقتی است که این مطلب را به اثبات می‌رساند و خود به روشنی نشان‌دهنده جامعیت حضور یاد و وجود گرانقدر امام حسین علیه السلام در تمام زمان‌ها و مکان‌هاست

- و اما نکته‌هایی که از این عبارت پر مفهوم برداشت می‌شود، عبارت است از
- هر زمان و مکانی که متصور می‌شود، به مثابه زمان عاشورا و مکان کربلاست. به عبارت دیگر، انسان‌ها در هر عصر و مکانی که باشند، همچون افراد حاضر در روز عاشورا و زمین کربلا، حضرت بر تمام آن‌ها اشراف دارد.
 - آدمی در هر زمان و مکانی می‌تواند در پای درس و تربیت امام حسین علیه السلام قرار گیرد و در همان جا خویشتن را در لشکریان حضرت جای دهد و در جهت ادامه راه و رسیدن به اهداف امام گام بردارد. در زیارتنامه‌ها به صورت مکرر این مضمون آمده است که: «من با دوستانان دوست و با دشمنانان دشمن و در حال جنگم. با ولی شما موالات و با عَدُو شما معادات دارم. از خداوند می‌طلبم که توفیق خونخواهی شما را در رکاب (پیشوایی راهنما و حَقگو نصیبم کند.» (48)
 - امثال این گونه تعبیرات، نشان تداوم و امکان حضور آدمی در لشکر امام حسین علیه السلام در طول تاریخ است؛ وگرنه عاشورا به پایان رسیده و بسیاری از انسان‌ها نیز در زمین کربلا نیستند و دشمنان آن حضرت نیز مرده‌اند نبرد عاشورا اگرچه از نظر زمان بسیار کوتاه بود؛ اما از نظر امتداد، طولانی‌ترین درگیری با باطل است و تا هر زمان که هر آرزومندی آرزو کند که کاش در کربلا بود و در یاری امام به شهادت می‌رسید، امتداد دارد. این (آرزو و اشتیاق، به خوبی در زیارتنامه‌ها جلوه‌گر است که: «یا لیتنی کنت معکم فافوز معکم» (49)
 - امام خمینی (ره) درباره مفهوم اینکه هر روز عاشوراست، می‌فرماید: «این کلمه کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا یک کلمه بزرگی است... همه روز باید ملت ما این معنی را داشته باشد که امروز روز عاشورا است و ما باید مقابل ظلم بایستیم و همین جا هم کربلاست و باید نقش کربلا را ما پیاده کنیم. انحصار به یک زمین ندارد؛ انحصار به یک افراد نمی‌شود؛ قضیه کربلا منحصر به یک جمعیت هفتاد و چند نفری و یک سرزمین کربلا نبوده؛ همه (زمین‌ها باید این نقش را ایفا کنند.» (50)
- آری، توجه به امام حسین علیه السلام، در هر زمان و مکانی، همچون توجه به نماز وجود دارد؛ هم چنان که در زیارت عاشورا، وقتی صحبت از مصیبت شهادت حضرت به میان می‌آید گفته می‌شود که: «و جلت و عظمت المصیبة بك علینا... و علی جمیع اهل السماوات.» یعنی آشکار و بزرگ است این مصیبت تو بر ما و بر تمام اهل آسمان‌ها و زمین. و این مطلب بدیهی است که خواندن زیارت عاشورا در هر مکان و زمانی جایز و بلکه توصیه شده است که خود حاکی از گستردگی یاد و توجه به امام حسین علیه السلام در هر زمان و مکانی است.

نماز و حب اهل بیت
به‌ویژه
امام حسین علیه السلام،
اولین
سؤال قیامت

با مشاهده روایات و احادیث ائمه اطهار علیهم السلام، این نکته روشن می‌شود که اولین چیزهایی که در قیامت به حساب آن‌ها رسیده می‌شود، نماز و حب اهل بیت علیهم السلام است که امام حسین علیه السلام نیز در آن شریک است.

این همسویی خود بیانگر اتحاد و اتصال امام حسین با نماز است که نکات و لطائف عرفانی بسیاری را در خود جای داده است. در ادامه به چند روایت درباره اولین سؤال قیامت اشاره می‌شود
قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «انَّ عمودالدين الصلاة و هي اول ما ينظر فيه من عمل ابن آدم فان صحَّت (نظر فی عمله و ان لم تصح لم ينظر فی بقية عمله.» (51)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرمایند: «همانا نماز عمود دین است و اولین چیزی از عمل فرزندان آدم است که به آن رسیدگی و نظر می‌شود. پس اگر صحیح بود، به عملش نظر می‌شود و اگر نمازش صحیح نبود، در بقیه عملش نگاه نمی‌شود»

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «اول ما يحاسب به يوم القيامة الصلاة. فمن اجاب فقد سهل عليه ما بعده و (من لم يجب فقد اشتد ما بعده.» (52)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرمایند: «نماز اولین چیزی است که در قیامت به حسابش می‌رسند. پس اگر انسان جواب داد، پس بر او بقیه اعمالش آسان خواهد بود و اگر جواب نداد اعمال بعدش سخت خواهد بود
قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «اذا كان يوم القيامة يدعى بالعبء فاول شيء يُسأل عنه الصلاة فان جاء بها (تامة و الارخ به في النار.» (53)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: وقتی روز قیامت شود بنده خوانده می‌شود. پس اولین چیزی که از او سؤال می‌شود نماز است. پس اگر آن را به تمام و کمال آورد (نجات یابد)، وگرنه به سبب آن در آتش خواهد افتاد

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «انَّ اول ما يحاسب به العبد بصلاته فان صلحت فقد افلح و انجح. و ان (فسدت فقد خاب و خسر.» (54)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرمایند: «همانا اولین چیزی که از عمل بنده در قیامت محاسبه می‌شود، نماز اوست. پس اگر به خیر و صلاح باشد، پس همانا آن فرد به فلاح و رستگاری رسیده و اگر نمازش فاسد باشد، پس همانا اهل خسران است»

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «اول ما يسأل العبد اذا وقف بين يدي الله عزوجل عن الصلاة فان زكت (صلاته زكا سائر عمله و ان لم تزك صلاته لم يزك عمله.» (55)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرمایند: «اولین چیزی که از بنده وقتی که در نزد خدای عزوجل می‌ایستند سؤال می‌شود، نماز است. پس اگر نمازش پاک باشد بقیه عملش نیز پاک خواهد بود و اگر نمازش ترکیه شده نباشد، عملش ترکیه نمی‌شود»

«قال الامام الباقر عليه السلام: «انَّ اول ما يحاسب به العبد الصلاة فان قبلت قبل ما سواها امام باقر علیه السلام فرمود: «همانا اولین چیزی که از بنده سؤال می‌شود نماز است. پس اگر قبول شود بقیه اعمالش نیز قبول می‌شود»

(قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: اول ما يسأل عنه العبد حبنا اهل البيت.» (56)
«رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: «اولین چیزی که از بنده سؤال می‌شود، حب ما اهل بیت است
قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «لا تزول قدما عبد يوم القيامة حتى يسأل عن اربع: عن عمره فيما افناه. و (عن جسده فيما ابلاه، و عن ماله من أين كسبه فيما انفقه و عن حبنا اهل البيت.» (57)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرمایند: «بنده در قیامت قدم از قدم بر نمی‌دارد تا این که از چهار چیز سؤال شود. از عمرش که در چه چیزی صرف کرده و از جسدش که در چه چیزی فرسوده و از مالش که در چه راهی خرج کرد و از چه جایی به دست آورد و از حب ما اهل بیت

ابو برزّه: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «لا تزول قدم عبد حتى يسأل عن حبنا اهل البيت. فقيل: يا (رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فما علامة حيكم؟ ف ضرب بيده على منكب علي.» (58)

ابو برزّه می‌گوید: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: بنده در قیامت قدم از قدم بر نمی‌دارد تا این که از چهار چیز سؤال شود. از جسدش که در چه چیزی فرسوده کرده و از عمرش که در چه چیزی صرف کرده و از مالش که از کجا به دست آورده و در چه راهی خرج کرده و از دوستی و حب اهل بیت. پس گفته شد: ای رسول خدا! علامت دوستی و حب شما چیست؟ پس پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با دستش بر شانه علی علیه السلام زد ((یعنی دوستی علی علیه السلام

حنان بن سدير قال حدثني ابي قال: كنت عند جعفر بن محمد عليهما السلام فقدم الينا طعاماً ما اكلت طعاماً مثله قط. - فقال لي: يا سدير، كيف رأيت طعامنا هذا؟ قلت: بابي انت و امي يابن رسول الله، ما اكلت مثله قط و لا اظن اكل ابدأ مثله. ثم ان عيني تغرغرت فيكيت. فقال: يا سدير، ما بيكيك؟ قلت يابن رسول الله ذكرت آية في كتاب الله تعالى. قال:

و ما هی؟ قلت: قول الله فی کتابه «ثم لتسنلن یومئذ عن النعیم» فحفت ان یكون هذا الطعام «من النعیم» الذی یسألنا الله عنه. فضحك حتی بدت نواجذه، ثم قال: یا سدید لا تسأل عن طعام طیب و لا ثوب لین و لا رائحة طيبة؛ بل لنا خلق و له خلقنا و لنعمل فیہ بالطاعة قلت له: بابی انت و امی یابن رسول الله، فما النعیم؟ قال: حب علی و عترته. (یسألهم الله یوم القیامة: کیف كان شکرکم لی حین انعمت علیکم بحب علی و عترته؟)» (59)

حنان بن سدید می گوید: «پدرم گفت که در نزد امام صادق علیه السلام بودم. پس بر ایمان طعامی آورد که هرگز مثل آن را نخورده بودم. پس حضرت فرمود: یا سدید غذا چگونه بود؟ عرض کردم: پدر و مادرم به فدایتان، ای پسر رسول خدا! هرگز مثل آن را نخورده بودم و هرگز گمان نمی کنم که مثلش را بعداً نیز بخورم. سپس اشک چشمم جاری شد و به گریه افتادم. پس حضرت فرمود: ای سدید چه چیزی تو را به گریه انداخت؟ عرض کردم: آیه «ثم لتسنلن یومئذ عن النعیم» پس ترسیدم که این غذا از جمله نعیمی باشد که حق تعالی سؤال می کند. پس حضرت خندید به گونه ای که دندان های مبارکش نمایان شد. سپس فرمود: ای سدید! از غذای پاک و لباس نرم و بوی خوش سؤال نمی شود؛ چرا که برای ما خلق شده اند و ما نیز برای آن خلق شده ایم و به سبب آن برای طاعت (خدا) عمل می کنیم. عرض کردم: پدر و مادرم به فدایتان ای پسر رسول خدا! پس نعیم (که در آیه آمده) چه چیزی است؟ حضرت فرمودند: نعیم، دوستی و حب علی و عترت اوست که خداوند از مردم در قیامت می پرسد: شکر «شما برای من چگونه بود، وقتی که به شما حب علی و عترتش را نعمت دادم؟»

توجه مستقیم و غیر مستقیم حق تعالی
در قرآن کریم
به نماز و امام حسین علیه السلام

با نگاهی گذرا به آیات نورانی وحی، ملاحظه می شود که خداوند متعال، در موارد بسیاری، از نماز و اهمیت آن صحبت به میان آورده است. در عین حال وقتی به روایات و احادیث وارده از ائمه هدی علیهم السلام مراجعه می شود، این نکته عجیب و بسیار جالب دیده می شود که بسیاری از آیات قرآن کریم به وجود نازنین اهل بیت علیهم السلام تأویل و تفسیر شده اند و در این میان شخصیت والای امام حسین علیه السلام از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است. قابل تأکید است که میزان استعمال لفظ صلاة و مشتقات آن در قرآن کریم 99 مرتبه است. (60) که در احادیث معصومان نیز حدوداً به میزان 128 مرتبه، آیات الهی به نام امام حسین علیه السلام تفسیر و تأویل شده اند که در ادامه به مواردی اشاره می شود

آیه 37 سوره بقره: فتلقى آدم من ربه كلمات فتاب عليه انه هو التواب الرحيم

العمدة: باسناده الى ابن المغازلی من مناقبه، عن احمد بن محمد بن عبد الوهاب عن محمد بن عثمان، عن محمد بن سليمان، عن محمد بن علی بن خلف عن حسين الأشقر، عن عثمان بن أبي المقدم، عن أبي جبير، عن ابن عباس قال: سئل النبي صلى الله عليه وآله وسلم عن الكلمات التي تلقاها آدم من ربه فتاب عليه. قال: سأله بحق محمد و (علی و فاطمه و الحسن و الحسين الا تبت علی فتاب عليه.)» (61)

از ابن عباس نقل می کنند که گفت: «از پیامبر درباره معنای کلماتی که در آیه آمده سؤال شد. پس حضرت فرمود: آدم از پروردگار، به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام درخواست کرد که بر او توجه کند؛ پس خدا نیز توجه کرد

آیه 124 سوره بقره: و اذ ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمهن قال ائی جاعلك للناس اماماً، قال و من ذریّتی، قال لاینال عهدی الظالمین

الدقاق، عن حمزه العلوی، عن الفزازی عن محمد بن الحسین الزّیّات، عن الازدی، عن المفضّل عن الصادق جعفر بن محمد علیهما السلام قال: سألته عن قول الله عزّوجلّ «و اذ ابتلی ابراهیم ربه بکلمات» ما هذه الکلمات؟ قال: هی الکلمات الّتی تلقاها آدم من ربّه فتاب علیه و هو ائه قال: یا ربّ، اسئلك بحقّ محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسین الا تبت علیّ فتاب الله علیه ائه هو الثواب الرحیم. فقلت له: یا بن رسول الله فما یعنی عزّوجلّ بقوله «اتمهنّ»؟ (قال: یعنی اتمهنّ الی القائم علیه السلام اثنا عشر اماماً تسعة من ولد الحسین علیه السلام. 62) مفضل می گوید از امام صادق علیه السلام درباره آیه «و اذ ابتلی ابراهیم ربه بکلمات» پرسیدم که مراد از این ... کلمات چیست؟

پس حضرت فرمود: «اینها کلماتی هستند که ابراهیم از پروردگارش گرفت پس به سوی او توجه کرد و آن این بود که ابراهیم گفت: ای خدا از تو درخواست می کنم به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین که به من توجه کنی. پس خدا بر او توجه کرد؛ چرا که او توبه پذیر و مهربان است.» پس به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «ای پسر رسول خدا! معنای عبارت اتمهنّ در آیه چیست؟» حضرت فرمودند: «یعنی خدا کلمات را با قائم (عج) تمام می کند. دوازده امامی که نه نفر آن ها از فرزندان حسین علیه السلام هستند

آیه 143 سوره بقره: و كذلك جعلناکم امة وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول علیکم شهیداً الحسین بن العباس و جعفر بن محمد بن سعید، عن الحسن بن الحسین، عن عمر و بن أمی المقدم عن میمون البان مولی بنی هاشم، عن أبی جعفر علیه السلام فی قول الله تعالی «و كذلك جعلناکم...» قال ابو جعفر علیه السلام: منّا شهید (علی کل زمان، علی بن ابی طالب فی زمانه و الحسن علیه السلام فی زمانه و الحسین علیه السلام فی زمانه... 63) از امام باقر علیه السلام درباره آیه (و كذلك جعلناکم... (پرسیدم: حضرت فرمودند: «شاهد (بر مردم) در هر زمانی از ما اهل بیت است. علی بن ابی طالب علیه السلام، در زمان خودش شاهد بود و حسن علیه السلام در زمان خودش ... و حسین علیه السلام در زمان خودش

آیه 238 سوره بقره: حافظوا علی الصلوات و الصلوة الوسطی و قوموا لله قانتین عن زرارة، عن عبدالرحمن بن کثیر، عن ابی عبدالله علیه السلام فی قوله «حافظوا علی الصلوات...» قال: الصلوة رسول الله و امیر المؤمنین و فاطمة و الحسن و الحسین، و الوسطی امیر المؤمنین و قوموا لله قانتین، طاعتین (للأمة. 64)

زراره می گوید از امام صادق علیه السلام درباره آیه «حافظوا علی الصلوات و الصلوة الوسطی و قوموا لله قانتین» پرسیدم و حضرت فرمودند: «صلوات، رسول اکرم و امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین هستند و صلوات وسطی امیر مؤمنان است و مراد از «قوموا لله قانتین» خاشعان برای امامان هستند آیه 256 سوره بقره: لا اکراه فی الدین، قد تبیین الرشد من الغی، فمن یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی لا انفصام لها و الله سميع علیم

عن سعدی، عن ابن عیسی عن ابيه، عن عبدالله بن المغیره، عن محمد بن سلیمان البزاز عن عمرو بن شمر، عن جابر، عن أبی جعفر علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم: من اراد ان یتمسک بعروة الله الوثقی الّتی قال الله عزّوجلّ فی کتابه، فلیتوال علی بن ابی طالب و الحسن و الحسین، فان الله تبارک و تعالی یحبهما من فوق عرشه. (65)

امام باقر علیه السلام فرمودند: «پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: کسی که می خواهد به ریسمان محکم الهی که در قرآن آمده تمسک جوید پس باید علی بن ابی طالب و حسن و حسین را دوست بدارد؛ چرا که حق تعالی «آن ها را از بالای عرش دوست دارد

آیه 61 سوره آل عمران: فمن حاجک فیہ من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا ندع ابنائنا و ابنائکم و نساننا و نسانکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله علی الکاذبین. و لما نزلت قوله تعالی «فقل تعالوا ندع ابنائنا و ابنائکم» دعا (رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم علیاً و فاطمة و حسناً و حسیناً فقال: اللهم هؤلاء أهلی. 66)

هنگامی که آیه «فقل تعالوا ندع ابنائنا و ابنائکم» نازل شد پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم، علی و فاطمه و «حسن و حسین را فرا خواند. پس گفت: «خداوند! اهل بیت من این هابند

آیه 36 سوره نساء: و اعدوا لله و لا تشرکوا به شیئاً و بالوالدین احساناً و بذی القربی جعفر بن محمد بن سعید الأحمسی معنعناً عن الصادق علیه السلام فی قوله تعالی

و اعدوا لله و لا تشرکوا به شیئاً و بالوالدین احساناً» قال: «ان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم و علی بن «(ابی طالب علیه السلام هما الوالدان [الوالدین] و «بذی القربی»، قال: الحسن و الحسین علیهما السلام. 67)

امام صادق علیه السلام درباره آیه «و اعبدوا الله و لا تشركوا به شيئاً و بالوالدين احساناً» فرمودند: «همانا رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و علی بن ابی طالب علیه السلام و الدین هستند و مراد از «ذی القربی» حسن علیه السلام و حسین علیه السلام هستند.

...آیه 59 سوره نساء: یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم عن ابان انه دخل علی ابی الحسن الرضا علیه السلام قال: فسألته عن قول الله «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» فقال: ذلك علی بن ابی طالب صلوات الله علیه ثم سکت فلما طال سکوته قلت: ثم من؟ قال: ثم الحسن علیه السلام ثم سکت فلما طال سکوته قلت: ثم من؟ قال: الحسن علیه السلام، قلت: ثم من؟ قال: ثم (علی بن الحسن و سکت فلم یزل یسکت عن کل واحد حتی أعید المسئلة فیقول، حتی سمّاهم الی آخرهم. (68) از ابان نقل شده که وقتی بر امام رضا علیه السلام وارد شد، از آن حضرت درباره معنای آیه «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله...» پرسید: پس امام فرمودند: «مراد از اولی الامر، علی بن ابی طالب علیه السلام است» و سپس سکوت کردند. پس چون سکوت حضرت طول کشید پرسیدم: «سپس چه کسی مراد آیه است؟» حضرت فرمود: «سپس حسن علیه السلام» و دوباره سکوت کرد. پس چون این بار هم سکوتش طول کشید عرض کردم: «سپس چه کسی؟» حضرت فرمود: «حسین علیه السلام». عرض کردم: «سپس چه کسی؟» فرمود: «علی بن الحسن علیه السلام» و سکوت کردند و همواره پس از ذکر نام هر کدام از امامان سکوت می کردند تا این که من درخواستم را اعاده می کردم. تا این که تا آخر آن ها را نام برد

آیه 69 سوره نساء: و من یطع الله و الرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقاً
قال الباقر علیه السلام: النبیین، رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم و الصدیقین، علی علیه السلام و الشهداء الحسن (و الحسنین علیهما السلام، و الصالحین، الائمه و حسن اولئک رفیقاً، القائم من آل محمد علیهم السلام. (69)
امام باقر علیه السلام درباره آیه «و من یطع الله...» فرمودند: «مراد از نبیین رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم است و مراد از صدیقین علی علیه السلام و مراد از شهداء حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و مراد از صالحین امامان علیهم السلام هستند و مراد از «حسن اولئک رفیقاً» قائم آل محمد است
آیه 46 سوره اعراف: و بینهما حجاب و علی الأعراف رجالاً یعرفون کلاً بسیماهم و نادوا اصحاب الجنة ان سلام علیکم لم یدخلوها و هم یطمعون

روی الشیخ ابو جعفر الطوسی عن رجاله عن أبی عبدالله علیه السلام و قد سئل عن قول الله عزوجل «و بینهما حجاب» فقال: سور بین الجنة و النار، قائم علیه محمد و علی و الحسن و حسین و فاطمة و خدیجة علیهم السلام فینادون: این محبتونا؟ این شیعتنا؟ فیقولون الیهم فیعرفونهم بأسمائهم و اسماء آبائهم و ذلك قوله تعالی: «یعرفون کلاً بسیماهم». فیأخذون ایدیهم فیجوزون بهم علی الصراط و یدخلونهم الجنة. (70)
از امام صادق علیه السلام درباره آیه «و بینهما حجاب» سؤال شد. پس فرمودند: «دیواری بین بهشت و جهنم است که بر روی آن محمد و علی و حسن و حسین و فاطمه و خدیجه ایستاده اند. پس صدا می زنند، دوستداران ما کجائید؟ شیعیان ما کجائید؟ پس بر آن ها نگاه می کنند و آن ها را با اسمها و اسمهای پدرانشان می شناسند و این است معنای آیه «یعرفون کلاً بسیماهم» پس دستهای آن ها را می گیرند و جواز عبور از صراط را به آن ها می دهند و آن ها را داخل بهشت می کنند

آیه 24 سوره ابراهیم: المتر کیف ضرب الله مثلاً کلمة طيبة کشجرة طيبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء جماعة من اصحابنا عن محمد بن همّام، عن جعفر الفزّاری، عن جعفر بن اسماعیل الهاشمی عن خاله محمد بن علی، عن عبدالرحمن بن حمّاد، عن عمر بن یزید السابری، قال: سألت ابا عبدالله علیه السلام عن هذه الایة «اصلها ثابت و فرعها فی السماء» قال: اصلها رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم و فرعها امیر المؤمنین علیه السلام، و الحسن و حسین ثمرها و تسعة من ولد الحسن أغصانها و الشیعة ورقها و الله ان الرجل منهم لیموت فتسقط ورقة من تلك (الشجرة. قلت: قوله عزوجل: «توتی أکلها کلّ حین»؟ قال: ما یرج من علم الامام الیکم فی کلّ حجّ و عمرة. (71)
عمر بن یزید سابری می گوید از امام صادق علیه السلام درباره آیه «اصلها ثابت و فرعها فی السماء» پرسیدم: پس حضرت فرمودند: اصل آن رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و فرع آن امیر مؤمنان علیه السلام است. و حسن و حسین علیهما السلام میوه های آنند. و امامان نه گانه از فرزندان حسین علیه السلام شاخه های آن هستند و شیعیان برگ های آنند. به خدا قسم هر گاه مردی از آن ها بمیرد، یک برگ از این درخت می افتد. پس عرض کردم: آیه «توتی أکلها کلّ حین» به چه معناست؟ فرمود: «آنچه که از علم امام در هر حجّ و عمره ای نصیب شما می شود. آیه 43 سوره نحل: و ما ارسلنا من قبلك الا رجالاً نوحی الیهم فسلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون

عن ابن عباس في قوله تعالى «فستلوا اهل الذكر» قال: هم محمدٌ و عليٌّ و فاطمة و الحسن و الحسين عليهم السلام هم اهل الذكر و العلم و العقل و البيان و هم اهل بيت النبوة و معدن الرسالة و مختلف الملائكة و الله ما سمى المؤمن مؤمناً (الا كرامة لامير المؤمنين عليه السلام) 72

از ابن عباس درباره آیه «فستلوا اهل الذكر» نقل شده كه گفت: «محمد و على و فاطمه و حسن و حسين عليه السلام اهل ذكر و علم و عقل و بيان هستند و آنها اهل بيت نبوت و معدن رسالت و محل رفت و آمد ملائكه اند. به خدا قسم مؤمن جز به سبب كرامت امير مؤمنان عليه السلام، مؤمن نامگذاري نشده است آیه 7 سوره مريم: يا زكريا انا نبشرك بغلام اسمه يحيى لم نجعل له من قبل سمياً و من ذلك ما رواه من المخالفين ابن شيرويه الديلمي في كتاب الفردوس في الجزء الثاني في باب القاف عن ابن عباس قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم في قول الله عز وجل «لم نجعل له من قبل سمياً» قال: «ذلك يحيى (و قرّة عيني الحسين)» 73

ابن شيرويه ديلمي در كتاب «فردوس» از مخالفين در جزء دوم در باب قاف از ابن عباس نقل كرد كه پيامبر اسلام صلى الله عليه وآله وسلم درباره آیه (لم نجعل له من قبل سمياً) فرمودند: «مراد از آن يحيى پيامبر و نور چشم» من حسين است

... آیه 115 سوره طه: و لقد عهدنا الى آدم من قبل

الحسين بن محمد، عن المعلى بن محمد، عن جعفر بن محمد بن عبيدالله، عن محمد بن عيسى القمي، عن محمد بن سليمان، عن عبدالله بن سنان، عن ابي عبدالله عليه السلام في قوله: «و لقد عهدنا الى آدم من قبل» كلمات في محمد و علي و فاطمة و الحسن و الحسين و الائمة من ذريتهم... 74

امام صادق عليه السلام درباره عهد در آیه «و لقد عهدنا الى آدم من قبل» فرمودند: مراد كلماتي درباره محمد و علي و فاطمه و حسن و حسين و امامان از نسل آنهاست

آیه 40 سوره حج: الذين اخرجوا من ديارهم بغير حق الا ان يقولوا ربنا الله

علي بن محمد الزهري معنعناً عن ابي عبدالله عليه السلام في قول الله تعالى: «الذين اخرجوا...» علي و الحسن (و الحسين و جعفر و حمزة عليهم السلام) 75

امام صادق عليه السلام درباره آیه «الذين اخرجوا من ديارهم» فرمودند: «مراد علي و حسن و حسين و جعفر و حمزه عليهم السلام هستند

آیه 1 سوره مؤمنون: قد افلح المؤمنون

قال محمد بن العباس: حدثنا محمد بن همّام، عن محمد بن اسماعيل، عن عيسى بن داود، عن الامام موسى بن جعفر عليهما السلام في قول الله عز وجل «قد افلح المؤمنون - الى قوله - الذين يرثون الفردوس هم فيها خالدون» (قال: نزلت في رسول الله و في امير المؤمنين و فاطمة و الحسن و الحسين صلوات الله عليهم اجمعين) 76

امام كاظم عليه السلام درباره آیه «قد افلح المؤمنون...» فرمودند: آیه درباره رسول اكرم صلى الله عليه وآله وسلم و امير مؤمنان و فاطمه و حسن و حسين صلوات الله عليهم اجمعين نازل شد

آیه 36 سوره نور: في بيوت اذن الله أن ترفع و يذكر فيها اسمه يسبح له فيها بالغدو و الاصال

محمد بن العباس، عن محمد بن همّام، عن محمد بن اسماعيل، عن عيسى بن داود قال: حدثنا الامام موسى بن جعفر، عن ابيه عليهما السلام في قول الله عز وجل «في بيوت اذن الله...» قال: بيوت آل محمد صلى الله عليه وآله وسلم بيت (علي و فاطمة و الحسن و الحسين و حمزه و جعفر عليهم السلام) 77

امام كاظم عليه السلام درباره آیه «في بيوت اذن الله...» از پدر بزرگوارش نقل فرمودند كه: «مراد، بيوت آل محمد... است؛ يعنى بيت على و فاطمه و حسن و حسين و حمزه و جعفر عليهم السلام

آیه 75 سوره فرقان: اولئك يجزون الغرفة بما صبروا و يلقون فيها تحية و سلاماً

عن سعيد بن جبیر في قوله تعالى: «اولئك يجزون الغرفة بما صبروا» يعنى: على بن ابي طالب و الحسن و الحسين و (فاطمة عليهم السلام) «و يلقون فيها تحية و سلاماً. خالدین فيها حسنت مستقراً و مقاماً» 78

سعيد بن جبیر (از تابعين شيعي) درباره آیه «اولئك يجزون» می گوید: «مراد على بن ابي طالب عليه السلام و حسن عليه السلام و حسين عليه السلام و فاطمه سلام الله عليها هستند، «يلقون فيها تحية و سلاماً خالدین فيها حسنت» مستقراً و مقاماً

آیه 219 سوره شعراء: و تقلبك في الساجدين

عن محمد بن الحسين الخثعمي، عن عباد بن يعقوب، عن الحسن بن حمّاد، عن أبي الجارود، عن ابي جعفر عليه السلام في قوله عز وجل «و تقلبك في الساجدين» قال: في على و فاطمة و الحسن و الحسين و أهل بيته عليهم

(السلام) 79

امام باقر علیه السلام درباره آیه «و تقلبک فی الساجدین» فرمودند: «آیه درباره علی و فاطمه و حسن و حسین و اهل بیت ایشان علیهم السلام نازل شده است

آیه 33 سوره احزاب: اِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ بَيْتٍ وَيَطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيراً

ابو عمرو، عن ابی عقدة، عن یعقوب بن یوسف بن زیاد، عن محمد بن اسحاق بن عمّار، عن هلال بن ایوب، عن

«... عطية قال: سألت ابا سعيد الخدري عن قوله تعالى: «انما يريد الله

(قال: نزلت في رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم و علي و فاطمة و الحسن و الحسين عليهم السلام. (80)

عطيه میگوید از ابوسعید خدری درباره آیه «انما يريد الله...» پرسیدم و او گفت: «این آیه، درباره رسول

اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است

... آیه 23 سوره شوری: قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى

عن الحسين الأشقر، عن قيس بن الربيع، عن الأعمش، عن سعيد بن جبیر، عن ابن عباس رضی الله عنه، قال: لَمَّا

نزلت الآية «قل لا اسئلكم...» قالوا [فُلْتُ]: يا رسول الله: من قرابتك الذين وجبت [افترض الله] علينا مودتهم؟ قال:

[علي و فاطمة و ولدهما] ثلاث مرّات يقولها (81)

ابن عباس میگوید: «وقتی آیه «قل لا اسئلكم...» نازل شد، به پیامبر عرض کردم: «یا رسول الله! بستگان شما ...

که حق تعالی مودت آن‌ها را بر ما واجب کرده کیانند؟ رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «علی و

فاطمه و فرزندان شان حسن و حسین علیهم السلام هستند.» و سه مرتبه این مطلب را تکرار فرمودند

آیه 28 سوره زخرف: و جعلها كلمة باقية في عقبه لعلهم يرجعون -

الاعوج عن ابی هريرة قال: سألت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم عن قوله «و جعلها كلمة باقية في عقبه» قال:

(جعل الامامة في عقب الحسين يخرج من صلبه تسعة من الائمة منهم مهدي هذه الامة. (82)

ابو هریره میگوید: از پیامبر درباره معنای آیه «و جعلها كلمة باقية في عقبه» پرسیدم و ایشان در جواب فرمودند:

خداوند امامت را در نسل حسین علیه السلام قرار داد که نه امام از نسل او خواهند آمد که مهدی این امت یکی از

«آن‌هاست

... آیه 21 سوره طور: والذين آمنوا و اتبعتم ذريتهم بايمان الحقنا بهم ذريتهم

محمد بن العباس، عن عبدالعزيز بن يحيى، عن ابراهيم بن محمد، عن علي بن نصير، عن الحكم بن ظهير،

«... عن السدي، عن ابی مالك، عن ابن عباس، في قوله تعالى «والذين آمنوا

(قال: نزلت في النبي و علي و فاطمة و الحسن و الحسين عليهم السلام. (83)

ابن عباس درباره آیه «والذين آمنوا و اتبعتم ذريتهم بايمان» می‌گوید: آیه درباره پیامبر و علی و فاطمه و حسن و

حسین علیهم السلام نازل شده است

آیه 17 سوره رحمن: ربّ المشرقين و ربّ المغربين -

في رواية سيف بن عميرة، عن اسحاق بن عمّار، عن ابی بصير قال: سألت ابا عبد الله عليه السلام عن قول الله:

«ربّ المشرقين و ربّ المغربين» قال: المشرقين رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم و امير المؤمنين و المغربين

(الحسن و الحسين صلوات الله عليهما... (84)

ابو بصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره معنای آیه «ربّ المشرقين و ربّ المغربين» پرسیدم و آن

حضرت فرمودند: دو مشرق رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیر مؤمنان علیه السلام هستند و دو مغرب

حسن و حسین علیهما السلام هستند

... آیه 27 سوره فجر: يا ايها النفس المطمئنة. ارجعي الى ربك راضية مرضية

جعفر بن احمد، عن عبد الله بن موسى، عن ابی البطائنی، عن ابیه، عن أبی بصير، عن ابی عبد الله عليه السلام في

(قوله «يا ايها النفس المطمئنة...» يعني: الحسين بن علي عليهما السلام. (85)

ابو بصیر از امام صادق (ع نقل می‌کند که آن حضرت درباره آیه «يا ايها النفس المطمئنة...» فرمودند: «مراد

«حسین بن علی علیه السلام است

تسنیم وصال سعیده رسولی

تسنیم وصال» کتابی است تحقیقی درباره نماز که با استفاده از آیات و روایات متعدد تلاش شده، نماز را به نسل « جوان بشناساند.

هدف نویسنده کتاب این گونه بیان شده است: «در این تحقیق سعی کرده‌ام با در نظر گرفتن نماز و نقش آن در زندگی، اهمیت آن را به همگان، علی‌الخصوص نسل جوان بفهمانم؛ به راستی حیف است آدمی که به‌عنوان خلیفه خدا در روی زمین است. از این امر مهم و مقدس سر باز زند

کتاب تسنیم وصال شامل چهار فصل است که به طور مختصر هر فصل را معرفی می‌کنیم

فصل اول کتاب درباره «مبادی تحقیق» است. در این جا محقق مقدمه‌ای نسبتاً کوتاه درباره کتاب خود و هدفش از تهیه این مجموعه را بیان داشته است. او در این قسمت، موضوع تحقیق و تبیین آن، اهداف تحقیق، ضرورت پژوهش و محدودیت‌ها و مشکلات تحقیقش را بیان می‌کند.

فصل دوم این کتاب درباره پرستش است. پرستش فطری بشر است و پرستش بازتاب شناخت است. هم چنین در این فصل، مفهوم، محتوا و پرستش در هستی مطرح می‌شود.

در فصل سوم کتاب، عبادت و چرا عبادت می‌کنیم، عبادت سر لوحه همه تعلیمات اسلام، فلسفه عبادت در قرآن، عبادت راز آفرینش، انگیزه، شکل و سیمای عبادت مطرح می‌شود. در پایان فصل، نویسنده، درباره نقش عبادت در بازگشت به خویش، به طور مفصل بحث کرده است.

در فصل چهارم کتاب نویسنده از روح نماز آغاز می‌کند و آداب و شرایط باطنی و ظاهری را به بحث می‌کشد. در این فصل است که نویسنده با ذکر روایاتی از اهل بیت معصومین علیهم السلام دیدگاه‌های آنان را درباره فلسفه نماز بیان می‌کند و هم چنین برخی از تفاسیر مربوط به سوره حمد و توحید را مثال می‌آورد.

در پایان کتاب چکیده‌ای از تحقیق به همراه منابع و مأخذ مطرح شده است.

اینک قسمت‌هایی از نوشته‌های خانم رسولی را با هم مرور می‌کنیم

نماز

ذره‌ای بی‌نهایت کوچک، در فضایی بس گسترده بودم. خود را بی‌پناه احساس می‌کردم. نه قدرتی داشتم که بر خود مسلط شوم و سکون یابم و نه در مقابل تلاطم و هیاهوی جنجالی محیط پیرامون، توان مقابله و حفظ خویشتن خویش داشتم. آواره بودم و سرگردان، تشویش و نگرانی، آینده‌ام را تاریک ساخته بود.

نمی‌دانستم چه کنم و به کدامین سو، راه خود را پیش گیرم. در انتظار نشسته بودم؛ و در این اندیشه که باید نگرانی و اضطراب پایان یابد. باید از این همه تحقیر و بیگانگی از خود و در هم شکستگی، رها شوم. اما چگونه؟ گوش به زنگ، چشمان در انتظار، همانند هر منتظر نگران چشم‌په‌راه، صداهایی پیرامون‌تن‌لرزیده‌امی پیچید و هر از گاهی

مرا به سوی خود فرا می‌خواند و با ظاهر فریبنده‌اش قصد ربودنم را داشت. من ذره‌ام به دنبال قدرت بودم. قطره‌ام دنبال اقیانوس، تا با اتصالم بر آن، قوی شوم و همانند آن آرام گیرم

گاهی خیال می‌کنم که این صداها پیچیده در پیرامونم، مرا آرامش خواهند داد. لرزش را از من دور و سکون و آرامش، به من خواهد بخشید. لیک، با اندک نزدیکی به آن، احساس دوری در من پیدا می‌شود و سرگردان‌تر می‌گردم. چیزی از اسارت من نکاست، بلکه قیدهای اسارت بر گردنم زیادت‌تر شد. انتظار، صد افزون شد تا در میان صداها که از هر سو به سراغ من می‌آیند ندای دلنشینم را دریابم. لحظه‌ها می‌گذرد. من بی‌تابی‌ام افزون‌تر و انتظارم بیش‌تر می‌شود. دیگر فراق را تحمل نیست. ناگهان ندایی سر داده می‌شود که بوی امید از آن می‌آید و نوید پایان انتظار را دارد. آن ندا خیلی جذاب است. گویی در کنارم با من است، اما من غافل و بی‌خبر. کیست، چیست، که این چنین آرامش و سکون را برایم به ارمغان می‌آورد؟ آری این مؤذن است که بر بالای بام عشق، نام معشوقم «الله» را با توصیف به بزرگی بر زبان جاری می‌کند

الله‌اکبر! گویا از ذره بودن، بوی خلاصی و از قطره بودن بوی نجات می‌آید. از شوق شنیدن نام یار، سر به راه به سوی او می‌روم. تا آن که بر در جایگاهی که اذان گفته شد، برسم. حال با دلی سرشار از اراده و تصمیم و مملو از عشق و ارادت سر به آستان باید گذاشت و باید از خود گذشت و تسلیم معبود خویش شد. باید به نماز ایستاد؛ باید با خدا بدون واسطه سخن گفت. آری باید نماز خواند، نماز

محنت این سرا بکش، ریح نجات می‌رسد
در ظلمات صبر کن، آب حیات می‌رسد
گر تو کنی به دوست رو، تن بدهی به حکم او
صد مددش به جان تو از جذبات می‌رسد
بهر حلاوت حیات، تن به نبات عشق ده
چوب، چو در شکر رسد، شاخ نبات می‌شود
بار صلات را بکش، تلخی صوم را بچش
بهر صلات و صوم از او، صد صلوات می‌رسد
حج بگذار اگر تو را هست توان و طاقتی
در ره کعبه حاج را، صد برکات می‌رسد
عشق بورز ای پسر، در ره عشق باز سر
کشته عشق دوست را، تازه حیات می‌رسد
در ره حق ثبات ورز تا برسی به دوست فیض
(عذر فتور خواستن، کی به ثبات می‌رسد) 86

گفت پیغمبر، رکوع است و سجود
بر در حق کوفتن، حلقه وجود
حلقه آن در، هر آن کو می‌زند
(بهر او، دولت سری بیرون کند) 87

نماز، محبوب عارفان، بهشت خلوص انس و معراج السالکین و صلوة العارفين است. نماز، موهبت و سرچشمه فیض است که لایزال در اختیار ما قرار داده است. نماز، دروازه‌ای است، گشاده به عرصه پهناور و مصفا. دریغ است که آدمی عمری را در جوار بهشت مصفایی بگذراند و سری بدان نکشد و عزیزان و دلبندان خود را بدان سوق ندهد. هیچ وسیله‌ای مستحکم‌تر و دائم‌تر از نماز برای ارتباط میان انسان با خدا نیست. نماز ستون دین است. اسلام در حکم یک بنای برافراشته و یک ساختمان هماهنگ و پابرجاست و در میان معارف اسلامی، تنها نماز است که نقش اساسی را در حفظ آن ایفا می‌کند و حکم ستون برای این مجموعه دارد. بدین ترتیب به آنان که نمازشان ترك شده است، یا از اول تارك الصلوة بوده‌اند و آنان که نمازشان فقط ایستادن و خم شدن و سر بر مهر گذاردن است و از روح و محتوای نماز بهره‌ای نبرده‌اند، باید گفت که: گنجینه بس ارزشمندی را از دست داده‌اید و بر مابقی معارف و دستورهای دینی خود لطمه وارد ساخته‌اید

اما این نماز حقیقتی است که رسول خدا را به معراج برد و مؤمنین را به معراج می‌برد. نماز دومین اصلی است که همه انبیای الهی و خود قرآن نیز بعد از ایمان به خدا برشمرده است. نماز نور چشم مؤمن است.

معنای صلات

نماز، خواست، فروتنی، رحمت، درود، راز، نیاز، خلوت با خود و اتصال با بی‌نهایت است. بعضی از بزرگان صلات را از تصلیه مشتق می‌دانند. بدین معنی که چون چوب‌های کج را با گرفتن به نزدیکی آتش و رساندن حرارت به آن مستقیم می‌کنند، عرب آن را تصلیه می‌گوید. گویی نمازگزار با توجه به مبدأ اعلی در نماز و با حرارتی که در اثر حرکت صعودی و قرب شمس حقیقت معنوی برای نفس حاصل می‌شود، کج رفتاری‌های نفس را که در اثر توجه به غیر خدا و میل به باطل ایجاد شده است تعدیل می‌کند.

مشتقاتی از کلمه (صلات) در قرآن:

صلوا علیه: درود و رحمت فرستید بر او

اقیموا الصلوة: بر پا دارید صلات را

صل لربك: نسبت به پروردگارت فروتن باش. خود را به سوی او بیفکن و با او راز و نیاز کن. پیوند خود را با خدایت مستحکم دار. به خدایت ببیوند و هدف خود را خدا قرار بده

اقامه(88) نماز،
نه فقط
خواندن آن

به پا داشتن نماز آن است که حق نماز ادا شود، یعنی نماز به صورت يك پیکر بی‌روح ادا نشود، بلکه نمازی باشد که واقعاً بنده را متوجه خالق و آفریننده خویش کند. یاد خدا بودن حتی در لحظه‌ای کوتاه، عالی‌ترین تأثیرها را در نفس انسان می‌گذارد و روح انسان را چنان می‌کند که اسلام می‌خواهد در قرآن صحبت از «اقامه نماز» است. برای این که هر کس از نمازگزاران، اولاً با اعمال شایسته خود در زمینه‌های مختلف زندگی، معرف اثر سازنده نماز در زندگی عملی باشد و به اصطلاح نماز را در وجودش، برپا کند و خود را بر اساس نماز، فردی آراسته و دور از هر آرایش و پستی بسازد، ثانیاً نماز را در جامعه‌اش برپا کند. بر اساس مفاهیم سازنده نماز، در تصحیح روابط اجتماعی و یا اصلاح و تغییر آن بکوشد و خودش نیز نمونه‌ای گویا و زنده باشد. ثانیاً: در ایجاد زمینه‌ها و محیط‌های مساعد برای گسترش آموزش و پرورش انسانی و آزادی مجاهدت کند.

فلسفه
نماز

انسان طبعاً کنجکاو و خواهان فلسفه و علل احکام است، پس چه بهتر که فلسفه این عبادت بزرگ را بدانیم و حقیقت آن را نیز از زبان معصومین علیهم السلام جویا شویم

محمد بن سنان از امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت می‌کند که حضرت در جواب مسائلی که 1. از او پرسیده بودند، از جمله علت نماز فرمود: «به درستی که» فلسفه و علت (نماز، عبارت است از اقرار و اعتراف نمازگزار به ربوبیت خداوند متعال و شریک و مانند قرار ندادن برای او و ایستادن در مقابل خداوند از روی ذلت و نهایت تواضع و طلب آمرزش کردن از گناهان گذشته و نهادن صورت بر روی زمین در هر روز، به دلیل بزرگی و عظمت خداوند

دیگر این که نماز باعث تداوم یاد خداست، در شبانه‌روز، تا این که بنده، هیچ‌گاه خالق و مدبر خویش را فراموش نکند و این یاد خدا و ایستادن عاجزانه در برابر او، موجب ترك معصیت و مانع از هر گونه فساد می‌شود

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که آدم علیه السلام از بهشت بیرون شد، خط 2. سیاهی در بدن او پدید آمد که سر تا پای او را فرا گرفت. پس آدم بسیار گریست و محزون شد بر آن چه ظاهر شده بود در او. پس جبرئیل به نزد او فرود آمد و گفت: برای چه گریه می‌کنی؟ آدم جواب داد: به خاطر خط سیاهی که در بدنم پیدا شده

جبرئیل گفت: برخیز و نماز بخوان که الان وقت نماز اول (یعنی نماز صبح) است

آدم چون نماز صبح را به جای آورد، سیاهی صورتش تا به سینه برطرف شد

پس در وقت نماز دوم (ظهر) آمد و گفت: ای آدم! برخیز و نماز بگذار که الان وقت نماز دوم است. چون نماز دوم را به جای آورد، سیاهی فرود آمد تا به نافش رسید. پس از آن در وقت نماز عصر آمد و گفت: ای آدم! برخیز و نماز بگذار که الان وقت نماز سوم است. آدم نماز سوم را هم به جای آورد و سیاهی فرود آمد تا به زانوهایش آن گاه در وقت نماز چهارم (مغرب) آمد و گفت: ای آدم! برخیز و نماز بخوان که این هنگام وقت نماز چهارم است. آدم برخاست و نماز مغرب را به جای آورد. سیاهی آمد تا به پاهایش رسید، سپس در وقت نماز پنجم (عشا)

آمد و گفت: ای آدم برخیز و نماز بگذار که الان وقت نماز پنجم است. چون نماز پنجم را نیز به جای آورد، همه سیاهی از بدنش برطرف شد. پس آدم به حمد و سپاس خدا پرداخت
سپس، جبرئیل گفت: ای آدم، مثل فرزندان تو در این نماز مانند مثل توست. از این سیاهی، هر که از فرزندان تو در هر روز و شب، پنج نماز بخواند، بیرون می‌آید. هم چنان که تو از این سیاهی بیرون آمدی

آداب و شرایط باطنی

و

معنوی نماز

آداب و شرایط ظاهری نماز عبارت است از: طهارت، پوشاندن عورت، وقت شناختن، قبله شناختن، عبارات و کلمات را صحیح ادا کردن، طمأنینه و آرامش بدن در حال نماز، نخندیدن، سخن خارج از نماز نگفتن، و پاک بودن محل سجده، و حلال و پاک بودن لباس نمازگزار و امثال این‌ها که در رساله‌های عملیه بیان شده است
امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «هنگام نماز، با دست و سر و صورت خود بازی مکن، زیرا همه این کارها، سبب نقص نماز می‌شود. در حالت کسالت و خواب و سنگینی نیز مشغول نماز مشو، زیرا چنین نمازی از آن منافقان ... است»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هنگام نماز، از دنیا و آن چه در آن است مأیوس شو و تمام توجهت را به خدا قرار ده و به یاد روزی باش که در برابر دادگاه عدل الهی قرار می‌گیری
و اما نماز علاوه بر شرایط ظاهری، یک سلسله آداب باطنی هم دارد که آن‌ها شرط قبول شدن نماز است. یعنی اگر آداب ظاهری رعایت شود نماز صحیح است و قضا ندارد و عقوبت و کیفر دردناک آخرت را نیز نخواهد داشت، اما اگر آداب باطنی آن رعایت شود، علاوه بر این که صحیح است، خداوند متعال آن را قبول می‌کند و اگر آداب باطنی خوب رعایت نشود، خداوند آن را قبول نخواهد کرد
آن آداب باطنی عبارت است از حضور قلب در حال نماز که لازم است شخص نمازگزار قلبش در آن هنگام، متوجه حضرت حق باشد

پیوند نماز و زکات در آموزه‌های دینی
لیلا السادات مروّجی

کتاب «پیوند نماز و زکات در آموزه‌های دینی» بسیار منظم و منسجم تدوین شده است. نویسنده توانسته از آیات و روایات به نحو چشمگیری استفاده کند و به آن چیزی که می‌خواسته است برسد. زیرنویس تمام گفته‌ها و اعلام منابع آن‌ها، نشان از دقت نویسنده دارد. او در مقدمه کتابش می‌نویسد: «برخی ادیان یا مکاتب بشری، تنها به يك یا چند بعد معین از ابعاد وجودی انسان، توجه کرده‌اند. گاه تمام مفاهیم يك مکتب در پرورش روان و قوای روحی و معنوی انسان متمرکز است و این مسأله به حدی مصرانه پیگیری می‌شود که توجه به جسم و حتی اهتمام به حفظ سلامت بدن، نوعی گناه و ردیله به حساب می‌آید»

گاهی نیز معنویات و کمالات روحی به يك باره کنار گذاشته می‌شود و این مسائل نوعی خرافه و ارتجاع نام می‌گیرد. اما ادیان آسمانی، به‌خصوص اسلام، تمام نیازمندی‌های مادی و معنوی را پیش‌بینی کرده‌اند

:کتاب «پیوند نماز و زکات در آموزه‌های دینی» از پنج بخش تشکیل شده است

بررسی واژگان مربوط به صلات و زکات» در بخش اول جای گرفته است. بخش دوم «پیوند نماز و زکات از دیدگاه قرآن» نام دارد که در آن نویسنده با کوشش تمام آیات مربوط به پیوند نماز و زکات را با سلیقه تمام به طور منظم آورده و درباره آن‌ها توضیح داده است

در بخش سوم «پیوند نماز و زکات در سیره عملی و نظری معصومین علیهم السلام» مورد توجه است که در این بخش، نویسنده با توجه به سخنان معصومین علیهم السلام ارتباط بین نماز و زکات را جست‌وجو می‌کند در بخش چهارم که در واقع از ابتکارات و خلاقیت‌های نویسنده است «پیوند نماز و زکات در زیارات» جست‌وجو شده و او با نقل بخشی از زیارات معصومین علیهم السلام، زکات و نماز را به عنوان دو اصل جدایی‌ناپذیر از اصول آنان ذکر می‌کند

در بخش پایانی که به‌عنوان «سخن پایانی» نام گرفته است، برخی از احکام مربوط به پرداخت زکات و این که چه زمانی زکات واجب می‌شود بررسی می‌شود

قسمت‌هایی از بخش دوم این نوشته را که درباره «پیوند نماز و زکات در قرآن» است در این جا با هم می‌خوانیم و سپس نمونه‌هایی از کتاب را با هم مرور می‌کنیم

قرآن کریم کتاب انسان‌سازی و برنامه زندگی سعادت‌مندان بشر است. هیچ لغو و باطلی در آن راه ندارد و هر حرف و کلمه‌اش هدفمند و حکیمانه قرار داده شده است. لذا ترکیب الفاظ و نوع جملات به کار رفته در آن، هر ذهن پویایی را به دنبال کشف حکمت و کسب معرفتی تازه و بدیع، به جست‌وجو در اعماق دریای بی‌کران تشویق می‌کند. اگر دو کلمه یا چند عبارت در کنار هم دیده می‌شود، حتماً این ترادف، راز و رمزی دارد. در این جزوه بر آنیم برخی از این ترادف‌ها را بررسی کنیم

همراهان
نماز

در موارد متعددی از آیات قرآن که نماز مطرح شده، در کنار نماز، فرمان دیگری نیز آمده است. در برخی موارد، سایر فروع دین و عبادات، و در بعضی آیات صفات و حسنات و شرایط دیگری به عنوان ملازم و همراه نماز ذکر شده است.

نخست به این آیات توجه می‌کنیم

نماز و امر به معروف و نهی از منکر 1.

...یا بُئِیْ اَقِمِ الصَّلَاةَ وَاْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ

(ای پسرک من، نماز را برپا دار و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند بازدار... (89)

آیه 17 سوره لقمان (هم چنین: توبه/ 71)

نماز و تقوای الهی 2.

...وَأَنْ أَقِمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ

...و این که نماز برپا دارید و از او بترسید

(انعام/ 72) هم چنین: روم/ 31)

نماز و زکات 3.

...وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاقْرَأُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا ...

و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و وام نیکو به خدا دهید ...

(مزل 20) هم چنین: مائده/ 12)

نماز و اطاعت از خدا و رسول خدا 4.

...وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ...

و نماز را برپا کنید و زکات بدهید و پیامبر را فرمان برید تا مورد رحمت قرار گیرید ...

(نور/ 56) هم چنین: احزاب/ 33 و توبه/ 71)

نماز و انفاق 5.

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

آنان که به غیب ایمان می‌آورند و نماز را برپا می‌دارند و از آن چه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند

(بقره/ 3) هم چنین: حج/ 35، فاطر/ 29)

نماز و توجه به کیفیت قرار دادن خانه 6.

...و اجعلوا بیوتکم قبله و اقموا الصَّلَاةَ ...

و سراهایتان را روبه‌روی هم قرار دهید و نماز برپا دارید ...

(یونس/ 87)

نماز و مشورت 7.

...وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنِهِمْ

...و کسانی که [ندای] پروردگارشان را پاسخ داده و نماز برپا کرده‌اند و کارشان در میانشان مشورت است

(شوری/ 38)

نماز و کتاب الهی 8.

...تلاوت: انّ الذّین یتلون کتّب اللّٰه و اقاموا الصّلٰوة

...کسانی که کتاب خدا را می‌خوانند و نماز برپا می‌دارند

(فاطر/ 29)

و الذّین یمسکون بالکتاب و اقاموا الصّلٰوة انا لا نضیع اجر المصلحین

و کسانی که به کتاب [آسمانی] چنگ در می‌زنند و نماز برپا داشته‌اند. [بدانند که] ما اجر درستکاران را تباه

نخواهیم کرد

(اعراف/ 170)

نماز و قربانی 9.

فصلّ لربّک وانحر

پس برای پروردگارت نماز گزار و قربانی کن

(کوثر/ 2)

نماز و هجرت 10.

...ربّنا انّی اسکنت من ذریّتی بوادٍ غیر ذی زرع عند بیتک المحرّم ربّنا لیقیموا الصّلٰوة

پروردگارا، من [یکی از] فرزندانم را در دره‌ای بی‌کشت، نزد خانه محترم تو، سکونت دادم، پروردگارا تا نماز را... به پا دارند
(ابراهیم/37)

11. نماز و خشوع:

و استعینوا بالصبر و الصلوة و ائها لكبيرة الا على الخاشعين
از شکیبایی و نماز یاری جوئید. و به راستی این [کار] گران است، مگر بر فروتنان
(بقره/45)، هم چنین: مؤمنون/1 و 2)

صبر بر نماز. 12.

... و امر اهلك بالصلوة و اصطربر علیها
و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش
(طه/132)

نماز و صبر بر مصیبت‌ها. 13.

..الذین اذا ذکر الله و جلت قلوبهم و الصبرین علی ما اصابهم و المقیمي الصلوة
همانان که چون [نام] خدا یاد شود، دل‌هایشان خشیت یابد و [آنان که] هر چه بر سرشان آید صبرپیشگانند و
برپادارندگان نمازند

(حج/35) هم چنین: لقمان/17، رعد: 22)

دعوت اهل خود به نماز. 14.

... و امر اهلك بالصلوة و اصطربر علیها
و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش
(طه/132) هم چنین: لقمان/17 و مریم/55)

تعقیبات نماز. 15.

... فاذا قضیتم الصلوة فاذکرو الله قیماً و قعوداً و علی جنوبکم
و چون نماز را به جای آوردید خدا را [در همه حال] ایستاده و نشسته و بر پهلو آرمیده یاد کنید
(نساء/103)

استعانت از نماز. 16.

یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر و الصلوة ان الله مع الصبرین
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از شکیبایی و نماز یاری جوئید، زیرا خدا با شکیبایان است
(بقره/153) هم چنین: بقره/45)

حفاظت از نماز. 17.

... حافظوا علی الصلوات و الصلوة الوسطی
بر نمازها و نماز میانه مواظبت کنید
(بقره/238) هم چنین: معارج / 34)

نماز و زینت و نظافت. 18.

... یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کلّ مسجد
ای فرزندان آدم، جامه خود را در هر نمازی برگیرید
(اعراف/31) هم چنین: نساء/43)

مست نبودن، هنگام نماز. 19.

... یا ایها الذین آمنوا لا تقربوا الصلوة و انتم سکرى حتى تعلموا ما تقولون
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا زمانی که بدانید چه می‌گویید
(نساء/43)

نماز و ولایت. 20.

انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم راکعون
ولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند: همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال
رکوع زکات می‌دهند

(مائده/ 55)

نماز و تلاش برای تأمین زندگی. 21.
رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله و اقام الصلوة و ايتاء الزكوة
مردانی که نه تجارت دارند و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات، به خود مشغول
... نمی‌دارد

(نور/ 37)

مداومت بر نماز. 22.
الذین هم علی صلاتهم دائمون
همان کسانی که بر نمازشان پایداری می‌کنند

(معارج/ 23)

گسترش نماز در جامعه. 23.
... الذین ان مکّتهم فی الارض أقاموا الصلوة و أتوا الزکوة
همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند

(حج/ 41)

اهتمام به وقت نماز. 24.
ان الصلوة کانت علی المؤمنین کتاباً موقوتاً
نماز بر مؤمنان در اوقات معین مقرر شده است

(نساء/ 103)

نشاط در نماز. 25.
ان المنفقین یُخادعون الله و هو خادعهم و اذا قاموا الی الصلاة قاموا کسالی
منافقان، با خدا نیرنگ می‌کنند و حال آن که او با آنان نیرنگ خواهد کرد، و چون به نماز ایستند با کسالت ...
برخیزند

(نساء/ 142) هم چنین: توبه/ 54)

نماز و زکوة. 26.
و أقیموا الصلوة و أتوا الزکوة و ارکعوا مع الرّاکعین
و نماز را برپا دارید و زکات بدهید و با رکوع‌کنندگان رکوع کنید
بقره/ 43) هم چنین: بقره/ 83 و 110، و موارد فراوان دیگر)

همراهی نماز

و

زکات

در قرآن کریم لفظ «صلات» 61 مرتبه آمده، و در کل از مشتقات ریشه «صلو» 124 مورد به چشم می‌خورد.
(کلمه «زکات» به همین مفهوم خاص، 32 مرتبه آمده، که در 26 مورد همراه با کلمه «صلات» است. (90)

در این جا آیاتی مورد اشاره و بررسی مختصر قرار گرفته که صلوات و زکات به عنوان مفعول یا مضاف‌الیه برای فعل یا کلمه‌ای (به ترتیب): از مصدر اقامه و ابتداء و به دنبال یکدیگر آمده‌اند. هم چنین در دو آیه از سوره مریم، این دو کلمه بدون همراهی آن دو مصدر، و به صورت «امر نبوی» یا «توصیه الهی» ذکر شده است. يك آیه در مورد حضرت عیسی علیه السلام

و جعلنی مبارکاً این ما کنت و اوصنی بالصَّلوة و الزَّکوة ما دمت حیاً

(و هر جا که باشم مرا با برکت ساخته، و تا زنده‌ام به نماز و زکات سفارش کرده است. (مریم/ 31

و در جایی دیگر در مورد حضرت اسماعیل علیه السلام

و کان بأمر اهله بالصَّلوة و الزَّکوة و کان عند ربّه مرضیاً

(و خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می‌داد و همواره نزد پروردگارش پسندیده [رفتار] بود... (مریم/ 55

نقش نماز در اصلاحات اجتماعی

مهرچهره دهقانی

نماز یکی از آموزه‌هایی است که شرع مقدس، به عنوان فروع دین به ما معرفی و ما را به خواندن آن مقید کرده است. اما سؤال اساسی این جاست که آیا نماز می‌تواند در اصلاحات اجتماعی نقش داشته باشد؟

این سؤالی است که اثر ارسالی خانم دهقانی به دنبال پاسخ آن می‌گردد

کتاب «نقش نماز در اصلاحات اجتماعی» تشکیل شده از يك پیشگفتار و دو بخش است. در بخش اول، مفاهیم و کلیات که مربوط به اصلاحات در مفاهیم قرآن، اصلاحات در کلام معصومین علیهم السلام و هم چنین اصلاحات در کلام مقام معظم رهبری است، بررسی می‌شود

بخش دوم و پایانی که مفصل‌تر از بخش اول تهیه شده است: «نقش نماز در اصلاحات اجتماعی» نام دارد

بخش دوم دارای عنوان‌هایی چون «نقش نماز در اصلاح فرد» «نقش نماز در مبارزه با فقر»، «نقش نماز در مبارزه با فساد» است

بخش‌هایی از این نوشته را درباره «تأثیر نماز در اصلاح فرد، فقر و فساد» باهم می‌خوانیم

تأثیر نماز

در

اصلاح فرد

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم «مثل الصلوة الخمس كمثل نهر جار عذب على باب احدكم يغتسل فيه كل يوم خمس مرات فما يبقى ذلك من الدنس»
نمازهای پنجگانه به نهر جاری گوارایی میمانند که بر در خانه‌هایتان روان است و هر روز پنج بار خود را در (زال آن شست و شو می‌دهید و دیگر هیچ پلیدی‌ای باقی نمی‌ماند. (91)
آب مایه پاک و طهارت است و چه زیبا حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نماز را به آب تشبیه کرده‌اند؛ آن هم نه آب راکد، بلکه به نهر جاری، و از این تمثیل می‌توان به نکته‌هایی دست یافت
اول: آن که نماز هم طاهر است و هم پاک‌کننده. درست مانند آب که هم خود پاک است و هم موجب پاک و طهارت می‌شود. یعنی اگر فردی دچار هر گونه گناه و ناپاکی باشد، این نماز است که موجب پاک کردن این آلودگی می‌شود و فرد مصلح با پناه بردن به این دژ محکم، می‌تواند خود را از آلودگی نجات بخشد و در اجتماع منشأ «اصلاحات» شود.

دوم: آن که این آب بر در خانه‌هاست، یعنی رفتن به سوی آب و شست و شوی در آن، نیاز به طی مسافت ندارد و هزینه خاصی نمی‌طلبد و هر گاه نیاز شد در دسترس است، نه مانند وسایل دیگر که دسترسی به آنها یا نیازمند مال است و یا آبرو

سوم: آن که آب مایه حیات است و همان گونه که جسم ما به واسطه آب، زنده و سالم است و حیات تمامی موجودات به آب است، حیات روح نیز به واسطه نماز است
چهارم: این که این شست و شو باید در دفعات مکرر و پیوسته انجام شود. اگر انسان مرتب خود را بشوید، چرک و کثافت روی هم انباشته نمی‌شود و طهارت و تمیزی راحت‌تر به دست می‌آید. پس اگر هر روز و روزی پنج بار در درگاه خداوند نماز بخواند، گناهان کوچک و کدورت‌های قلبی‌اش برطرف می‌شود و پاک می‌گردد
پنجم: آن که یکی از خاصیت‌های آب جاری این است که اگر به سر راه خود، گل و لای ببیند با خود می‌برد و این در حالی است که آب راکد گل و لای و لجن‌ها را تبدیل به مردابی بدبو می‌کند. نماز نیز به آب جاری تشبیه شده، چرا که چون نهر جاری هر چه آلودگی در وجود انسان است با خود می‌برد و روح انسان را تصفیه می‌کند
«قال علی علیه السلام» الصلوة حصن من سطوات الشيطان 2.

(نماز قلعه و دژ محکمی است که نمازگزار را از حملات شیطان نگاه می‌دارد.) (92)
حصن در لغت به معنای قلعه است و خاصیت قلعه این است که دیوارهای بلند و محکمی دارد که بر روی آن دیوارهای بلند، نگهبانان، نگهبانی می‌دهند. کار این دیده‌بانان این است که مراقب باشند و هر دشمنی که از دور دیدند خبر دهند تا قبل از ورود، افراد قلعه آنها را ناپود کنند و به دفاع از خود بپردازند. در این حدیث، نماز به دژ و قلعه تشبیه شده است؛ دژی که به دلیل محکم بودن نمی‌گذارد شیطان - که همان لشکر دشمن است - وارد قلعه شود. کسی که به واسطه نماز خود را در پناه خدا قرار داده و بارها می‌گوید: ایاک نعبد و ایاک نستعین اهدنا الصراط المستقیم

بی‌شک در برابر حملات شیطان مقاوم است

«قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم» من لم تنهي صلاته عن الفحشاء والمنكر لم تزده من الله الا بعداً 3.
هر کس که نمازش او را از فحشا و منکر باز ندارد، هیچ بهره‌ای از نماز جز دوری از خدا حاصل نکرده (است. (93)

با توجه به این کلام نورانی درمی‌یابیم که نماز حقیقی انسان را از زشتی‌ها دور می‌دارد و در سیر انسان به سوی کمال مؤثر است و این آن چیزی است که مصلح بدان احتیاج دارد

«قالت فاطمة الزهراء (س): [جعل الله] الصلاة تنزيهاً لكم عن الكبر 4.
(خداوند نماز را برای دوری شما از کبر و خودپسندی مقرر فرمود. (94)

کبر یکی از گناهانی است که از اصول کفر شمرده شده و اولین بار شیطان آن را انجام داد. آورده‌اند که اصول کفر سه چیز است: کبر و حسد و حرص. یعنی آن چه باعث کافر شدن به خدای متعال می‌شود این سه گناه است. هر کس دارای این صفت زشت باشد از درگاه الهی مطرود می‌شود، مانند شیطان که عبادات شش هزارساله او فقط به خاطر کبر و سرانجام سرپیچی از دستورات خداوند از بین رفت و مورد لعن خداوند قرار گرفت

حال اگر کسی بخواهد از این بیماری نجات یابد، راه آن خواندن نماز است، چرا که در نماز، به‌خصوص در سجده، انسان شریف‌ترین عضو خود، یعنی پیشانی را بر خاک می‌ساید و ابراز تذلل و بندگی می‌کند و در این حدیث، حضرت فاطمه(س) فلسفه نماز را همین امر مهم می‌داند منظور از «اصلاحات اجتماعی» بهبود بخشیدن به «کجروی‌های اجتماعی» است و نماز می‌تواند نقش مهمی در این زمینه داشته باشد.

به‌عنوان نمونه، درباره نماز جماعت و نماز جمعه تحقیقاتی صورت گرفته که خلاصه آن چنین است: اصولاً نماز جماعت تأثیر درمانی مهمی دارد، زیرا رفت و آمد فرد به مسجد برای ادای نماز جماعت به او فرصت می‌دهد که همسایگان و بسیاری دیگر از افراد ساکن محله خود را بشناسد و همین آشنایی موجب همکاری او با دیگران و ایجاد روابط سالم اجتماعی و برقراری دوستی و مودت با مردم می‌شود البته این گونه روابط اجتماعی دوستانه و مودت‌آمیز با دیگران، نه تنها به رشد شخصیت و رشد فرد کمک می‌کند، بلکه نیاز تعلق او را به گروه و پذیرش او را از سوی گروه، تأمین و اشباع می‌کند. این خود عامل پیشگیری از اضطرابی می‌شود که برخی مردم در اثر احساس تنهایی و انزوا و تعلق نداشتن به گروه و یا احساس خسته نشدن از سوی گروه، از آن رنج می‌برند هم چنین نماز جمعه نقش درمانی مهمی ایفا می‌کند، زیرا نمازگزاران جمعه به خطبه‌های نماز گوش فرا می‌دهند که امام جمعه در جریان آن معمولاً برخی از مشکلات اجتماعی و حیاتی را که مردم درگیر آن‌ها هستند، مطرح می‌کند و به تشریح علل پیدایش و راه درمان آن می‌پردازد.

نماز جمعه، آثار پیشگیرانه و درمانی دارد. اثر پیشگیرانه نماز جمعه به این صورت است که به فرد شرکت‌کننده کمک می‌کند تا به انواع معلومات دینی و ارشادهای عملی دست یابد. اما تأثیر درمانی آن، مربوط می‌شود به تأثیری که خطبه‌ها در بالا بردن سطح بینش فرد دارد و نیز تقویت اراده‌اش در برابر سختی‌ها و غلبه بر آن‌ها برخی افراد پس از نماز، درباره مشکلات خود با امام به مذاکره می‌نشینند و با راهنمایی‌های او از اضطراب خود می‌کاهند. به طور کلی نماز جماعت و به ویژه نماز جمعه، به همان اندازه در تکوین و استحکام شخصیت افراد و درمان آن مؤثر است که روان‌درمانی گروهی در این جا نکته‌ای قابل توجه است و آن این که روان‌درمانی، معمولاً پس از بروز بیماری روانی، انجام می‌شود. اما نماز و به ویژه نماز جمعه از دچار شدن فرد به بیماری روانی پیشگیری می‌کند.

نقش نماز
در
مبارزه با فقر

رهبر معظم انقلاب یکی از اولویت‌های اصلاحات را مبارزه با فقر ذکر کرده‌اند. ایشان می‌فرمایند: «با فقر باید مبارزه شود؛ هم با فقر شخصی افراد و هم با کمبود ناشی از درآمد انسانی که امکان زندگی در حد نیاز و ضروری را ندارد، همان چیزی است که از قول پیامبر نقل شده است که کادالفقر ان یكون کفراً! فقر، انسان را به فساد، به خیانت و به بسیاری از راه‌ها می‌کشاند. البته انسان‌های مؤمن، همیشه مقاومت می‌کنند و این مجوزی (نیست برای این که افراد بخواهند به این بهانه از مسیر صحیح، منحرف بشوند. اما فقر این خطر را دارد.» (95)

شاید در نگاه اول نتوان رابطه‌ای بین خواندن نماز و مبارزه با فقر برقرار کرد و این سؤال مطرح شود که چگونه خواندن نماز در اصلاح فقر در جامعه می‌تواند مؤثر باشد و یا شاید بعضی اشکال کنند که چگونه بدون تلاش و کار و با خواندن نماز می‌توان منشأ اصلاحات شد؟

برای پاسخ به این سؤالات ذکر مقدمه‌ای لازم و ضروری است

این عالم قوانینی دارد که در قرآن از آن‌ها به سنت‌های الهی تعبیر شده است. این سنت‌ها غیرقابل تغییرند. این قوانین که خداوند خود ضامن اجرای آن‌هاست، در جهان هستی حاکم است و هر کس که این قوانین را رعایت کند به نتیجه مطلوب می‌رسد. حال گاهی این قوانین مادی هستند و توسط اسباب مادی می‌توان به نتیجه آن‌ها دست پیدا کرد و گاه معنوی و ماورای مادی هستند و توسط اسباب غیرمادی می‌توان به آن دست پیدا کرد

بنابراین گاه توسط اسباب ظاهری و مادی مشکل انسان برطرف می‌شود، گاه هم با قوانین ماورای مادی گشایش در کار انسان حاصل می‌شود و این مسأله در بارگاه خداوند عزوجل که همه اسباب، اثر خود را از او می‌گیرند و مسبب‌الاسباب است، امری عادی است. پس اگر در روایات آمده است که نماز موجب توسعه در رزق می‌شود، نباید سطحی اندیشید و خرده گرفت، چرا که اراده خداوند بر این تعلق گرفته که این اثر را در نماز قرار دهد البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که محتوای نماز به گونه‌ای است که شخصیت انسان را می‌سازد و موجب می‌شود انسان قانع بوده و در زندگی اسرافکار نباشد، لذا دچار فقر نیز نشود، چرا که قناعت خود گنجی است که پایان نمی‌پذیرد و این‌ها همه در پرتو ایمان به خدای یگانه و برقراری ارتباط با او در هنگام نماز برای انسان نمازگزار حاصل می‌شود

از طرفی خداوند در جاهای مختلف، نماز و زکات را در کنار هم قرار داده است
فَأَقِمْو الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ

پس نماز بگذارید و زکات بدهید و به خدا توسل جوید، که اوست مولای شما
این آیه بیانگر ارتباط تنگاتنگ نماز و زکات است، یعنی هر کس که جزء نمازگزاران است، می‌داند که باید اهل زکات و انفاق باشد و همین روحیه در جامعه اسلامی موجب از بین رفتن فقر می‌شود

روزی با برکت

یکی از

هفت خصلت

نماز

حضرت محمدصلی الله علیه وآله وسلم در ضمن حدیثی، هفت خصلت نماز را بیان می‌دارد. یکی از این خصلت‌ها، چنین معرفی می‌شود

«الصَّلَاةُ مِنْ شُرَايِعِ الدِّينِ وَفِيهَا مَرْضَاةُ الرَّبِّ - عَزَّوَجَلَّ - وَ هِيَ لِلْمَصْلَى... بَرَكَةٌ فِي الرِّزْقِ وَ رَاحَةٌ لِلْبَدَنِ»
نماز از سنت‌های دین و مایه خشنودی پروردگار است و روزی با برکت و راحتی بدن را برای نمازگزاران در (بر دارد). (96)

راوی می‌گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که یکی از اصحاب عرضه داشت: «یابن رسول‌الله! فدایت
«شوم، مردی فقیرم
امام فرمود: «روزهای چهارشنبه و پنج‌شنبه و جمعه را روزه بگیر و ظهر روز جمعه به پشت‌بام یا بیابانی که
کسی تو را نبیند برو و پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم را زیارت کن و رو به قبله بنشین و دست راست را روی
چپ بگذار و بگو: «خداوندا! امیدم تویی تو، و امید به غیر تو به نومیدی بدل می‌شود و آرزومندی به غیر تو به
نتیجه و مقصود نرسد. من جز تو تکیه‌گاهی ندارم. در کارم فرج و گشایشی قرار ده و مرا از جایی که گمان ندارم
و گمان دارم روزی ده. بعد بر زمین سجده کن و بگو: ای فریادرس! از فضل خویش برایم ممری از روزی قرار
«ده و آفتاب روز شنبه بر تو طلوع نکند، مگر با روزی تازه
نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، چون بر اهلس مشکلی پیش می‌آمد، می‌فرمود: «ای اهل من! نماز بخوانید، نماز
(97)» بخوانید.»

نقش نماز
در دفع
فقر و ازدیاد روزی

«قال الصادق علیه السلام «صلوة اللیل تجلب الرزق
(نماز شب روزی را جلب می‌کند) گسترش می‌دهد» (98)
مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و نیاز خود را بازگفت و در بیان خواسته‌اش، زیاد روی کرد تا بدان جا که
نزدیک بود از گرسنگی سخن بگوید
«امام صادق علیه السلام به او فرمود: «تو، نماز شب به جای می‌آوری؟
«مرد گفت: «بله
امام صادق علیه السلام رو به سوی اصحاب کرد و فرمود: «آن کس که گمان برد نماز شب به جا می‌آورد و روز
«گرسنه است، به خطا رفته، زیرا خداوند تبارک و تعالی، نماز شب را پشتوانه‌ای برای رزق روزانه قرار داد
آری کسی که در دل شب با خدای خود نجوا دارد و او را تنها امید خویش می‌داند، هیچ‌گاه از درگاه خداوند ناامید
(نمی‌شود و خداوند او را در میان مردم خوار و ذلیل نمی‌کند.) (99)

نقش نماز
در اصلاح

مقام معظم رهبری درباره مبارزه با فساد می‌فرماید: «فساد یعنی فساد اخلاقی، فساد کاری، عدم احساس وجدان در تقدیم خدمات عمومی، عدم احساس مسؤلیت در مواجهه با افکار عمومی و با ذهن‌های مردم. این‌ها شاخه‌ها و شعبه‌های فساد است. مسوولان، فرزندان، دلسوزان و کسانی که با افکار عمومی مواجه هستند، نباید بگذارند که دست‌های بدخواه بیایند و میکروب‌های اختلاف را به فضای ذهنی تزریق کنند؛ چه فایده‌ای برای مردم دارد؟! چه کمکی به مردم است که شعارهای اختلاف‌آمیز و شعارهای تفرقه‌انگیز در میان مردم رواج پیدا کند؟! نیاز واقعی (مردم چیز دیگری است.» (100)

بی‌شک نماز انسان را از فساد باز می‌دارد و می‌تواند نقش کلیدی در اصلاحات اجتماعی در زمینه فساد، داشته باشد. کسانی که دچار فساد اخلاقی و دینی شده‌اند با این وسیله مهم می‌توانند اصلاح شوند و در نتیجه جامعه‌ای که با نماز عجین شده باشد فساد کم‌تری در آن جامعه دیده می‌شود و این برمی‌گردد به محتوای نماز که هر کس به فراخور حال خود از آن استفاده می‌کند و هر چه به عمق و محتوای آن نزدیک شود، اثرات عام‌تری در زندگی‌اش به جا می‌گذارد

افرادی که در جامعه زندگی می‌کنند سه دسته‌اند: دسته اول کسانی هستند که به جهت ضعف ایمان دچار انحراف و فساد و گناه و کجروی شده‌اند. دسته دوم کسانی هستند که به انحراف کشیده نشده‌اند اما در معرض خطر قرار دارند و دسته سوم مؤمنان واقعی‌اند که به نفس مطمئنه رسیده و یقین پیدا کرده‌اند و جالب این است که نماز برای هر سه دسته فایده دارد

افرادی که گنهکار هستند و دچار انحرافات شده‌اند می‌توانند با تمسک به نماز گذشته را جبران کنند و از گناه پاک شوند. روایات زیادی در این زمینه وجود دارد که به ذکر دو نمونه قناعت می‌کنیم
«قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم «الصلوة كفارة الخطايا ثم قرأ إن الحسنات يذهبن السيئات (نماز کفاره گناهان است. سپس آن حضرت این آیه را خواند که: «حسنات سیئات را از بین می‌برد.» (101)
«و در جای دیگر می‌فرماید: «إن المسلم اذا توضأ و صلى الخمس تحاتت خطايه كما تحاتت الورق همانا مسلمان، هنگامی که وضو می‌گیرد و نماز پنجگانه را می‌خواند گناهانش می‌ریزد، مثل این که برگ از (شاخه درخت می‌ریزد.» (102)

این دو روایت بشارتی از طرف خداوند برای کسانی است که دامن به گناه آلوده داشته و در منجلاب فساد غرق شده‌اند. البته تذکر این نکته ضروری است که منظور، نماز با توجه و مقبول است نه نمازی که انسان را از زشتی باز نمی‌دارد

امام صادق علیه السلام فرمودند: «من احب ان يعلم ان قبلت صلاته ام لم تقبل فلينظر هل منعه صلاته عن الفحشاء و المنكر فيقدر ما منعه قبلت منه

هر کس دوست دارد بداند نمازش قبول شده یا نه، ببیند که آیا نمازش او را از گناه باز داشته یا نه؟ پس به هر قدر (که نمازش او را از گناه باز داشته، به همان اندازه نمازش قبول شده است.» (103)

در مجمع‌البیان به سند خود از حارث بن علی بن ابی‌طالب علیه السلام آورد که فرمود: «در مسجد خدمت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بودیم و منتظر بودیم تا وقت نماز شود. مردی برخاست و عرض کرد: یا رسول الله من مرتکب گناهی شده‌ام. رسول خدا از وی روی برگردانید (و به نماز ایستاد). دوباره پس از آن که رسول خدا نماز را به پایان رسانید، برخاست و همان حرف را تکرار کرد. حضرت فرمود: آیا با ما نماز نخواندی و برای آن به (نیکی طهارت نگرفتی؟ گفت: چرا. فرمود: همان کفاره گناه توست.» (104)

«امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «صلاة المؤمن بالليل تذهب بما عمل من ذنب بالنهيار

(نماز شب، گناहانی را که مؤمن در روز مرتکب شده از بین می‌برد. 105) و اما گروه دوم یعنی کسانی که در معرض انحراف هستند، اما هنوز به فساد کشیده نشده‌اند. خداوند در آیه‌ای معروف از قرآن نماز را باعث آلوده نشدن به فحشا و منکر ذکر می‌کند. یعنی در این جا نماز، حکم پیشگیری را دارد، در حالی که برای گروه قبل، حکم درمان را داشت

خداوند کریم در قرآن مجید، می‌فرماید

«و اقم الصلوة ان الصلوة تنهى عن الفحشاء و المنکر و لذكر الله اکبر»

نماز را برپا دار، زیرا نماز انسان را از کارهای زشت و ناپسند باز می‌دارد و یاد خدا بسیار بزرگتر است. (106)

«قال الرضا علیه السلام: ... و يكون في ذكره لربه و قيامه بين يديه زاجراً له من المعاصي مانعاً من انواع الفساد انسان در حال نماز، در پیشگاه خدا و در یاد خداست و همین حالت او را از گناهان بازمی‌دارد و از انواع تباهی‌ها (جلوگیری می‌کند.» (107)

آری نماز این چنین انسانی را از ورود به منجلاب فساد بازمی‌دارد

نماز شب

و

پیشگیری از نزدیکی

به گناه

در حدیثی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید

«فان صلاة الليل منهاة عن الاثم»

(نماز شب انسان را از گناه بازمی‌دارد. 108)

«بعضی به نماز یومیه اکتفا می‌کنند و می‌گویند: «همین نماز ما را بیمه می‌کند. لازم نیست نماز شب بخوانیم

«در حدیثی امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «انما جعلت النافلة ليتم بها ما افسده من الفريضة

(همانا نافله را به این خاطر قرار دادند که جبران فساد نمازهای واجب را کند. 109)

و اما گروه سوم که مؤمنان حقیقی هستند. «نماز» برای آنان مایه عروج است و حکم تقویت را دارد. خداوند متعال

در وصف ایشان می‌فرماید

انما المؤمنون الذين اذا ذكر الله و جلت قلوبهم و اذا تليت عليهم آياته زادتهم ايماناً و على ربهم يتوكلون، الذين

يقومون الصلوة و مما رزقناهم ينفقون. اولئك هم المؤمنون حقا لهم درجات عند ربهم مغفرة و رزق كريم

مؤمنان کسانی هستند که هر گاه خدا نزد آن‌ها یاد شود، دل‌های آن‌ها می‌ترسد و هر گاه آیات خدا بر آن‌ها تلاوت

شود، ایمانشان بیش‌تر می‌گردد و بر پروردگار خود توکل می‌کنند. آنان که نماز را برپا می‌دارند و از آن چه به

آن‌ها یاد داده‌ایم انفاق می‌کنند، مؤمنان حقیقی آن‌ها هستند. برای آنان درجات (فوق العاده‌ای) نزد پروردگارشان

(است. برای آن‌ها آمرزش و روزی بی‌نقص و عیب است. 110)

«قال على عليه السلام: «الصلوة قربان كل تقى

(نماز خواندن وسیله نزدیکی به خداست، برای هر شخص پرهیزکار.» (111)

نماز برای مؤمنان واقعی و پرهیزکاران مایه تقرب و نزدیکی به پروردگار عالم است و این است بهترین فایده

در احوال حجت‌الاسلام شفتی آورده‌اند: این سید بزرگوار پیوسته مراقب باری تعالی بود و چیزی او را از حالت حضور و مراقبت باز نمی‌داشت. گوشه‌های چشم او از کثرت گریه کردن در مقام تهجد مجروح شده بود یکی از نزدیکانش می‌گوید: «با آن مرحوم به یکی از روستاها رفتیم. شب را در راه گذرانیدیم. سید به من فرمود: نمی‌خواهی؟ من رقتم که بخوابم، چون سید گمان کرد که من خوابیده‌ام، برخاست و مشغول نماز شد. به خدا قسم دیدم بندهای دوش و اعضایش مکرر می‌لرزید، به طوری که کلمات نماز را از شدت حرکت فك‌ها و اعضا، مکرر انجام می‌داد تا صحیح ادا کند»

می‌گویند که از شدت حضور قلبی که در پیشگاه خداوند داشت، بندهای دوشش می‌لرزید و به محض این که مجلس (از مردم خلوت می‌شد، اشکش جاری می‌گشت). (112)

این نمونه از هزاران نمونه، شخصیت‌های وارسته در طول تاریخ است که بیان کردیم. با این وجود آیا دیگر شکی می‌ماند بر این که نماز در اصلاح فرد و جامعه اثر دارد؟

و اما فساد، مظاهر و مصادیقی دارد. به طور مثال می‌توان به دزدی، تجاوز به عنف، روابط نامشروع، رعایت نکردن موازین اسلامی در جامعه و شرابخواری اشاره کرد. آیا نماز خواندن می‌تواند در اصلاح يك جامعه اسلامی که در معرض فساد قرار گرفته مؤثر باشد؟ این سؤالی است که باید به آن پاسخ داده شود

شاید احادیث، به طور مستقل و جداگانه، درباره هر کدام از این مصادیق، نکته‌هایی بیان کرده باشند، اما با اندک توجه و تحلیلی مناسب می‌توان پی برد که نماز تأثیر به‌سزایی در از بین بردن این مظاهر فساد دارد

نقش نماز
در
سالم‌سازی
روابط اجتماعی

یکی از مظاهر فساد که امروزه در جامعه اسلامی دیده می‌شود و هر چه می‌گذرد قبح آن بین جوانان کمتر شده و آن را امری عادی می‌دانند، روابط دختران و پسران جوان است که از ارتباط‌های تلفنی شروع می‌شود و تا مفاسد بزرگتر ادامه می‌یابد. این ارتباطها بعضاً با يك نگاه آغاز شده و با بی‌ابرویی خانواده‌ها، به‌خصوص خانواده دختر، به پایانی دردناک منجر می‌شود

نماز این هدیه الهی که ستون دین معرفی شده است، اگر به طریق صحیح تبیین شود، می‌تواند جوانان ما را از غرق شدن در منجلاب این‌گونه فسادها رهایی بخشد

آداب، احکام، شرایط و وقت نماز چه واجب و چه مستحب، همه و همه در این میان نقش دارند. در این باره می‌توان به استفتایی که از امام شده اشاره کرد

سؤال: می‌گویند مگر خداوند به زنها نامحرم است که زن در اتاق در بسته و تاریک هم نماز بخواند، باید خود را ببوشاند

جواب: اولاً فلسفه همه احکام الهی برای ما روشن نیست. ثانیاً، شاید حکمت دستور الهی آن باشد که این بهترین حالت او نزد خداوند متعال است و با حجابی که بهترین وضع زن در نزد خداوند است، در حضور او به عبادت

پردازد، و یا این که خود «بهترین تمرین برای حجاب» به شمار می‌رود. بانویی که پنج نوبت در شبانه‌روز، در (آن جا که نامحرمی نیست، این چنین خود را بپوشاند، بی‌گمان در برابر نامحرم خود را بهتر خواهد پوشاند. (113) همان گونه که بیان شد، يك حکم ظاهری نماز می‌تواند چنین اثر تربیتی داشته باشد. یعنی يك دختر جوان که نماز می‌خواند، دست کم روزی پنج بار حجاب کاملی نزد خدا دارد و این برای او تکرار و تمرین و تذکر است، اما يك فرد بی‌حجاب بی‌نماز، حتی يك بار هم حجاب را رعایت نمی‌کند تا برای او تمرینی شود. مضاف بر این که وقتی انسان با حالت طهارت و پوشش، نزد خداوند حاضر می‌شود، خود از داشتن چنین پوششی لذت می‌برد و از نظر روانی به آرامش می‌رسد.

در مورد محتوای نماز نیز نماز به گونه‌ای است که اگر کسی با آداب و توجه آن را بخواند، هر چند که توجه کامل نیز نباشد، لذتی از ارتباط با خدا می‌برد و او را از بسیاری لذت‌های حرام دور می‌دارد. کسی که با خدا صحبت کند، در مقابل او کرنش کند و او را به یکتایی بپرستد، اولاً بینی شیطان را به خاک می‌مالد و ثانیاً دیگر خود را محتاج صدای نامحرم نمی‌بیند. همچنان اگر پسری در گاه نماز خواندن به خدا پناه ببرد و ارتباط خود را با خدای متعال محکم کند، خداوند نیز او را در حفظ پاکدامنی یاری می‌دهد.

بنابراین نیت نماز و میزان توجه به آن امری مهم و حیاتی است. امام رضا علیه السلام در ضمن حدیثی طولانی، علت خواندن نماز را بیان می‌دارد. ایشان در قسمتی از این حدیث می‌فرماید: «و ان یكون ذاکراً غیر ناس و لا بَطْر، و یكون خاشعاً متذلاً راغباً طالباً للزیادة فی الدین و الدنيا» [نماز موجب یاد خدا و دوری از غفلت و سرکشی، و باعث خشوع، فروتنی و اشتیاق، و خواهان طلب افزایش] (معنوی و مادی است. (114)

روزی پنج بار در برابر خدا اظهار بندگی کردن مانع انجام بسیاری از گناهان می‌شود.

نقش نماز در اصلاحات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی معصومه پارسا

مناجات و گفت‌وگو با آفریدگار، گنج جاویدانی است که هیچ‌وقت به پایان نمی‌رسد و انسان از داشتن آن هیچ زمان ملول نمی‌شود. نماز و نیایش به درگاه دوست، هدیه‌ای آسمانی از جانب اوست که ما را با حقایق معنوی و اسرار روحانی پیوند می‌دهد. راز و نیاز و درد دل کردن

بواسطه مقتدر کائنات، جاده صافی است که ما را به ابراهیمی‌رسانی می‌رساند.

متن بالا، فرازی از مقدمه کتاب خانم پارسا است که در اول کتاب آورده شده است.

کتاب «نقش نماز در اصلاحات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی» دارای سه فصل است که هر يك از فصل‌ها دارای بخش‌های مختلفی است. بعد از طرح مسأله در فصل اول، اصلاحات به دو بخش تقسیم می‌شود. در بخش اول، نماز در اجتماع و آثار اجتماعی نماز و عبادت و ایجاد نشاط معنوی در انسان آورده شده است.

در بخش دوم، نماز در اصلاحات اجتماعی، از طریق گسترش عدالت اجتماعی و کاهش جرائم و مفسدات اجتماعی مطرح می‌شود.

در فصل دوم که دارای دو بخش است، در بخش اول، فرهنگ و عبادت برخی ارزش‌های این دو فرهنگ اسلامی بررسی می‌شود. و در بخش دوم آن نماز در اصلاحات فرهنگی از طریق نماز و مقابله با تهاجم فرهنگی و دست یافتن به آرامش روحی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در فصل سوم - که آن نیز دارای دو بخش است - رابطه دین و سیاست و نماز در روحیه خدمتگزاری مطرح می‌شود.

اینک بخش‌هایی از نوشته‌های این کتاب را با هم مرور می‌کنیم که درباره نقش نماز در اصلاحات فرهنگی است و از فصل دوم انتخاب شده است.

فرهنگ نماز
و
شناخت صحیح از دین

نداشتن درك صحیح مسلمانان از فرمان‌های دینی و احکام شریعت، یکی از عوامل مهم سلطه‌پذیری ممالک اسلامی محسوب می‌شود. اگر همه ملت‌های مسلمان آگاه شوند که قرآن مجید با تأکید فراوان، هر گونه سلطه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بیگانگان را بر مسلمانان نفی و منع کرده، به هیچ وجه سلطه کفار را نمی‌پذیرند. باید مسلمانان را نسبت به تکالیف و احکام دین آشنا و مقید ساخت و به شیوه‌های مختلف علمی و تبلیغی، ملت‌ها را آگاه کرد که بر ضد رژیم‌های حاکم که مانع اجرای احکام اسلامی هستند، به پا خیزند. همان طور که ملت شریف ایران این کار را کرد و پیروز شد. در غیر این صورت، با غفلت مسلمانان از وظایف خود، نه تنها عزت و استقلال آن‌ها کسب نخواهد شد، بلکه میزان سلطه بیگانگان در ممالک اسلامی نیز گسترش بیشتری خواهد یافت. (115)

همان طور که بر نقش بازدارنده نماز در آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام تصریح شده، این موضوع در بیانات امام (ره) نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. امام ضمن احیای فریضه نماز، آن را یکی از مهم‌ترین ارکان فرهنگ اسلامی، برای وصول به مقاصد الهی می‌داند.

پسرم همت کن و از هواهای نفسانیه که حد و حصر ندارد، بکاه و از خدای متعال جل و اعلا استمداد کن که « (بی‌مدد او کسی به جایی نرسد و نماز، این معراج عارفان و سفر عاشقان، راه وصول به این مقصد است. » (116)

لازم به یادآوری است که نماز بدون حضور قلب، نمی‌تواند آن‌چنان که باید و شاید از مفاسد جلوگیری کند و ارزش اصلی نماز و راه رسیدن به آثار آن، حضور قلب در نماز است.

تقویت
بینش دینی

یقین به حقایق با عظمتی چون آفریدگار جهان، پیامبران الهی و رستاخیز، نوعی تعهد در انسان پدید می‌آورد و میزان مصونیت او را در برابر یورش فرهنگی بیگانگان افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، تقویت باورهای دینی و پی‌ریزی بینشی درست در زمینه مذهب می‌تواند چون سنگری نفوذناپذیر مردم را در برابر بمباران فرهنگی دشمن (محافظت کند و سودجویان غرب را ناکام و ناامید سازد. 117)

بی‌تردید، چنین ایمانی جامعه را به جهت‌گیری صحیح رفتاری رهنمون می‌شود و از کژروی و ناهنجاری‌ها باز می‌دارد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

(بهدیم ربهیم بایمانهم... 118)...

«پروردگارشان به سبب ایمانشان هدایتشان می‌کند»

نگاهی به سرنوشت اندیشمندانی که سال‌ها در اروپا و آمریکا به کسب دانش و تخصص پرداخته و پای‌بندی خود را به اصول اعتقادی و مبانی فکری اصیل خود همچنان حفظ کرده و پس از بازگشت به میهن اسلامی نیز مردم را به پیروی از آن فرا خوانده‌اند، به خوبی روشنگر این حقیقت است که ایمان درست و اعتقاد راسخ به اصول دین، انسان را در برابر امواج فساد مقاوم می‌کند. بر این اساس، دستگاه‌های مذهبی چون حوزه‌های دینی، رسالتی بزرگ را بر عهده دارند و باید پرداختن به اصول دین و تقویت باورهای مردم را بیش از پیش مورد توجه قرار دهند.

البته در کنار پرورش نهال ایمان و تقویت آن در دل‌های مردم، آگاه ساختن آنان به مسائل روز و آشکار ساختن هدف شوم دشمنان در یورش فرهنگی نیز ضروری است.

دشمن به تجربه دریافته است که می‌تواند با زحمت کمتر، ابتدا از دروازه دل‌ها و اندیشه‌ها و خواسته‌های آدمی بگذرد و به درون افکار و اندیشه‌ها راه یابد و پس از آن به آسانی آن چه را که می‌خواهد در اختیار بگیرد، یعنی فتح مغزها و اندیشه‌ها، فتح آرمان‌ها و ایمان‌ها و در يك كلام فتح فرهنگ‌ها. اگر چنین شود، آن گاه خود آدم‌ها (دروازه را از داخل به روی آنان باز خواهند کرد. 119)

نماز و مقابله

با

تهاجم فرهنگی

نظر به این که جوامع، فرهنگ خاص خود را دارند، هنگام برخورد و مواجهه دو جامعه با یکدیگر که بر اثر همسایگی، تجارت و ارتباطات دیگر پیش می‌آید، عناصری از يك فرهنگ توسط فرهنگ دیگر جذب و متقابلاً بر

عناصری از فرهنگ دیگر اثر می‌گذارد، چرا که هیچ ملتی از این که معارفی را در تمامی زمینه‌ها از جمله (فرهنگ، از ملت‌های دیگر بیاموزد، بی‌نیاز نیست. (120)

اما گاهی يك جامعه به قصد سلطه و با هدف نابودی و ریشه‌کن کردن فرهنگ ملی دیگر جوامع، به بنیان‌های فرهنگی آن‌ها هجوم می‌برد و این امر، با تبادل فرهنگی متفاوت است

تهاجم فرهنگی حرکتی است مرموزانه، حساب شده، همراه با برنامه‌ریزی دقیق که با استفاده از شیوه‌ها و ابزار و امکانات متعدد و متنوع برای سست کردن باورها، دگرگونی ارزش‌ها، انحراف اندیشه‌ها، تفسیر و تبدیل آداب و (سنن و نابودی اصول اخلاقی حاکم بر يك جامعه انجام می‌گیرد. (121)

در مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن، عنصر آگاهی و شناخت می‌تواند مصونیت و مقاومت را در کسانی که مورد تهاجم قرار گرفته‌اند، پدید آورد، به طوری که با احیای فرهنگ نماز و نیایش می‌توان جامعه را به سوی شناخت و آگاهی دینی سوق داد و به پرورش نسلی انقلابی، متعهد و مسلمان پرداخت. به طور کلی می‌توان تأثیر نماز را در مقابله با تهاجم فرهنگی به صورت زیر نشان داد:

الف - دست یافتن به آرامش روحی

ب - خودباوری

ج - نفی فرهنگ بیگانه

اینک که بررسی هر يك از موارد بالا می‌پردازیم

الف - دست یافتن به آرامش روحی

انسان هر چه به خدای متعال و مطلق نزدیک‌تر شود، از نیازها و عطش درونی او کاسته می‌گردد تا آن جا که وقتی از شربت گوارای وصل او نوشید و سیراب شد، خداگونه احساس بی‌نیازی می‌کند و به آرامش مطلق می‌رسد و هر چه به خداهای دروغین یعنی هوای نفسانی خویش نزدیک‌تر می‌گردد، نیازها و عطش درونی او فزاینده‌تر (می‌شود تا هلاک شود. (122)

از آن جا که انسان دارای روحی الهی است، از این رو جز با انس به حضرت حق و ملکوتیان آرامش پیدا نخواهد کرد. زندگی بدون یاد خدا، چیزی جز اضطراب و وحشت و احساس بی‌پناهی نخواهد بود. با یاد آن معبود بی‌همتا است که دل‌ها آرام می‌گیرد. کمبود انسان معاصر و به اصطلاح متمدن، نه علم و تخصص، بلکه دل آرام است (و نماز و نیایش بهترین و عالی‌ترین وسیله استعانت و کمک‌خواهی از پیشگاه خداوند رحمان و رحیم است. (123)

امروزه علم تأیید کرده که مسائل معنوی و الهی تنها چیزی است که می‌تواند انسان را به ساحل شادکامی و آسایش بکشاند و او را از غرقاب ناراحتی‌ها و گرفتاری‌ها نجات دهد. در نتیجه، نماز به طور اخص و دین و مذهب به طور اعم در ایجاد آرامش روحی و اطمینان در انسان نقش مؤثری را ایفا می‌کنند

ب - خودباوری

یکی دیگر از تأثیرات نماز مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن، خودباوری و احیای عزت‌نفس است. کسی که خود را عزیز می‌داند، هیچ‌گاه تسلیم بیگانگان نمی‌شود و در برابر آنان سر فرود نمی‌آورد. انسان کریم‌النفس برای رسیدن به هدف خود از هر وسیله‌ای بهره نمی‌گیرد و هدف نیک را تنها با شیوه‌های نیک پی می‌گیرد

نماز، سبب پرورش روحیه خودباوری و کرامت در انسان می‌شود و او را در برابر انواع انحراف‌ها و تهاجم‌های دشمن، مصون نگه می‌دارد. چنین انسانی، هرگز در برابر خواست‌های پست نفس خویش، تن به ذلت نمی‌سپارد و (خود را هرگز به فرمانبرداری شیطان و نفس تنزل نمی‌دهد. (124)

بنابراین لازم است با تقویت این روحیه (خودباوری) و زدودن احساس خودکم‌بینی، مردم جامعه اسلامی را از تقلید کورکورانه از روش‌های زندگی بیگانگان بازداشت. در این باره امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لا تلبسوا لباس اعدائی و لا تطعموا مطاعم اعدائی، و لا تسلكوا مسالك اعدائی، فتكونوا اعدائی كما هم اعدائی

لباس دشمنان مرا نپوشید و غذای دشمنان مرا نخورید و به شیوه دشمنان من رفتار نکنید که شما هم همانند آنان

«جزء دشمنان من خواهید شد

ملت‌ها با عزت‌طلبی به استقلال و افتخار دست می‌یابند و انسان‌ها با کرامت‌خواهی به يك زندگی شرافتمندانه نائل می‌شوند، پس لازم است روحیه عزت‌نفس ترویج و تقویت شود تا زمینه پذیرش برنامه‌های فرهنگی دشمن از بین برود

ج - نفی فرهنگ بیگانه

از تأثیرات مهم و مؤثر نماز، تجلی فرهنگ عظیم اسلامی و تقویت ارزش‌های الهی در وجود انسان و نفی فرهنگ بیگانه است. بیش‌تر جمعیت کشور ما را جوانان تشکیل می‌دهند و این قشر اگر خوب تربیت شوند و باورهای دینی در قلب پاك آنان پرورش یابد، هادیان جامعه خواهند شد. شور و نشاط جوانان وقتی با فرهنگ پاك و پویای اسلام عجین شد، آن‌گاه به بار خواهد نشست و همگان از ثمرات آن بهره‌مند خواهند گردید. دشمنان اسلام این نکته را خوب می‌دانند. از این رو، باورهای اسلامی در نوک پیکان یورش آنان است و می‌کوشند از هر طریق اعتقادات مذهبی را در وجود جوانان سست و کمرنگ کنند، زیرا (با وجود فرهنگ اسلامی جای هیچ نفوذی برای فرهنگ بیگانه نیست). (125)

رهبان معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، از این توطئه شوم این چنین نقاب برمی‌گیرند: یکی از راه‌های تهاجم فرهنگی این بود که سعی کنند جوان‌های مؤمن را از پایبندی‌های متعصبانه به ایمان - که «همان چیزی است که يك تمدن را نگه می‌دارد - منحرف کنند؛ مانند همان کاری که در قرن‌های گذشته در «اندلس» کردند، جوان‌ها ریختند در عالم فساد، شهوترانی و میگساری. این کارها در حال حاضر دارد انجام می‌گیرد.» (126)

جوان با ایمان و اعتقاد آموخته است که تا ایمان به خدای قادر دارد، راهی برای نفوذ بیگانگان و رخنه در انقلاب اسلامی نیست.

نقش نماز در اصلاحات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی
قاسم علیزاده

در يك عصر پاییزی، کتابی به دستم رسید با عنوان «در باغ سبز». وقتی ورق کردم، دیدم چکیده آثار کسانی است که در دومین مسابقه تألیف نماز شرکت کرده بودند. ورق زدم و در بالای صفحه‌ای نام خود را یافتم، با چکیده‌ای از آثار ارسالی‌ام خیلی شاد و مسرور شدم. همراه با این کتاب، اطلاعیه چهارمین مسابقه تألیف کتاب نماز... هم بود. شوق مفرطی در من ایجاد شد و دست به قلم بردم.

متن بالا، فرازی از مقدمه و هدف آقای علیزاده از تألیف کتاب خود است.

کتاب از قسمت‌های مختلف تشکیل شده است. هر چند فاقد هر گونه فصل‌بندی و بخش‌بندی است، ولی نماز را از تسبیح موجودات شروع می‌کند و به نقش آن در اصلاحات می‌پردازد و به این سؤال پاسخ می‌دهد که چرا نماز نقش بازدارنده‌ای از گناه دارد. آن‌گاه به اقامه نماز در عدالت اجتماعی می‌پردازد و پس از آن به موضوع نماز جمعه می‌رسد.

در پایان نیز اشاره‌ای به نماز حُر با امام حسین علیه السلام و نماز ظهر عاشورا دارد.

علیزاده درباره آثار اجتماعی نماز این چنین نوشته است:

علاوه بر آثار روحانی و ملکوتی که نماز در اخلاق و رفتار نمازگزار دارد، ابعاد و جنبه‌های دیگری وجود دارد که مربوط می‌شود به اجتماع انسان‌ها، فرهنگ‌ها و تعامل‌های اجتماعی.

گویند «از کوزه همان برون تراود که در اوست»، لذا اگر افراد بشری، درونشان به ملکوت اعلا متصل شود اجتماعشان نیز چنین خواهد بود. بنابراین، نمازی که در خانه و به دور از چشم دیگران خوانده می‌شود نیز، در اصلاح جامعه تأثیر دارد، که به مواردی اشاره می‌شود

نقش طهارت ظاهری و باطنی

از مقدمات نماز یکی طهارت است و این طهارت یا ظاهری است و یا باطنی. طهارت ظاهری از شرایط صحت نماز است و طهارت باطنی از شرایط مقبولیت نماز. البته منظور از آن طهارتی که در رساله‌های عملیه آمده است، «همان طهارت ظاهری (بدن و لباس) است که در روایت نیز آمده. «لا صلوة الا بطهور اگر بدن و لباسمان در نماز پاك باشد، نمازمان از جهت فقهی صحیح است، اما این که مورد قبول درگاه احدیت واقع شود یا خیر، مربوط می‌شود به طهارت باطن. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: «ان الله ينظر الى قلوبكم لا الى صوركم». خداوند به دل‌های شما می‌نگرد، نه به صورت‌هایتان»

«و در خطبه شعبانیه می‌فرماید: «فاسئلوا الله ربكم بنيات صادقه و قلوب طاهره با انگیزه و نیت صادقانه و دلی پاك و روحی وارسته از خدا مسئلت کنید

لذا اگر صفای باطن و قلب طاهر داشتیم، مورد قبول هستیم و در این حال است که خدا رحمت خویش را شامل حالمان می‌کند

اگر در خانه دل‌مان خباثات و صفات شیطانی و حیوانی بود، جای نزول رحمت نیست، چرا که وقتی می‌خواهند در ظرفی خوردنی و آشامیدنی بریزند، اول نگاه می‌کنند که ظرف تمیز و بهداشتی باشد. حال اگر دل‌مان بهداشتی و با طهارت بود، جای نزول رحمت است و نمازمان مورد قبول یگانه خواهد بود. حضرت فاطمه زهرا (س) می‌فرماید: «من اصعد الى الله خالص عبادته اهبط الله عزوجل اليه افضل مصلحته کسی که عبادت‌های خالصانه خود را به سوی خدا فرستد، پروردگار بزرگ، برترین مصلحت او را به سویش «فرو خواهد فرستاد

طهارت که از مقدمات نماز شد، نمازگزار مواظب حدث و خبیث خواهد بود و بهداشت ظاهری خود را حفظ خواهد کرد و آن چه برخلاف موازین شرعی است از آن اجتناب خواهد کرد

نمازگزار اگر بخوهد نمازش مورد قبول خدای متعال واقع شود، باید درونش را از کثافات قلبی چون شهوت، غضب و حسد پاك کند. وقتی خباثات حیوانی از خانه دل پاك شد و بت‌های درون شکست، انسان خالص خواهد شد و اگر در يك جامعه اسلامی فرد فرد افراد، مواظب نماز خود شدند، مفاسد و زد و خورد‌ها و ناهنجاری‌ها از جامعه رخت برمی‌بندد و مدینه فاضله‌ای که در خیالات و اوهام و نیز در اوراق کتاب‌ها از آن یاد می‌کنند، تحقق عینی پیدا می‌کند

نماز، انسان را
از فحشا و منکر
باز می‌دارد

در آیه 45 سوره عنکبوت آمده است

«ان الصلاة تنهى عن الفحشاء والمنكر»

«همانا نماز، انسان را از فحشا و منکر باز می‌دارد»

نکته جالب و قابل توجهی که در این آیه مبارکه وجود دارد، مربوط به کلمه فحشا و منکر است. منظور از فحشا و منکر چیست؟

در زیر تفسیر این آیه، در تفسیر نمونه اشاره شده است که فحشا همان گناهان بزرگ پنهانی است که مربوط به شهوت انسان است و منکر، گناهان بزرگ آشکار است و بر اثر غلبه قوه غضبیه صورت می‌گیرد. به بیان دیگر می‌توان گفت که فحشا معمولاً گناهان و معاصی فردی هر شخص را شامل می‌شود، اما منکر، آن عصیان بزرگی است که در اجتماع مردم ریشه انداخته و مربوط به جمیع افراد است و این که فرمود از فحشا و منکر باز می‌دارد، یعنی نماز آن قدرت و کشش معنوی را دارد که بتواند جلوی رشد گناهان فردی و اجتماعی را بگیرد و سدی در برابر آنها باشد و حتی موجب از بین رفتن معاصی نیز بشود.

کسی که در جامعه، به عنوان فرد نمازگزار و مسجدی شناخته شده، همیشه مواظب است که خلافی از وی سر نزنند، چرا که مردم به دیده احترام به وی می‌نگرند و آن انتظاری که از او دارند از بی‌نماز ندارند. نهی از فحشا و منکر سلسله مراتب و درجات زیادی دارد و هر نمازی به نسبت رعایت شرایط، دارای بعضی از درجات است. (127) مثلاً از شرایط نماز این است که آب، ظرف، فضا، مکان وضو و لباس نمازگزار غصبی نباشد و از حلال تأمین شده باشد و اگر از حرام و مال غصبی بود، به خاطر این که این خودش منکر است مطمئناً آثار معنوی را حبط خواهد کرد و وقتی نمازی اثر معنوی نداشت، از فحشا و منکر باز نخواهد داشت. تأثیر معنوی و بازدارندگی نماز از فحشا و منکر، در موقعیت‌های زندگی جلوه می‌کند، چنان که در روایت آمده است که: جوانی از انصار نماز را با پیامبر ادا می‌کرد، اما با این حال، آلوده گناهان زشتی بود. این ماجرا را به «پیغمبر عرضه داشتند، فرمود: «ان صلاته تنهاه یوما

سرانجام نمازش او را از این اعمال پاک می‌کند

حضور قلب در نماز خیلی مهم است. وقتی در نماز، ذهن ما در پی اشیای گمشده است و یا عملکردهای دیروز و امروزمان را بررسی و برای فردا برنامه‌ریزی می‌کنیم، مطمئناً چنین نمازی قبول نخواهد شد و وقتی نماز مقبول نشد از فحشا و منکر باز نخواهد داشت و اگر دوست داریم بدانیم نمازمان قبول شده و یا نه کلام حضرت صادق علیه السلام را باید شنید که فرمود: «کسی که دوست دارد ببیند آیا نمازش مقبول درگاه الهی شده یا نه، باید ببیند آیا نماز او را از زشتی‌ها و منکرات بازداشته یا نه؟ به همان مقدار که بازداشته، مقبول است

بشنو از اخبار آن صدر صدور لا صلاة تم الا بالحضور

احساس مسؤولیت

انسان در پیشگاه ذات اقدس الهی مسؤولیت و تکلیفی دارد، چرا که امانت بزرگ عبودیت و تکالیف الهی را انسان پذیرفته است. «انا عرضنا الامانة على السموات والارض و الجبال فابین ان يحملنها و اشفقن منها و حملها الانسان.» (128)

و نماز یکی از آن تکالیف بزرگ خداست که بر دوش انسان است و کسی که اقامه نماز می‌کند معلوم است که احساس تکلیف و مسؤولیت می‌کند و این احساس، جرقه‌ای در درون و ضمیر آدمی است که او را برای زندگی اجتماعی آماده و تقویت می‌کند و این موضوع با علم تجربی به ثبوت رسیده است که نمازگزاران واقعی و اشخاص مذهبی همیشه خود را در برابر فقرا و مستمندان مسؤول می‌دانند. در پیشامدها و حوادث سخت روزگار، همچون سیل و زلزله و جهاد و... احساس تکلیف می‌کنند و حتی در چنین مراحل میل و شوق به نیایش و نماز، در آن‌ها افزون می‌شود. در تأسیس مدارس و مراکز علمی پیشقدم هستند، در بنا و تعمیر و تمیز کردن مساجد خود را موظف می‌دانند و قرآن نیز این افتخار عظیم را بر دوش آنان نهاده است (انما يعمر مساجد الله من امن بالله واليوم الآخر و اقام الصلوة و اتى الزكاة.) (129)

رعایت حقوق دیگران

از شرایط صحت نماز این است که خود و مقدماتش پاک و طاهر باشد و متعلق به غیر نباشد، حتی وضو که مقدمه برای نماز است، آن هم باید طبق دستور العمل باشد، مثلاً: وضو با آب غصبی و یا آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه حرام و باطل است. (130) ظرف و حتی فضایی که در آن وضو می‌گیرد باید مباح باشد وگرنه

وضو باطل است و اگر وضو باطل شد نماز هم باطل است، چون مقدمه برای نماز است و اگر در مقدمه نماز، حقوق خود و دیگران را رعایت کردیم، همین فرمول را باید در نماز هم جایگزین کنیم نمازگزار اگر با عین پولی که خمس یا زکات آن را نداده لباس بخرد، نماز خواندن در آن لباس باطل است. (131) اگر عمداً در لباس غصبی یا در لباسی که نخ یا تکمه یا چیز دیگر آن غصبی است نماز بخواند بنا بر احتیاط واجب (باید آن نماز را دوباره با لباس غیر غصبی بخواند). (132) (کسی که در ملك غصبی نماز می‌خواند، اگر چه روی فرش و تخت و مانند این‌ها باشد نمازش باطل است). (133) کسی که در مسجد نشسته، اگر دیگری جای او را غصب کند و در آن جا نماز بخواند، بنا بر احتیاط واجب باید (دوباره نمازش را در محل دیگری بخواند). (134) با توجه به مسائل مذکور، انسان مسلمان اگر بخواند نمازش صحیح باشد، باید زحمات فراوان بکشد و از راه حلال و پاک کسب روزی کند. خمس و زکات خود را بپردازد و در لباس و محل زندگی و عبادت خود توجه کند، اما کسی که آلوده به تجاوز و ظلم، ربا، غصب، کم‌فروشی، رشوه‌خواری و کسب اموال حرام باشد، چگونه می‌تواند مقدمات نماز را فراهم کند؟ بنا بر این تکرار نماز در پنج نوبت در شبانه‌روز، خود دعوتی است به رعایت حقوق دیگران

معیار
دوستیابی

رفیق خوب برای کلیه طبقات مردم در تمام ادوار لازم و ضروری است و مخصوصاً جوانان که در آستانه زندگی اجتماعی هستند، برای این که بتوانند شخصیت خود را تقویت کنند و در زندگی اجتماعی موفق و کامیاب شوند، به دوست و رفیق لایق نیاز مبرم دارند

با توجه به اهمیت موضوع، اسلام معیارهایی را معرفی کرده که دانستن آن‌ها برای همه و مخصوصاً برای جوانان لازم و ضروری است، زیرا کودکان دوست و همبازی خود را در حین بازی انتخاب و بعد از اتمام بازی رها می‌کنند، اما بزرگسالان با تجربه، دنبال رفیقی هستند که برای آن‌ها فایده مادی و معنوی داشته باشد. دین اسلام با برنامه‌ای حساب شده، راه سعادت را برای همه گشوده است و معیارهای دوستیابی را متذکر می‌شود. امام صادق علیه السلام فرمود: «برادران خود را با دو خصلت آزمایش کنید، پس اگر آن دو خصلت در آن‌ها بود خوب است وگرنه دور شوید. مواظبت او بر نماز هایش در اوقات آن، نیکی به برادران در سختی و (گشایش).» (135)

محل شاهد مبحث ما همان نماز است که معیار دوستیابی قرار گرفته است. شخصی که با کمک نماز، صفای باطن و پاکیزگی ظاهر دارد، با انضباط، منظم و دقیق است و در نمازهای جماعت یاد گرفته که از احوال نمازگزاران با خبر شود. چنین کسی شایسته دوستی است و در زندگی جمعی و برخوردهای اجتماعی الگوی دوستان خواهد بود و اگر معیار دوستی‌های ما بر پایه نماز باشد، بسیاری از جرائم و سوءاستفاده‌ها که در سایه دوستی‌های احساسی و

گریزی گریبانگیر جامعه شده، از جامعه مسلمانان رخت برمی‌بندد و به سوی اصلاحات اجتماعی و فرهنگی پیش خواهیم رفت.

نیاز دل رسول یحیایی

آقای یحیایی این مجموعه را درباره «نقش نماز در اصلاحات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی» ارسال کرده است. اثر او دارای پنج فصل است. فصل اول درباره علت نیاز به دین، چگونگی حکومت صالحان و اقامه نماز، چگونگی تأثیرگذاری نماز به عنوان يك عبادت فردی در جامعه و مقدمات و احکام نماز است. فصل دوم درباره اصلاحات و ضرورت اصلاحات، تعریف اصلاحات، اصلاحات و تجدیدنظر طلبی، هدف اصلاحات، پیامدهای انحراف اصلاحات، عوامل لازم برای جلوگیری از انحراف اصلاحات و جایگاه اصلاح طلبی در اسلام است. و در آخر نگاهی به حرکات اصلاحی جهان اسلام دارد. در فصل سوم، نقش نماز در اصلاحات اجتماعی، تعریف و اهداف اصلاحات اجتماعی، نماز و بندگی خدا و نماز و عدالت اجتماعی بررسی می‌شود. فصل چهارم به نقش نماز در اصلاحات فرهنگی، فرهنگ چیست؟ اصلاحات فرهنگی، نقش نماز در اصلاح فرهنگ خودی و نقش نماز در مقابله با تهاجم فرهنگی می‌پردازد. فصل پنجم درباره نقش نماز در اصلاحات سیاسی، نقش نماز در کارگزاران، نماز و سیاست خارجی و نماز و سیاست داخلی است. نویسنده در پایان نیز با نتیجه بهتری از بحث‌های مختلف این سؤال را مطرح می‌کند که به راستی درد جامعه ما در چیست؟ اینک فرازی از نوشته کتاب را درباره «نقش نماز در اصلاحات اجتماعی» بررسی می‌کنیم:

نقش نماز
در
اصلاحات اجتماعی

برای بررسی نقش نماز در اصلاحات اجتماعی، ابتدا لازم است که مقصودمان را از اصلاحات اجتماعی تبیین کنیم. منظور از اصلاحات اجتماعی، ساماندهی امور جامعه و از بین بردن کاستی‌های اجتماعی، به منظور نیل به هدف است و منظور از هدف همان جامعه آرمانی است که اسلام به ما می‌شناساند. برای این که اصلاحات به انحراف کشیده نشود باید هدف کاملاً مشخص باشد و باید مشخص کنیم که از نظر اسلام، جامعه آرمانی چگونه جامعه‌ای است؟

جامعه آرمانی مورد نظر اسلام، جامعه‌ای است که در آن انسان به هدف غایی خلقت بشر و بعثت انبیا دست یافته باشد. هدف از آفرینش انسان پرستش خداست و فلسفه بعثت انبیا برقراری عدالت اجتماعی. البته برقراری عدالت اجتماعی هدفی ثانویه است و در واقع مقدمه‌ای است برای دستیابی به هدف اصلی که همان پرستش خداست. پس جامعه آرمانی اسلام، جامعه‌ای است که اولاً در آن بندگی و پرستش خدا در اوج کمال باشد و ثانیاً عدالت اجتماعی در تمام ابعاد آن برقرار باشد. برای دستیابی به چنین جامعه‌ای - که مسلماً تا دستیابی به آن بسیار فاصله داریم - نیاز به اصلاحات کاملاً مشهود است. اما سؤال این جاست که نماز چه نقشی در این اصلاحات اجتماعی برای رسیدن به آن اهداف (بندگی و پرستش خدا و عدالت اجتماعی) دارد؟

نماز
و
بندگی خدا

مهم‌ترین اصلاح اجتماعی در هر جامعه‌ای - که غایتش رسیدن به جامعه آرمانی اسلام است - اصلاح رابطه انسان‌ها با خداست و نماز بهترین راه برقراری رابطه انسان و خداست. نماز سخن گفتن با خداست. پیامبر اسلام می‌فرماید: «اگر می‌خواهید با خدا گفت‌وگو کنید نماز بخوانید و اگر می‌خواهید خدا با شما گفت‌وگو کند قرآن بخوانید. انسان هر روز، دست کم در نمازهای واجب روزانه، به سخن گفتن با خالق هستی می‌پردازد. راز و نیاز می‌کند و یاد خدا را در دلش زنده نگاه می‌دارد و رفته‌رفته» بدانجا می‌رسد که همیشه و همواره خودش را در (پیشگاه او می‌بیند و هیچ‌گاه خودش را فراموش نمی‌کند و...» (136)

خداوند در حدیثی قدسی می‌فرماید: «کسی که به یکی از بندگان مؤمن من‌اهانت کند، به‌جنگ‌با من برخاسته است و هیچ وقت نزدیکی بندهام به من به اندازه آن وقتی که واجبات را انجام می‌دهد نیست و او مستحبات را برای رضایتم انجام می‌دهد، تا این که من او را دوست داشته باشم و زمانی که او را دوست داشته باشم، من گوشش می‌شوم که به وسیله من می‌شنود، چشمش می‌شوم که به وسیله آن می‌بیند، دستش می‌شوم که به وسیله آن قدرت پیدا می‌کند و (پایش می‌شوم که به کمک آن در) راه حق (گام برمی‌دارد.» (137)

یعنی انسان با عبادت می‌تواند به مرحله‌ای برسد که تمام حجاب‌ها را کنار بزند و جز خدا را در عالم نبیند. می‌بینیم که هدف اصلی هر جامعه اسلامی، بندگی خداست و هر عمل اصلاحی در این زمینه مهم‌ترین اصلاحات اجتماعی است و نماز نقش کلیدی و بی‌نظیری در این اصلاحات دارد، چنان‌که هیچ چیز دیگری نمی‌تواند جایگزین آن شود اما این رابطه انسان با خدا - که نماز نقشی کلیدی در آن ایفا می‌کند - آثار اجتماعی متعددی بر جای می‌گذارد که هر کدام به نوبه خود مظهر يك اصلاح اجتماعی است، و ما در این جا به‌عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌کنیم بحران هویت و نماز. 1.

ارتباط نداشتن با خدا، ناشی از اعتقاد نداشتن به مبدأ و معاد است. تنها « انسان‌هایی که ایمان واقعی به خدا و جهان آخرت ندارند، نماز نمی‌خوانند و با خداوند هستی رابطه متقابل برقرار نمی‌کنند. برای هر انسانی در طول زندگی سؤالاتی اساسی پیش می‌آید که چگونه پاسخ به آن‌ها، شخصیت او را می‌سازد. سؤالاتی مانند: اصلاً من کی هستم؟ از کجا آمده‌ام؟ به کجا می‌روم؟ نسبت من با این جهان چیست و... سؤالاتی هستند که جواب آن‌ها جهان بینی خاصی را به وجود می‌آورد. حال اگر انسانی ایمان به خدا و معاد را از زندگی خود حذف کند، ناچار به این نتیجه می‌رسد که بر حسب تصادف و از روی بداقبالی پا به این دنیا گذاشته است و باید چند صباحی در این دنیا زندگی کند و بعد، نیست و نابود شود و هیچ چیز از او باقی نماند. او از طرفی دیگر، تمایلاتی در خود می‌بیند از قبیل میل به جاودانگی که هیچ تناسبی با واقعیتی که تصور کرده است ندارد و به اصطلاح کلاهی است که نه فقط برای سر او که برای چرخ و فلک گشاد است.» (138) بی‌تناسبی و تصور نابودی نیستی کامل، این فکر را در شخص ایجاد می‌کند که دست‌کم در این زندگی کوتاه مدت موجود از مواهب دنیا نهایت استفاده و لذت را ببرد. جدا از عواقب وخیم اجتماعی، از قبیل ظلم، تعدی و تجاوز که در جای دیگر به مناسبت به آن خواهیم پرداخت، ناکامی در به دست آوردن این مواهب و سختی‌ها و مصائب دنیا شخص را دچار بحران می‌کند. احساس پوچی و خلاء در زندگی، شخص را منزوی و گوشه‌گیر و یا شرور بار می‌آورد و آمار بالای بیماری‌های روانی، افسردگی و جنون و میزان بالای خودکشی در جوامع غربی به خاطر همین احساس پوچی و خلاء است که از آن به‌عنوان نیهیلیسم تعبیر می‌شود. اما شخصی که ایمان دارد، معتقد است که خدا انسان‌ها را آفریده است و این جهان به مثابه گذرگاهی است که بعد از گذر از آن، انسان به جهان دیگری پا می‌گذارد و متناسب با اعمالش یا در سختی و عذاب و یا در سعادت و خوشبختی، تا ابد جاودانه می‌ماند. انسان با ایمان معتقد است که او، جانشین خدا بر روی زمین است و هر روز بارها و بارها افتخار صحبت با خالق خود را پیدا می‌کند.

انسانی که هر روز بارها زمزمه می‌کند: الحمد لله رب العالمین، الرحمن الرحیم، مالک يوم الدين، جواب سؤالات اساسی زندگی خود را با تمام وجود لمس می‌کند و این از آثار بندگی خدا و ارتباط با اوست. نماز، اتصال روح انسان به خالق و ارتباط بی‌واسطه با اوست که به انسان هویت می‌بخشد و شخصیت او را شکل می‌دهد.

نماز و مشکلات زندگی. 2.

یکی دیگر از آثار نماز که به طور غیرمستقیم و مستقیم اثرگذار است و به‌عنوان يك اصلاح اجتماعی نقش مهمی در بهبود وضعیت روانی جامعه دارد، تحمل بهتر مشکلات است.

زندگی بشر، خواه ناخواه، هم چنان که خوشی‌ها، شیرینی‌ها، به دست آوردن‌ها و کامیابی‌هایی دارد، رنج‌ها، مصائب، شکست‌ها، از دست دادن‌ها، تلخی‌ها و ناکامی‌هایی نیز دارد. بدیهی است که بشر موظف است با طبیعت دست و پنجه نرم کند و تلخی‌ها را تبدیل به شیرینی سازد، اما پاره‌ای از حوادث جهان قابل پیشگیری و یا برطرف ساختن نیست؛ با حوادثی مثل پیری انسان خواه ناخواه به سوی پیری گام برمی‌دارد و چراغ عمرش رو به خاموشی می‌رود. ناتوانی و ضعف پیری و سایر عوارض آن چهره زندگی را غمبار می‌کند. به علاوه اندیشه مرگ و نیستی، چشم بستن از هستی، رفتن و جهان را به دیگران واگذاشتن، به نوعی دیگر، انسان را رنج می‌دهد. انسانی که با خدا ارتباط دارد و هر روز در نمازهای خود، از خدا به‌عنوان مالک يوم الدين یاد می‌کند و از او با ایاک نعبد و ایاک نستعین کمک می‌خواهد، در هر سه زمینه، نیروی مقاومت را در درون خود ایجاد می‌کند.

چهره مرگ در چشم کسی که خدا را به‌عنوان مالک يوم الدين یاد می‌کند، با آن چه در چشم فرد بی‌ایمان می‌نماید، تفاوت دارد. از نظر چنین فردی، مرگ، نیستی و فنا نیست، انتقال از دنیایی فانی و گذرا به دنیایی باقی و پایدار و از جهانی کوچک‌تر به جهانی بزرگ‌تر است. مرگ، منتقل شدن از جهان عمل و کشت است به جهان نتیجه و محصول. از این رو چنین فردی نگرانی‌های خویش را از مرگ، با کوشش در کارهای نیک که در زبان دین، عمل صالح نامیده می‌شود، برطرف می‌سازد.

همچنین کسی که هر روز بارها در نماز خود می‌گوید: ایاک نعبد و ایاک نستعین (خدایا فقط تورا می‌پرستیم و فقط از تو یاری می‌خواهیم) تحملش در برابر سختی‌ها و مشکلات - چه آن‌هایی که قابل پیشگیری و برطرف شدن هستند و چه آن‌هایی که قابل پیشگیری نیستند - خیلی بیش‌تر است.

از نظر روان‌شناسان، مسلم و قطعی است که اکثر بیماری‌های روانی که ناشی از ناراحتی‌های روحی و تلخی‌های زندگی است، در میان افراد غیر مذهبی دیده می‌شود و افراد مذهبی به هر نسبت که ایمان قوی و محکم داشته باشند از این بیماری‌ها مصون‌ترند. (139) در قرآن کریم و روایات، در این زمینه شواهدی آمده است که شاهدهی بر مدعای ماست. از جمله خداوند سبحان در برابر مشکلاتی که دشمنان اسلام و مشرکان، از راه‌های مختلف در راه ابلاغ رسالت پیامبر ایجاد می‌کردند، به آن حضرت می‌فرماید:

و لقد نعلم انك يضيق صدرك بما يقولون، فسبح بحمد ربك و كن من الساجدين

ما می‌دانیم که سخنان آن‌ها سینه تو را تنگ و ناراحت می‌سازد، ولی ناراحت مباش. برای زدودن آثار سخنان (زشتشان به تسبیح پروردگارت پرداز و در برابر ذات پاکش سجده کن. (140)

و: امام صادق علیه السلام فرموده است

(كان علي إذا أهاله أمر فزع قام إلى الصلاة ثم تلا هذه الآية و استعينوا بالصبر و الصلوة. (141)

هنگامی که مشکل مهمی برای علی علیه السلام پیش می‌آمد، به نماز برمی‌خاست، سپس این آیه را تلاوت می‌فرمود:

«و استعينوا بالصبر و الصلوة»

آرامش روح و روان و نماز. 3.

یکی دیگر از آثار مهم نماز در زمینه اصلاح وضعیت روانی جامعه، ایجاد آرامش روحی و روانی است. در این زمینه خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

الذين آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله، الا بذكر الله تطمئن القلوب

آنان که به سوی خدا بازگشته‌اند (کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به ذکر خداوند بزرگ مطمئن و آرام است. همانا با یاد خداوند دل‌ها آرامش می‌یابد

نماز با ایجاد فرهنگ پرستش خدا، علاوه بر موارد بالا، آثار اجتماعی - اصلاحی دیگری هم بر جای می‌گذارد از جمله با ایجاد آرامش روانی و پشتوانه جهت تحمل مشکلات، اثر شگرفی در جلوگیری از اعتیاد به مواد مخدر بر جای می‌گذارد. ما اگر زمینه‌های اعتیاد به مواد مخدر را بررسی کنیم، بیش‌تر علل آن را مشکلات زندگی، ناامیدی و مواردی از این دست تشکیل می‌دهد. نماز، با از بین بردن این زمینه‌ها می‌تواند عاملی بازدارنده از اعتیاد باشد. تا این جا به نقش نماز در رسیدن به اولین هدف جامعه اسلامی - که پرستش خداوند است - اشاره کردیم. اکنون به نقش نماز در رسیدن به هدف دیگر اشاره می‌کنیم

نماز

و

عدالت اجتماعی

برای این که نقش نماز را در برقراری عدالت اجتماعی توضیح دهیم، بهتر است ابتدا به يك نکته اشاره کنیم. کلیه تأثیراتی که در زیر عنوان «نماز و عدالت اجتماعی» ذکر می‌کنیم، همه از بخش اول نشأت می‌گیرند. یعنی نماز

این آثار را از آن جهت داراست که بندگی خدا محسوب می‌شود. نماز، بهترین نوع پرستش خداست و جدا کردن تأثیر نماز در عدالت اجتماعی از بندگی خدا در این نوشتار به معنای جدا بودن واقعی آن‌ها نیست، بلکه این دو به تعبیری در طول یکدیگرند

نماز به دو طریق می‌تواند در ایجاد عدالت اجتماعی تأثیرگذار باشد

الف: تأثیر غیرمستقیم

ب: تأثیر مستقیم

الف - تأثیر غیرمستقیم نماز در ایجاد عدالت اجتماعی

تأثیر غیرمستقیم نماز در ایجاد عدالت اجتماعی، از طریق ایجاد عدالت اخلاقی صورت می‌پذیرد. یعنی باید در میان قوا و غرائز انسان، تعادل و توازن برقرار باشد و این قوا و غرائز تحت کنترل حکومت عقل و ایمان باشند، و از آن جا که عدالت اجتماعی تابع عدالت اخلاقی است، تأثیر نماز در ایجاد عدالت اخلاقی در فرد به طور

غیرمستقیم در ایجاد عدالت اجتماعی اثرگذار است

با بررسی چند تأثیر نماز در ایجاد عدالت اخلاقی بحث را دنبال می‌کنیم

غرور و تکبر: از صفات زشت که می‌تواند آثار بدی در اجتماع بگذارد، غرور و تکبر است. انسانی که نماز می‌خواند و در مقابل عظمت پروردگار فروتنی می‌کند و سر بر خاک می‌گذارد، تواضع و فروتنی جزء شخصیتش می‌شود. حضرت فاطمه(س) فرموده است

(فجعل الله الايمان تطهيرا لكم من الشرك والصلاة تنزيها لكم عن الكبر) (142)

خدای بزرگ ایمان را برای پاک شدن از شرک، و نماز را برای زدودن کبر و غرور قرار داده است

از دیگر آثار نماز در این زمینه، می‌توان به تأثیر نماز در جلوگیری از غیبت، دروغ، تهمت، رباخواری و...

اشاره کرد. به طور کلی نماز، تأثیر فوق‌العاده‌ای در جلوگیری از انجام گناه دارد و این جلوگیری از گناه به

سالم‌سازی فضای جامعه کمک شایانی می‌کند. در آیات قرآن به این مسأله اشاره شده است، از جمله می‌خوانیم

ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنكر. (143) به راستی که نماز انسان را از زشتی‌ها و منکرات باز می‌دارد

به این ترتیب، به وسیله نماز واقعی، خداوند بر قلب‌های مردم حاکم می‌شود و به‌طور کلی گناه و معصیت و فساد از

جامعه کنار می‌رود

ب - تأثیر مستقیم نماز در ایجاد عدالت اجتماعی

در این قسمت، سعی می‌کنیم در حد امکان، عواملی را که در ایجاد عدالت اجتماعی مؤثرند و یا مانعی در ایجاد

عدالت اجتماعی هستند، ذکر کنیم

الف - ایستادگی در برابر ظلم و ظالمان

یکی از فضیلت‌های بسیار مهم که در برقراری عدالت اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کند، ایستادگی در برابر ظالمان

و مبارزه با ظلم است برای درک اهمیت این موضوع، تنها به یک جمله از سرور آزادگان جهان،

حضرت سیدالشهداء علیه السلام اشاره می‌کنیم. ایشان می‌فرماید

اِنَّى لا ارى الموت الا السعادة و الحياة مع الظالمين الا برّما

من مرگ را جز سعادت و خوشبختی و زندگی با ستمکاران را جز ذلت و خواری نمی‌بینم

و می‌بینیم که آن حضرت در این راه جان خود را فدا کردند تا پایه حکومت ظالمی را که هدفش نابودی اسلام بود،

- و بلکه پایه حکومت همه ظالمان تاریخ را به لرزه درآورد. بعد از درک اهمیت این موضوع باید ببینیم که نماز

چگونه می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد

نماز ارتباط با خالق هستی و سرمنشأ قدرت است. نمازگزار با اعتقاد به این که با خداوند متعال، این سرچشمه

قدرت و توانایی، ارتباط دارد، بقیه قدرت‌ها را در مقابل قدرت خدا ناچیز، بلکه هیچ می‌بیند و این اعتقاد و ارتباط

نیرویی در او به وجود می‌آورد که از هیچ قدرت ظاهری نمی‌ترسد و با شجاعت در مقابل هر گونه ظلمی

ایستادگی می‌کند

از طرف دیگر، در روایات ائمه‌علیهم السلام، احادیثی درباره فضیلت‌های سجده بر تربت امام حسین علیه السلام

می‌بینیم؛ از جمله امام صادق علیه السلام فرموده‌اند

(فی طین الحسين عليه السلام الشفاء من كل داء و هو الدواء الاكبر) (144)

تربت مقدس امام حسین علیه السلام شفای هر دردی است و آن دواى اصلی و حقیقی است

همچنین در روایات دیگر می‌خوانیم

السَّجُودِ عَلَى طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ يَنْوِرُ إِلَى الْأَرْضِ السَّابِعَةَ وَ مِنْ كَانَ مَعَهُ سَبْحَةٌ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ
(السلام کتب سبأ و ان لم یکن یسبح بها). (145)
با سجده بر تربت مقدس امام حسین علیه السلام نوری برای نمازگزار حاصل می‌شود که تا زمین هفتم را روشن
می‌سازد و کسی که با او يك دانه تسبیح از تربت پاک امام حسین علیه السلام باشد او جزء تسبیح‌کنندگان محسوب
می‌شود، اگر چه با آن، تسبیح نکرده باشد
این تأکید بر قداست تربت امام حسین علیه السلام برای سجده، در واقع نوعی احترام به مقام شهید و ترویج فرهنگ
شهادت‌طلبی است. اگر فرهنگ شهادت‌طلبی در ملتی رواج یابد، هیچ ستمکاری، هر چند قدرت ظاهری فراوانی
داشته باشد، نمی‌تواند آن ملت را به زانو درآورد و در مقابل آن مردم، عاجز و ناتوان خواهد بود
ب - اطاعت از ولایت و رهبری
یکی از عوامل کلیدی برای نیل به هدف مقدس ایجاد عدالت اجتماعی در جامعه، قدرت مردمی رهبر جامعه برای
مقابله با نابسامانی‌هاست، و نماز این قدرت مردمی رهبری را تقویت می‌کند. در روایات می‌خوانیم که نماز
بی‌ولایت قبول نمی‌شود. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نماز، زکات، حج، روزه
و ولایت»
زرارة از امام سؤال کرد: «کدام يك از این‌ها افضل است؟» امام فرمود: «ولایت و رهبری امام معصوم علیه
السلام و جانشینان آنان که فقها هستند.» برای این که ولایت و رهبری، کلید نماز و زکات و روزه و حج است و
(ولی و حاکم عادل اسلام، حجت‌آن‌چهار حکم الهی دیگر است. (146)
با توجه به این حدیث و احادیث دیگر در این زمینه، می‌بینیم که نماز چه نقش مهمی در تقویت رهبری دارد. این
امر به برپایی حکومت عدل کمک شایانی می‌کند و به نوبه خود، سرمنشأ اصلاحات اجتماعی دیگر می‌شود

نقش نماز در اصلاحات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی محمدرضا خادمیان

مهم‌ترین و قوی‌ترین و بلکه تنها عامل و اهرمی که می‌تواند در مقابل کج‌روی‌های اصلاحات بایستد، عامل
معنویت شریعت مقدس است
در این میان، آن چه اهمیت قابل توجهی دارد، نماز و نمازگزاران است، تا آن جایی که امیرمؤمنان علیه السلام
«می‌فرماید: «بعد از ایمان به خدا چیزی در حد نماز نیست
متن بالا قسمتی از مقدمه کتاب «نقش نماز در اصلاحات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی» بود
این کتاب از سه بخش تشکیل شده است
فصل اول، درباره نقش نماز در اصلاحات اجتماعی (نماز و جلوگیری از پراکنندگی‌ها، نماز و آزادی، نماز و
(مراعات حقوق دیگران، و نقش نماز در استقلال جامعه است
فصل دوم، به نقش نماز در اصلاحات فرهنگی (شامل نماز و استعانت از خداوند، نماز و اعتدال جوانان، نماز و
واقع‌بینی، و نماز و شوکت مسلمانان) می‌پردازد
فصل سوم، مربوط به نقش نماز در اصلاحات سیاسی می‌شود و شامل نماز و پیوند آن با ولایت، نماز و امور
مالی و نماز در سیاست اسلامی است
اینک به قسمت‌هایی از این نوشته توجه می‌کنیم که از بخش دوم، یعنی «نقش نماز در اصلاحات فرهنگی» انتخاب
شده است

نقش نماز
در
اصلاحات فرهنگی

فرهنگ مجموعه‌ای از عقاید و باورهای درونی است که در قالب آداب و رسوم نمود پیدا می‌کند. فرهنگ زمانه در هر زمان و عصری منشأ بسیاری از حرکات و جریانات مرسوم زمان خود است. فرهنگ گاه تا حدود وسیعی ادامه می‌یابد و ریشه در دین و آیین می‌دواند. به‌عنوان مثال، قرآن کریم در مواردی از فرهنگ معاصر متأثر شده است. وجود نمونه‌هایی مانند احکام امضایی اسلام، کمک گرفتن از تشبیهات رایج بین عرب، به کار بردن الفاظی قرضی و عجمی، به کار بردن واژه‌هایی چون جن و مجنون و چشم‌زخم و... که ریشه در فرهنگ آن زمان دارد، از این نمونه‌هاست.

فرهنگ از آن جایی که سرچشمه حرکات است، نقش به‌سزایی در پیشرفت یا پسرفت جامعه دارد. از این روست که جامعه اگر پای‌بند خرافات دروغین و فرهنگ پوچ و تحمیلی باشد، هر روز بیش از پیش به سوی ضلالت و نیستی پیش می‌رود و بالعکس، اگر این زاویه از جامعه صواب باشد، جامعه در مسیر مستقیم و صعود پیش می‌رود.

شاهد و نمونه عینی آن، فرهنگ زمانه خود ما است. روزگاری جوانان ما با فرهنگ استعماری و غربی رنگ گرفته بودند و عاری از هر گونه مسئولیت و تعهد بودند؛ اما روزگاری هم آمد که فرهنگ ما، منطبق بر فرهنگ اسلامی و دینی شد و جوانان غیور و سلحشور این وادی با فرهنگ، حماسه‌ها و شورها آفریدند و شعرهای حماسی در شعورهای احساسی سرودند. و از این قبیل است حال عرب جاهلیت بعد و قبل از ظهور اسلام. فرهنگ را باید جزء امور لاینفک برای هر جامعه‌ای دانست، لکن بحث در اصلاح و پیشرفت آن است. به قول

صائب تبریزی

غفلت نگر، که پشت به محراب کرده‌ایم

در کشوری که قبله‌نما، موج می‌زند

در این بخش از نوشتار بر آنیم که نقش نماز را در اصلاح فرهنگ تعقیب کنیم

نماز و فرهنگ استعانت 1.

مسلمان در هر جامعه‌ای، شرایطی به وجود می‌آید که مستلزم پایداری و مقاومت است و در این رهگذر باید به چیزی استعانت جست، استعانت جستن به چیزی ماورای علل ظاهری، عامل ظفر و رهایی است، چرا که بعضی اوقات، شرایطی به وجود می‌آید که عوامل طبیعی دیگر راهگشا نیستند. این‌جاست که مادیون تسلیم می‌شوند و فریاد نمی‌دانیم و ناتوانیم سر می‌دهند؛ امام‌مؤمنان در چنین اوضاعی، به معدن ذات الهی پناه می‌برند و پایداری می‌کنند

حافظ از دست مده دولت این کشتی نوح

ور نه طوفان حوادث ببرد بنیادت

خداوند رحیم در قرآن کریم به نماز به‌عنوان معین اشاره می‌کند

(یا ایهاالذین آمنوا استعینوا بالصبر و الصلاة). (147)

ای کسانی که ایمان آوردید، از نماز و صبر یاری و کمک بجویید

کما این که در روایات آمده است: «امیرالمؤمنین، علی‌علیه السلام هر گاه مسئله مهمی برایشان رخ می‌داد، به

(نماز می‌ایستادند و این آیه را تلاوت می‌کردند). (148)

مرحوم امین‌الاسلام طبرسی - رحمةالله تعالی - در ذیل آیه مورد بحث می‌فرماید:

و بالصلاة لما فيها من الذكر والخشوع لله و تلاوة القرآن الذي يتضمن ذكر الوعد والوعيد والهدى والبيان و ما ...
هذه صفته يدعو الى الحسنات و يزجر عن السيئات
و اما امر به صلوات به اين خاطر است كه صلوات مشتمل بر ذكر و خشوع براي خداوند متعال و تلاوت قرآن كريم
است؛ قرآنی كه متضمن ذكر وعده‌ها و وعيدها و هدايت و بيان آن چيزهايی است كه به حسنات فرا می‌خواند و از
(سينات و زشتی‌ها باز می‌دارد). (149)
البته نماز باید سازنده باشد تا بتوان از آن استعانت جست و مشمول «ان الصلاة تنهى عن الفحشاء والمنكر» (150)
شد.

نماز با توجه، انسان را به یاد قدرت بی‌نهایت می‌اندازد و غير او را هر چه باشد كوچك جلوه می‌دهد. مهر او را
در دل زياد می‌کند؛ روحیه را تقویت می‌کند؛ از وابستگی‌های مادی انسان می‌کاهد و همه این آثار در برابر
(مشكلات برای انسان کارساز است). (151)
پیش‌تر گذشت كه حضرت امیر علیه السلام در مهمات و شداث، به حصن حصین نماز، پناهنده می‌شدند. این رفتار
امیر مؤمنان علیه السلام برای همگان در تمامی اعصار و اقطار حجت است
:این خلکان در تاریخ خود، در شرح حال شیخ‌الرئيس می‌نویسد
و كان اذا أشكلت عليه مسألة توضحاً و قصد المسجد الجامع و صلى و دعا لله (عز وجل) ان يُسهلها عليه و يفتح
مغلقها له

چون بر بو علی سینا مسأله مشکلی پیش می‌آمد، برمی‌خاست و وضو می‌ساخت و قصد مسجد جامع می‌کرد و نماز
می‌گزارد و خدا را می‌خواند كه آن مسأله مشکل را بر وی آسان كند و آن بسته و پوشیده را به رویش
(بگشاید). (152)
از آن چه گذشت معلوم و مسجل می‌شود كه نماز را باید چون كهفی دانست كه بدان پناه برد و در پیشرفت امور بدان
استعانت جست

شاید بتوان گفت كه گذشته از بُعد معنوی و حقیقی نماز و پرستش و عبادتی كه مخلوق برای خالق می‌کند، سرّ این
كه امام حسین علیه السلام و پدر بزرگوارش امیر المؤمنین علیه السلام در میدان جنگ و کارزار اقامه نماز می‌کردند
و یا آن نماز نشسته‌ای كه ام المصائب، زینب كبری (س) در شام غریبان كربلا خواند، همین استعانت و یاری
جستن از نماز بود

مطلب دیگری كه باید به آن توجه داشت این است كه مرتبه‌ای از استعانت در آیه شریفه «ایك نعبد و ايك
نستعين» (153) تبلور یافته است. همان طوری كه بر اهل ذوق و ادب پوشیده نیست، تقدیم مفعول در این كریمه،
بر فعل، مفید حصر است، و خداوند متعال، بدان وسیله از لسان عبد اعلام می‌دارد كه تنها استعانت و مدد از جانب
خداوند است و دیگران دخلی در این موضوع ندارند

توضیح بیش‌تر آن كه: «حصر عبادت و استعانت در خدای سبحان گاهی تنها در محدوده لفظ و مفهوم است و
گاهی فراتر از آن و همه شؤون اعتقادی، اخلاقی و عملی گوینده ايك نعبد و ايك نستعين، را در بر می‌گیرد
راه آزمودن استعانت راستین این است كه انسان همه شؤون هستی خود را محاسبه كند. اگر در هیچ يك از شؤون
خود به غير خدا تكيه نكرد، او در نماز نیز صادقانه و به حق می‌گوید: «ایك نعبد و ايك نستعين. اما اگر در هر
پیشامد، ابتدا به غير خدا نظر داشت و پس از سرخوردگی و ناامیدی، از همه راه‌ها، به فكر دعا و نیایش افتاد.
معلوم می‌شود او در نماز و دعا نیز صادق نیست و اگر در بین دعا نیز عاملی او را فریب دهد، دست از نیایش
(برمی‌دارد).» (154)

استعانت به معنای واقعی آن بسیار راهگشاست، و این معنا نیز حاصل نمی‌شود مگر در سایه استعانت واقعی، یعنی
از غير خدا بریدن و به درگاهش التجا بردن، از این روست كه در روایات، از ظلم كردن به کسی كه دادرسی به
غير خداوند متعال ندارد، شدیداً نهی شده است
:امام باقر علیه السلام می‌فرماید

لما حضر علی بن الحسين علیه السلام الوفاة ضمّني الي صدره، ثم قال: يا بني! اوصيك بما اوصاني به ابي عليه
السلام حين حضرته الوفاة و بما ذكر أن اياه اوصاه به، قال
(يا بني! اياك و ظلم من لا يجد عليك ناصرًا الا الله).» (155)
هنگامی كه وفات پدرم علیه السلام نزديك شد، مرا به سينه‌اش چسباند و چنین وصیت فرمود: ای پسر كم! سفارشت
می‌كنم به همان كه پدرم هنگام وفاتش بدان مرا سفارش کرده بود و آن این كه فرمودند: از ظلم كردن به کسی كه
ناصر و یاورى جز خداوند متعال ندارد بپرهیز و بر حذر باش
:در تحلیل و توضیح این بیان وزین باید گفت

از وصایای امامان معصوم علیهم السلام به عزیزترین بازماندگانشان در آستانه ارتحال، پرهیز از ستم به «
مظلومانی است که پناهگاهی جز خدا برای خود نمی‌بینند و اولین برقی که در ذهنشان می‌جهد برق استعانت از
خدای سبحان است و قلب خود را به فکر استعانت از بیگانه نمی‌آلیند. اِيَاكَ و ظلم من لايجد عليك ناصراً الاالله.
چنین متوکل چو دعایی خالص دارد، یقیناً دعایش مستجاب است. آه مظلوم بی‌پناه، بی‌هیچ مانعی تا ساحت مقدس
ربوبی بالا می‌رود، و از این روست که حضرت امام حسن علیه السلام در خردسالی در پاسخ به پرسشی درباره
فاصله زمین و آسمان فرمودند:

دعوة المظلوم و مد البصر

اگر پرسش تو درباره فاصله زمین با آسمان ظاهری است، تا آن جا که چشم می‌بیند، و اگر از غیب آسمان‌ها
می‌پرسی، دعا و آه مظلوم که تا ساحت ربوبی پیش می‌رود. اگر کسی، جز از خدا چیزی طلب نکرد به یقین خداوند
(ناصر اوست)» (156)

خلاصه آن که باید استعانت جست؛ آن چنان استعانتی که مظلوم و مضطری که راه و یاری جز خداوند ندارد،
می‌جوید. جامعه مسلمانان برای رسیدن به کمال و فضائل باید استعانت بجویند و فرهنگ نماز عهده‌دار این
معناست

پایان این بخش را با اعتراف يك دانشمند شرقی پایان می‌دهیم

مهاتما گاندی فقید که پس از بودا بزرگترین پیشوای هندوستان بود، چنان چه از نیروی استقامت بخش دعا و «
عبادت الهام و مدد نمی‌گرفت، به طور یقین از پا درآمده بود. من این مطلب را از کجا می‌دانم؟ از آن جایی که
(خودش می‌گفت: اگر دعا و نماز نبود، من مدت‌ها قبل دیوانه و مجنون شده بودم.» (157)
نقش اصلاح‌گرایانه نماز در این بخش می‌تواند بسیار شگرف و ژرف باشد. شگرف باشد از این جهت که اکسیری
است که مس‌ناکارآمد وجود را چون طلا قیمتی و با ارزش می‌کند و موجب پایداری می‌شود، و اما ژرف و عمیق
است از این رو که باید از پوسته نمازگذشت به باطن نماز رسید، و آن تفسیر استعانت است. گویی نماز عصایی
پولادین و آبدیده است که هر که بر آن تکیه زند، به عافیت و سلامت می‌تواند طی طریق کند، والا پیروز معرکه،
مشکلات و شدائد است. از این رو نماز نقش مهمی در اصلاح جامعه دارد

نماز و اعتدال جوانان 2.

اگر دیده می‌شود احادیث و روایات شدید و سدید درباره جوان وارد شده است، به خاطر آن است که این قشر از
جامعه، اهمیت خاصی در سازندگی و بالندگی و فرزندی جامعه دارند
جوان کانون شهوات و امیال خاصی است و از این جهت نیز در نوك پیکان توجهات است. رسول اکرم صلی الله
علیه و آله وسلم فرمودند

(ان الله تعالى يباهي بالشباب العابد على الملائكة. يقول: انظروا الى عبيد! ترك شهوته من اجلى. (158)
خداوند تعالی بر ملائکه به جوان عابد مباحثات می‌کند و به ایشان می‌گوید: نگاه کنید به بنده‌ام که به خاطر من ترك
شهوت کرده است

و از این روست که حضرت ابراهیم علیه السلام آن هنگامی که موی سفید در محاسنش دید چنین شکر کرد
(الحمد لله رب العالمين الذي بلغني هذا المبلغ و لم أعص الله طرفة عين. (159)

پروردگار جهانیان را حمد و سپاس که مرا به این مرحله رساند و چشم بر هم زدنی معصیت خداوند را نکردم
شخصیت‌سازی و شخصیت‌دهی برای جوان به عنوان يك کار فرهنگی مطرح است، چرا که ثمره‌اش در سطح
فرهنگ يك امت و مملکت ظاهر می‌شود

پس اگر مشاهده می‌شود که به تعلیم و تعلم جوانان در ایام جوانی سفارش شده، از همین رو است. رسول
اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند

(من تعلم في شبابه كان بمنزلة الرسم في الحجر و من تعلم و هو كبير كان بمنزلة الكتاب على وجه الماء) (160)
کسی که در جوانی تعلم کند، مانند این است که بر روی سنگ، نقش ترسیم کند. و کسی که در کهن‌سالی تعلم کند
مانند این است که بر روی آب کتابت کند

با ذکر این مقدمه می‌رسیم به این بحث که نماز چه تأثیری در اعتدال جوانان و شخصیت‌دهی آنان می‌تواند داشته
باشد؟

نخست باید به این نکته توجه کرد که شارع مقدس، چه زمانی نماز را برای مکلف واجب کرده است؟ اگر دقت
شود، معلوم می‌شود که هم‌زمان با اوج گرفتن غرایز و امیال، نماز نیز واجب می‌گردد
هر چند که حکمت کلی عبادات مشخص نیست، ولی چه بسا عبادات، عموماً، و نماز، خصوصاً، در این مرحله از
سن و وظیفه دارند جلوی سرکشی غرایز را بگیرند و مانند مسگنی عمل کنند

كودك همگام با آغاز بلوغ و وارد شدن به مرحله‌ای جدید از زندگی، حجم وسیعی از افکار و آرا و عقاید در ذهنش پدیدار می‌شود. این جا وظیفه والدین است که سوالات آنان را در قالبی نو و ساده پاسخگو باشند و این مهم می‌تواند در قالب نماز و تشریح بخشی از احکام و فلسفه نماز باشد، اجزا و شرایط نماز هر کدام تأویل و تفسیری دارد که می‌تواند سازنده باشد.

در روایات آمده است که کودکان را به نماز تمرین دهید تا هنگام بلوغ و واجب شدن نماز بر آن‌ها دشوار ننماید، چرا که در این سن، مداومت بر نماز پیدا نکنند، در آینده بسیار سخت است: امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: قلب جوان لطیف و ملکوتی است و انگیزه‌های فساد در آن ضعیف می‌باشد. لیکن هر چه سن بالا می‌رود، ریشه «(گناه در قلب قوی‌تر و محکم‌تر می‌گردد تا جایی که کندن آن از دل ممکن نیست.»(161) حضرت امیر علیه السلام نیز می‌فرماید:

(أما قلب الحدث كالارض الخالية ما ألقى فيها من شيء الا قبلته. (162) قلب جوان نورس مانند زمین خالی است که هر چه در آن القا شود قبول می‌کند شمار فراوانی از مشکلات و بز هکاری‌ها ثمره بی‌نمازی و کم‌اعتنایی و بی‌اعتنایی به نماز است. حضرت امام خمینی - قدس سره - چنین می‌فرماید:

بعضی از این جوان‌های ما نسبت به این احکام ظاهری اسلام مثل نماز که بسیار در اسلام اهمیت دارد، این‌ها خیلی آن‌چنان تمام و تام عمل نمی‌کنند و این مسأله، مسأله‌ای است که اسباب تأسف ماست که شما جوان‌های مسلم به نسخه‌هایی که اطبای روح داده‌اند عمل، خدای نکرده نکنید و بعد در عاقبت يك وقت پشیمانی برای شما پیدا بشود (که آن وقت دستتان دیگر کوتاه باشد. (163)

نماز در سینه جوان - که به واسطه کم‌تجربگی و ناآگاهی در نوسان و لرزش است - اگر بنشیند، کششی وجود او را سنگین می‌کند و اجازه نمی‌دهد در طوفان شدید حوادث غرق شود، والا در ایام جوانی، پشت جوان خم خواهد شد.

به فریادم برس ای پیر خرابات

به يك جرعه جوانم کن که پیرم

حافظ

جوان اگر آن طور که باید و شاید از لحاظ معنوی تغذیه نشود، به خلاء درونی و پوچی می‌رسد.

یکی از دانشمندان غربی چنین اعتراف می‌کند

ما بایستی اعتراف کنیم که در مورد پرورش ایمان و عقیده در جوانان خود، سخت کوتاهی نموده‌ایم. يك روز یکی از دوستان من با اندوهی فراوان و دلی شکسته به من مراجعه نموده و ماجرای اندوه خود را با من چنین در میان گذاشت:

پسرم به طور ناگهانی نزد من آمده و گفت که میل ندارد به مدرسه برود. گفتم: چرا؟! جواب داد: پدر، حقیقت این است که من از تو نفرت دارم. من که از این حرف یکه خورده و مغزم تیر می‌کشید، گفتم: چرا پسرم؟! من که به تو همه چیز داده‌ام. جواب داد: بلی تو به من همه چیز داده‌ای، همه چیز، به جز آن که بتوانم به آن ایمان داشته باشم، (یعنی خدا. (164)

بله، اعتقادات دینی و مذهبی مانند لنگری عمل می‌کند که کشتی وجود آدمی را ثابت و پابرجا و بدون رنگ

:گرفتن از رنگ‌های غیرخدایی‌نگه می‌دارد. رهبر استقلال هند، گاندی درباره اعتقاد به نماز و دعا می‌گوید

من در تجارب زندگی عمومی و خصوصی خود تلخ‌کامی‌های بسیار سخت داشته‌ام که مرا دستخوش ناامیدی

می‌ساخت. اگر توانسته‌ام بر این ناامیدی‌ها چیره شوم به خاطر دعا و نماز هایم بوده است... هر چه زمان

می‌گذشت، اعتقاد من به خداوند افزایش می‌یافت و نیاز من به دعا و نماز بیش‌تر می‌گشت و صورتی مقاومت‌ناپذیر

(به خود می‌گرفت و بدون آن، زندگی برایم سرد و تهی بود. (165)

بازگو کردن چنین اعترافات‌ای مایه اعتقاد بیش‌تر در جوان درباره نماز می‌شود و باید آن‌ها را نقل کرد.

نماز و واقع‌بینی 3.

گاهی از اوقات برنامهریزی‌های نادرستی انجام می‌شود و طبق آن تصمیماتی اخذ می‌گردد که بعداً در مقام عمل با شکست و ناکامی مواجه می‌شود. در نظر بگیریم که کودکی قدرت بلند کردن 30 کیلوگرم بار را دارد. او را به گمان این که وزنه‌برداری ایده‌آل است با خرج هزینه بسیار، عازم مسابقات بین‌المللی می‌کنیم. آن گاه می‌بینیم که از

عده چنین کاری بر نمی آید. تنها چیزی که در این صورت برای ما باقی می ماند خرج های هنگفتی است که متحمل شده ایم.

بسیاری از مشکلات جامعه ما نیز از این قبیل است. مثلاً ما سد بتونی می سازیم، در جایی که رودخانه فصلی دارد، قیمت پایه فروش بشکه های نفت را مافوق عادت محاسبه می کنیم، محصل برای ادامه تحصیل به خارج کشور... می فرستیم در رشته ای که در کشور زمینه بهره برداری از آن را نداریم و در فرهنگ نماز، نمازگزار فرا می گیرد که واقع بین باشد. از لفظ بگذرد و به معنا برسد. پوسته را وانهد و به هسته برسد. در روایات بر حث و تحریض نماز با حضور قلب و توجه داشتن بسیار، تکیه شده است. رسول (اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرمایند: لا یقبل الله صلاة عبد لا یحضر قلبه مع بدنه. (166) خداوند متعال نماز بنده ای را که قلبش با بدنش حاضر نیست قبول نمی کند.) یعنی قلبش توجه به معنای ای که زبانش (ارائه می کند ندارد.

همچنین در روایت وارد شده است که امام سجاده علیه السلام در حین نماز ردايشان از روی یکی از دوش هایشان افتاد و حضرت آن را برنگرداند. هنگامی که از حضرت راجع به این کار سؤال کردند، در جواب فرمودند (و یحك أئدری بین یدی من کنت؟ ان العبد لا یقبل من صلاته الا ما أقبل علیه منها بقلبه. (167) وای بر تو آیا می دانی که در مقابل چه کسی بودم؟ بنده نمازش قبول نمی شود مگر آن چه را که با حضور قلب بخواند.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

(یا ایها الذین آمنوا لا تقربوا الصلاة و أنتم سکرى حتی تعلموا ما تقولون. (168)

ای کسانی که ایمان آورده اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا بدانید چه می گوئید

از این کریمه چنین می توان نتیجه گرفت: «در نماز، تنها الفاظ و حرکات کافی نیست، توجه و شعور لازم است.» (169)

حضرت امام خمینی - قدس سره - در کتاب شریف «آداب الصلوة» چنین می نویسند:

پس ای عزیز! اگر ایمان به آن چه ذکر شده که گفته انبیاء علیهم السلام است آوردی و خود را برای تحصیل سعادت و سفر آخرت مهیا نمودی و لازم دانستی حضور قلب را که کلید گنج سعادت است تحصیل کنی، راه تحصیل آن، (آن است که اولاً رفع موانع حضور قلب را نمایی و خارهای طریق را از سر راه سلوک ریشه کن کنی... (170)

این بیانات حضرت امام خمینی - قدس سره - درباره حضور قلب بود که گذشت و آن هم احادیث و روایات از خیل بسیار بود و از سوی دیگر آن هم آیه شریفه بود که نقل شد؛ لکن ما در این مجال در پی تحصیل حضور قلب و اسباب آن نیستیم، بلکه در صدد این هستیم که بگوییم فقط نماز با حضور قلب، اعتبار و قیمت دارد و این مطلب ما را به این نکته دلالت می کند که واقع بینی ارزش دارد، والا اگر نماز چنین نباشد، در واقع خودپرستی است نه خداپرستی. آخر این چه نمازی است که ذهن دائماً از این شاخه به آن شاخه پر می کشد؟

به می پرستی از آن نقش خود بر آب زدم

که تا خراب کنم نقش خود پرستیدن

حافظ

نماز واقعی با حضور و توجه است. الهام گرفتن از آن در زندگی بسیار راهگشاست. کارها را آن طور که هستند، ببینیم و همان طور معرفی کنیم: «آن چنان که هست باید نمود» به دور از هر گونه دغل و غش.

نماز و تعجیل در کار خیر. 4.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «من هم بخیر فلیعجله و لا یؤخره فان العبد ربما عمل العمل فیقول الله تبارک و تعالی: قد غفرت لك و لا اکتب عليك شیئاً ابداً و من هم بسینة فلا یعملها. فانه ربما عمل العبد السینة فیراه الله سبحانه (فیقول: لا و عزتی و جلالی لا أفر لك بعدها أبداً» (171)

هر که آهنگ خیری کند باید عجله کند و تأخیرش نیندازد، زیرا بنده گاهی عملی انجام می دهد که خدای تبارک و تعالی می فرماید

«تو را آمرزیدم و دیگر چیزی علیه تو نمی نویسم»

و هر که آهنگ گناهی می کند، آن را انجام ندهد، زیرا گاهی بنده گناهی می کند و خدای سبحان او را می ببندد و

«می فرماید: «به عزت و جلالم سوگند که تو را پس از این هرگز نیامرزم

شارح اصول کافی در ذیل حدیث مشابهی مرقوم می دارد

مقصود از این روایت این است که عبادتی که موجب آرامش بنده و تقرب کاملش به جناب حق تعالی می‌شود، از او مستور و پوشیده است و نمی‌داند چگونه عملی است. از این رو باید نسبت به هر کار خیر و عمل نیکی که تصمیم گرفت، فوری اقدام کند و تأخیر نیندازد که مبادا آن عمل موجب آمرزشش باشد و از او فوت شود؛ چنان که

پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید

ان لربکم فی آیام دهرکم نجات الا فتعرضوا لها

برای پروردگار شما در دوران عمرتان، نسیم‌های رحمتی است. به هوش باشید و خود را در معرض آنها (در آورید). (172)

و احادیث مشابه دیگری وجود دارد که جملگی دلالت دارند بر این که باید در کار خیر عجله کرد بسیاری از معضلات فرهنگی جامعه در نتیجه اهتمام فوری نداشتن به وجود می‌آید. کاری را که امروز با صرف اندکی هزینه و وقت می‌توان انجام داد، در نتیجه به تأخیر انداختن، حادث و دشوار می‌شود و همان کار را باید با صرف هزینه‌های هنگفت و اوقات بسیار انجام داد. اگر کار، کار خیر است، باید در آن مبادرت و عجله کرد و کندی و تأخیر در آن جایز نیست

تمرین عملی این نظریه در مکتب نماز، بر شاگردان آن مکتب میسر است؛ چرا که در بحث نماز، به نماز اول وقت اهمیت به سزایی داده شده است. مصلی در اذان و اقامه نمازش ندا در می‌دهد: «حیّ علی الصلاة» و همین تعجیل و شتاب یکی از مصادیق آیه شریفه است که خداوند - عزوجل - فرمود

(فاستبقوا الخیرات. (173)

به خیرات و نیکی‌ها سبقت و پیشی بگیرید

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: لكل صلاة وقتان: اول و آخر: فأول الوقت أفضله و ليس لأحد أن يتخذ آخر الوقتين وقتاً الا من علة و إنما جعل آخر الوقت للمريض والمعتل و لمن عذر و أول الوقت رضوان الله و آخر الوقت عفو الله. (174)

هر نمازی دو وقت اول و آخر دارد. اول وقت افضل است و کسی نباید آخر وقت نماز بخواند، مگر به خاطر علتی. خداوند متعال آخر وقت را برای مریض و علیل و آن که عذری دارد قرار داده است. اول وقت، رضوان و خشنودی خداوند است و آخر وقت عفو و مغفرت الهی است

اگر هیچ روایت و حدیث دیگری درباره لزوم نماز اول وقت خواندن نبود، به غیر از همین حدیث، کفایت می‌کرد که همگان نمازشان را در اول وقت به جای آورند

شاهین بلندای آسمان عرفان، استاد سیر و سلوک و استاد صاحب تفسیر گران قدر المیزان، آقا سید علی قاضی - قدس سره - می‌فرماید: «اگر کسی نماز واجبش را اول وقت بخواند و به مقامات عالیه نرسد، مرا لعن کند و یا

(فرمودند به صورت من ثف بیندازد. (175)

نماز با آن نظم پنجگانه‌اش و با آن تعجیل در ادایش، روح عجله کردن در خیرات را در جامعه رواج می‌دهد. هم چنان که اشاره شد، پاره‌ای از مشکلات و مبهمات جامعه، مولود سریع اقدام نکردن است. نماز در این معضل نیز بر اساس تعالیمش، فرد - و نهایتاً جامعه فرهنگی - را مجبور می‌کند که تعجیل در خیرات کند و کارها را به روزهای بعد محول نکند، چرا که هر روز و هر فرصت جدید، خود مقتضی افعال و امور جدید است و فرصتی برای گذشته باقی نمی‌گذارد

حدیث عشق نداند کسی که در همه عمر

به سر نکوفته باشد در سرایی را

سعدی

نماز

و

شوکت

فرهنگ یکپارچه مسلمانان، ریشه در اتحاد و یکدستگی ایشان دارد. پیش‌تر گذشت که تشنت و پراکندگی از امور غیر قابل تحمل در اسلام است و شارع مقدس در فرصت‌های مختلف، با صراحت به آن اشاره کرده است و آن را مذموم شمرده است. از طرفی اتحاد و یکپارچگی جامعه مسلمانان، جلوه‌ای از هیبت و عظمت اسلام است و شارع مقدس بدان اهتمام تام دارد و بدان تشویق و تحریض کرده است.

دشمنان دین خاتم، هر گاه که جامعه را چند صدایی یافتند و نیروهای اصیل اسلامی را پراکنده دیدند، وارد عمل شدند و در پی سوءاستفاده و تفرق برآمدند. اصولاً یکی از نقشه‌های استعمارگران قدیم و جدید دامن زدن به تحزب و فرقه‌گرایی است تا از قیل آن مسلمانان را پراکنده سازند. یکی از طرح‌های پراکنده ساختن اجتماع پر قدرت و شوکت مسلمانان، طرح کردن بحث شیعه و سنی است که «کیسینجر» رئیس جمهور وقت آمریکا در کنفرانس طائف آن را مطرح کرد تا اختلافی عمیق بین صفوف مسلمانان بیندازند. ولی هیئات و هیئات، چرا که امام راحل - قدس سره - با دیده تیزبین خویش، این نقشه شوم را نیز نقش بر آب کردند خداوند متعال می‌فرماید

واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا و اذکروا نعمة الله علیکم إذا كنتم اعداء فألف بین قلوبکم فأصبحتم بنعمته (اخوانا و کنتم علی شفا حفرة من النار فأنقذکم منها). (176)

همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و متفرق نشوید. به یاد بیاورید نعمت‌های خدا را بر شما، در آن زمانی که با هم دشمن بودید. میان قلب‌های شما آلفت برقرار ساخت و با هم برادر شدید، حال آن که بر لب پرتگاهی از آتش بودید، پس شما را از آتش برهانید.

این آیه شریفه در واقع تعلیلی است برای ایجاد وحدت و یکپارچگی و ثمره تفرقه و انفکاک را نیز مفهوماً بازگو می‌کند. چه بسا خداوند متعال قصد کرده است که این معنا را به عموم مسلمانان القا کند که شما به واسطه تفرقه و جدایی در پرتگاهی از عذاب و آتش بودید، ولی به واسطه الفتی که خداوند متعال ایجاد کرد، از آن مهلکه نجات پیدا کردید.

تفرقه در ردیف عذاب‌های آسمانی و زمینی، یک نوع عذاب و مجازات الهی است. در اسلام دروغ گفتن برای (ایجاد وحدت جایز و راست گفتن تفرقه‌انگیز حرام است). (177)

یکپارچگی عامل بزرگ پیشرفت اسلام بوده و هست. آن چه باعث صدور اسلام از حجاز به اقطار دیگر شد، یکی همین اتحاد و یکپارچگی مسلمانان بود که توانستند دیگر دولت‌ها را به زانو درآورند و آنان را تسلیم اسلام کنند. ولی افسوس و هزاران افسوس که رهبری رهبران نالایق این نعمت الهی را به نعمت تبدیل کرد؛ چرا که سنت الهی است که اگر نعمتی را به قومی بدهد، دیگر از آنان مطالبه نمی‌کند، مگر این که خود آن قوم، آن نعمت را به نعمت تبدیل کنند.

(ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم). (178)

دیگران دریافتند و مسلمانان یا درک نکردند و یا بسیار سطحی از کنار آن گذشتند:

گوستاو لوبون در این باره این طور می‌نویسد

و زمانی که قبول اسلام نمودند همگی تحت لوای توحید مجتمع گردیدند، تمام قوای خود را متوجه بیگانگان... نمودند و همین موضوع سبب عمده پیشرفت و کامیابی آن‌ها گردید و هنگامی هم که دشمنی برای پیکار باقی نماند، عادت مذکور مجبورشان ساخت که مانند ایام پیشین (دوره جهالت) با هم مشغول جنگ شوند و همان مطلبی که (سبب ترقی آن‌ها بود) بر اثر نداشتن رهبری صحیح در عصرهای بعد (باعث انحطاط و زوال آن‌ها گردید). (179)

صد هزاران خبط یکتا را نباشد قوتی چون به هم برتافتی اسفندیارش نگسلد

تجلی نماز در نهضت عاشورا مهدی ستوده کویری آرانی

اگر نماز نبود، چهره واقعی ابلیس برملا نمی‌گشت. اگر نماز نبود، تکلیف شیطان مشخص نمی‌شد و چون سجده را در نیافت، پس خویش را نیز گم کرد.

نوشته‌های این کتاب شامل چهار بخش است. در بخش اول، نویسنده بحث مفصلی درباره عوامل انحراف و ایجاد موانع در مسیر تجلی اقامه نماز کرده و نمونه‌های تاریخی مختلفی را برای اثبات نظرات خود آورده است.

در بخش دوم، او گام اول را در اقامه نماز در جامعه، «تخلی» می‌داند؛ یعنی تخلیه اجتماع از موانع تجلی اقامه نماز، که در این بخش نیز شواهد تاریخی مفصلی از واقعه کربلا و قیام امام حسین علیه السلام بیان می‌شود.

نویسنده در بخش سوم، گام دوم برای اقامه نماز را «تجلی» می‌داند؛ یعنی تخلیه و آرایش جامعه به زیرساخت‌های اقامه نماز. آن چه در این بخش آمده است، شامل گفت‌وگوی امام حسین علیه السلام با حُر، اقامه نماز حضرت، اقتدای حُر و سایر مصادیق این موضوع است.

او در بخش چهارم، گام سوم برای اقامه نماز را «تجلی» می‌داند؛ یعنی تجلیه و جلوه نمودن اقامه نماز در جامعه. آن چه در این بخش می‌آید، شامل موارد زیر است:

تجلی نماز عاشورا در سختی‌ها، تجلی نماز عاشورا در امر به معروف و نهی از منکر و در سایر نشانه‌های امت اسلامی

اینک به نوشته‌ای از این کتاب که درباره تجلی نماز در عاشورا و شهادت است، توجه کنید

تجلی
نماز
عاشورا
در
نشانه
امت اسلامی

نماز اگرچه يك فعل فردی است و هر کسی باید در انجام آن تلاش کند، ولی کتاب و سنت بدین مطلب تصریح دارند که نه تنها نمازگزار باید بدین فریضه عمل کند، بلکه باید در احیای امر نماز نیز تلاش کند، چرا که به وسیله آن مسلمانان از دیگران ممتاز می‌شوند. از این رو نشانه ملیت اسلامی است و ترك آن پایه‌های بنای عظیم‌دین را فرو می‌ریزد، حضرت علی علیه السلام در بیانی شیوا می‌فرماید:

و اقام الصلوة فانها الملة

برپا داشتن و اقامه نماز نشانه اصلی ملیت دین اسلام است. گروهی از قبایل عرب خدمت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم رسیدند و عرض کردند: یا رسول الله، اگر می‌خواهید ما مسلمان شویم سه شرط داریم که باید آن‌ها را بپذیرید:

1. اجازه بدهید تا يك سال دیگر هم این بت‌ها را پرستش کنیم.

2. نماز بر ما خیلی ناگوار است. اجازه دهید ما نخوانیم.

3. از ما نخواهید که آن بت بزرگمان را خودمان بشکنیم.

(حضرت در جواب فرمودند: «از این سه پیشنهاد شما فقط سومی پذیرفته می‌شود، بقیه محال است. (180) حضرت علی در شب بیست و یکم ماه رمضان، پیش از آن که جان به جان‌آفرین تسلیم کند، ضمن وصیت تاریخی (خود به فرزندان گرامی‌اش فرمود: الله الله فی الصلوة فانها عمودالدین. (181)

خدا را، خدا را، دربارہ نماز که نماز استوانه خیمه دین شماس است

حکومت جبارانه معاویه و یزید نماز را از مسیر اصلی خود خارج کرد، معاویه نماز جمعه را در روز چهارشنبه می‌خواند، عثمان بن عفان نماز عصر را در سفر کامل می‌خواند و معاویه دستور می‌داد در قنوت، حضرت

علی علیه السلام را لعن کنند. لذا در جامعه‌ای که فرهنگ نماز جایگاه اصلی خود را دریابد و نماز آن چنان که

شایسته است اقامه شود ملیت و آیین و هویت اصلی خویش را هرگز از دست نخواهد داد و در مقابل سیل تهاجم

فرهنگی غرق نمی‌شود. همان کاری که سیدالشهدا در نهضت عاشورا انجام دادند و در پرتو تجلی اقامه نماز، حر

بن یزید ریاحی به فطرت پاک خویش بازگشت کرد و پرده‌های غبار آلودی که در نتیجه معاشرت قوم زر و زور و

تزویر مانع از وصول انوار متجلی بر قلبش می‌شد، زدود و به نماز ایستاد و به امام اقتدا کرد و این گونه حضرت

نشان داد که‌ای امت غفلت‌زده، من مسلمانم، نه يك خارجی

در زیارتنامه می‌خوانیم

(اشهد انک قد اقامت الصلوة و آتیت الزکاة) (182)

تجلی

نماز

عاشورا

در شهادت

از الفبای برجسته نهضت عاشورا و از شعارهای انسان‌ساز آن، عنصر شهادت‌طلبی بود. یعنی مرگ در راه خدا و امام‌حسین علیه السلام، در خطبه «خط الموت» به آن تصریح می‌کند و با جمله «من کان باذلاً فینا محجته فلیرحل

معنا» یاران شهادت طلب را برمی‌گزینند. چنین فرهنگی است که پذیرفته همه اقوام و ملت‌هاست و این نوع مرگ انتخابی و آگاهانه مکمل حیات شرافتمندانه است. چون مرگ پایان نیست تا کسی با انتخاب مرگ به پایان یافتن خویش کمک کرده باشد. مرگ سرخ و شهادت، نوع کمال‌یافته‌تری از حیات است؛ چرا که زیربنای این تفکر ریشه در فطرت انسان دارد و فطرت خداجوی انسان در جهت ارتقا و پیشرفت حرکت می‌کند و حرکت آن به وسیله دین الهی است و عمود این دین، اقامه نماز است.

در روز عاشورا یکی از کسانی که در برابر نماز امام حسین علیه السلام سپر تیرها شد، سعید بن عبدالله حنفی بود. هنگامی که دیگر نزدیک جان دادنش بود، آقا خودشان را به بالین وی رساندند. او جمله عجیبی به حضرت «عرض کرد. او گفت: «یا ابا عبدالله اوفیت

! آیا من حق وفا را به جا آوردم؟

آن چه این شهیدان را اوج می‌دهد و بالا می‌برد انوار متجلی نمازی است که در قلب‌های آنان وارد شده و آن را تابان ساخته و تشعشعات آن در کلیه امورشان متجلی است

شما راه خدا را باز کردید

شهادت را شما آغاز کردید

به خون خفتید تا آیین بماند

فدا کردید جان تا دین بماند

اگر در نماز حسین علیه السلام بودم

یوسف محمودی مقدم

نماز، صورت تنها نیست. این نماز را اولی و آخری است و هر چیز را که اولی و آخری باشد، آن قالب باشد، زیرا تکبیر، اول نماز است و سلام، آخر نماز. این نماز برای آن نیست که هر روز قیام و رکوع و سجود کنی، غرض این است که می‌باید آن حالتی که در نماز ظاهر می‌شود پیوسته با تو باشد. اگر در خواب باشی و اگر بیدار باشی و اگر بنویسی و اگر بخوانی، در جمیع احوال خالی از یاد حق نباشی

مطلب بالا فرازی از نوشته‌های کتاب «اگر در نماز حسین علیه السلام بودم» بود

این کتاب دارای قسمت‌های مختلفی است، مانند «چون یقین کردید پای بفشارید»، «بی‌مصرف نباش»، «تو فرق نگر میان آن دو واعظ»، «قبله آسمان منم»، «نماز عصیان انسانی رام»، «دل بسته دل برکنند مباشید» و «دو رکعت عشق»

این نوشتار، بسیار خودمانی قلم زده شده است و توانایی نویسنده را در بیان مطالب به صورت روان و سلیس به طوری که در دل خواننده بنشیند، می‌رساند. بی‌هیچ توصیفی قسمت‌هایی از نوشته ایشان را می‌خوانیم

اگر در

نماز حسین علیه السلام

بودم

اگر در نماز حسین علیه السلام بودم، در نماز یزید نبودم، و در این نگارش می‌گویم که در نماز حسین علیه السلام بودن و در نماز یزید نبودن و غیبت از نماز یزید یعنی چه. برای دانستن این معنا ابتدا باید حسین را شناخت و باید دانست که یزید چه کسی است و در نماز یکی بودن، نبودن در نماز دیگری است و نبودن در نماز هیچ يك، غیبت از صحنه حق و باطل، و وقتی از صحنه حق و باطل زمان خویش غایبی هر کجا خواهی باش اما نماز صورت تنها نیست. این نماز را اولی و آخری است و هر چیز را که اولی و آخری باشد، آن قالب باشد، زیرا تکبیر، اول نماز است و سلام، آخر نماز. این نماز آخر برای آن است که همه روز قیام و رکوع و سجود کنی، غرض این است که می‌باید آن حالتی در نماز ظاهر می‌شود پیوسته با تو باشد. اگر در خواب باشی و اگر بیدار باشی و اگر بنویسی و اگر بخوانی، در جمیع احوال خالی از یاد حق نباشی از ابتدای خلقت تا ظهر عاشورا نمازهای زیادی گزارده‌اند. آخر از دور آدم تا دور مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم نماز و روزه به این صورت نبود. قبل از آفرینش انسان، ملائک، خداوند را تقدیس می‌کردند به گواهی خود. ابلیس شش هزار سال با پرستش خدا زیست. آدم علیه السلام برای رهایی از سیاهی هبوط خود، پنج بار نماز گزارد. ابراهیم علیه السلام از خداوند خواست که او و ذریه‌اش را نمازگزار گرداند. خداوند به موسی و برادرش وحی کرد که نماز بپا دارند. عیسی علیه السلام در گهواره از توصیه خداوند به نماز و زکات خبر داد. اسماعیل علیه السلام همیشه اهل بیت خود را به ادای نماز و زکات امر می‌کرد. نور چشمان محمد صلی الله علیه و آله وسلم در نماز بود. حسین علیه السلام تا روز عاشورا بسیار نمازگزار بود. صبح روز عاشورا عمر بن سعد نیز با یارانش در طرف دیگر به نماز صف کشیده بودند، آخر در نماز عاشورای حسین علیه السلام چه بود که او را از دیگران بالاتر نشانند و خودنمایی کرد و به دیدگان آمد؟

سرود آینه‌ها در کویر
مهدی بیگی فیض‌آبادی

این مجموعه نگاهی کوتاه دارد به انعکاس نماز در شعر و ادب عاشورایی و در مقدمه آن چنین آمده است: «سعی کرده‌ایم که حتی‌المقدور تا جایی که توان به ما اجازه می‌دهد، مطالب را با ذکر سند و ذکر شواهد بیابوریم. کتاب در دو فصل تنظیم شده است که هر فصل دارای بخش‌های مختلفی است. در فصل اول ادبیات مذهبی، تأثیر مذهب بر ادبیات و برعکس آن و هم چنین نقش ادبیات در گسترش مکتب عاشورا بررسی شده است و هم چنین درباره نقش حماسه در ادبیات عاشورا از نظر محتوا و قالب بحث شده است. در فصل دوم، تجلی نماز در ادبیات عاشورا مطرح شده است. البته نویسندگان در جای جای کتاب و به مقتضای مطالب، از سروده‌های مختلف شعرای معاصر و گذشته استفاده برده است که مطالب را شیوا و روان کرده است»

اینک به نوشته کتاب درباره «نماز مصطلح در ادبیات» توجه کنید

نماز مصطلح در ادبیات عاشورا

از اول قیام عاشورا تا آخر آن را باید يك نماز با روح و معنوی دانست. یعنی در حقیقت امام حسین در این قیام از سر تعظیم، يك نماز پر شور را به جای آورد، و سلام آن نماز را در روز عاشورا با بوسه بر خنجر جلادان بی‌نماز به پایان رسانید؛ و با دادن آن سلام، مرغ جاننش را طاقت ماندن در این مکان دنی نبود و به سوی لانه ملکوت پرواز کرد.

با توجه به تاریخ عاشورا و بررسی ادبیات عاشورایی دانسته می‌شود، نماز مصطلح نیز در جریان کربلا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است و نقش مهمی را در به پیروزی رساندن نهضت عاشورا ایفا کرده است. در واقع آن چه موجب شد که نهضت عاشورا این چنین با روح و قدرت راهش را ببیماید و در تمام سختی‌ها و مشقات خم به ابرو نیاورد، بلکه بیش‌تر شاکر خداوند سبحان شود، تأثیراتی بود که عاشوراییان از نماز گرفته بودند و با خواندن نماز خودشان را ساخته بودند؛ به طوری که در آن واقعه دلخراش، خودشان را در مقابل خداوند همیشه در نماز می‌دیدند.

از جمله شاعرانی که بیش‌تر از دیگران مسائل و وقایع عاشورا را با شکوه فراوان و به شیوه استادانه به شعر درآورده است، مرحوم میرزا مهدی الهی قمشه‌ای است که ما نیز در این بخش و دیگر بخش‌ها از اشعار این ادیب توانا استفاده کرده‌ایم.

نماز در شب عاشورا

شب عاشورا آخرین شبی بود که حضرت اباعبدالله قصد کرد آخرین راز و نیازها و ترنمات معنوی را با حضرت حق در میان گذارد و آخرین لذت‌های معنوی را از جام دوست بچشد. هر انسان کمال‌جویی که تشنه وصال محبوب باشد در این لحظات آخر، از تمام اوقات خود استفاده می‌کند تا لحظه‌ای را از هم‌نشینی با دلدار خویش از دست ندهد. در کتاب‌های معتبر و شریف مقاتل نیز نقل کرده‌اند که حضرت در آن شب تمام مدت شب را به عبادت و تلاوت قرآن سپری کرد. آن شب را چنین توصیف کرده‌اند:

روز نهم محرم بود که سپاه عمر سعد طبل جنگ را نواخت و آماده نبرد شد. امام هم چون صدای طبل را شنید علت آن را جویا شد. به او خبر رسید که عمر سعد قصد حمله به طرف خیام را دارد. در این جا بود که امام، حضرت ابوالفضل را به طرف آن‌ها فرستاد تا يك روز مهلت بگیرد، تا امام آن شب را به راز و نیاز و عبادت خداوند بپردازند.

این وقایع را مرحوم الهی قمشه‌ای در دیوان شریفش به خوبی به شعر درآورده است. در این جا آن اشعار زیبا را از نظر خوانندگان ادب‌دوست می‌گذرانیم:

روز نهم دشمن دون بی‌درنگ
يك دله بنواخت ز کین کوس جنگ
آن سپه کفر فرو کوفت طبل
وز شرف شرع بریدند حبل
چون ز صف جنگ برآمد خروش
خون شهیدان حق آمد به جوش
مژده دیدار نکو یارشان
کرد چو گل جلوه رخسارشان
تازه شد از وجد گل روی شاه
طعنه زد آری به رخ مهر و ماه

شه به ابوالفضل، امیر وفا
گفت شو آگه ز سپاه جفا
مقصد این قوم ستمگر بیاب
آگهی آور ز درنگ و شتاب
کز چه به غوغا به خروش آمدند
دیووش و حق‌کش و کافر شدند
این همه تعجیل و شر و شور چیست
روز نهم فتنه عاشور چیست
گر سر جنگ است کنون خیل را
گو به سحر مهلتی این لیل را
تا کنم این خاتمه روزگار
باز شبی طاعت پروردگار
تا دمی از سوز دل بی‌شکیب
نالمی از شوق وصال حبیب
تا نفسی در شب تار فراق
گریم و نالم ز سر اشتیاق
تا که به پایان، شب هجران رسد
ناله مشتاق به جانان رسد
من برهم از غم هجران یار
تا به رخس صبح کنم شام تار

من کشم از دل شبی آه دگر
 او کند از لطف نگاه دگر
 من زدم از شوق به عالم شرر
 او کند از مهر به عالم نظر
 من ز نگاه رخ زیبای دوست
 دیده کنم محو تماشای دوست
 تا به نگاهی به رخسار جان دهم
 جان ستمدیده به جانان دهم
 میر وفادار ابوالفضل راد
 سر به وفا در ره فرمان نهاد
 رفت به همراه زهیر و حبیب
 راند سخن‌ها به فراز و نشیب
 گفت که‌ای مردم بی‌عقل و هوش
 چیست غرض زین همه جوش و خروش
 حالی اگر بر سر رزمید و جنگ
 خسرو ما خواسته يك شب درنگ
 مهلتی ای دیو و ددان، شاه را
 شب نزنند دیو ره ماه را
 خواسته سلطان وفا امشب
 تا ز دل شوق کشد یاری
 شمر ابا کرد و چو غرنده رعد
 زاده حجاج شد و ابن سعد
 گفت که بر دیلم و ترکی نژاد
 هست روا مهلتی ای کج‌نهاد
 نیست به فرزند رسول این روا
 وای بر این رأی مخالف نوا
 باری از آن قوم که مهلت بیافت
 جانب سلطان شهیدان شتافت
 شب همه شب شاه به راز و نیاز

(با همه اصحاب به ذکر و نماز) 183

قمشه‌ای با طبع لطیف و کلمات نغزی که دارد سپس سروده‌های خود را به اوج می‌برد و شب عاشورا را با نهایت
 زیبایی و لطافت چنین می‌سراید
 ای فلک امشب شب عاشور ماست
 خواب مکن گر به دلت شور ماست
 شب نه که آرایش روز الست
 ساقی محفل ز می عشق ماست
 شب نه که معراج‌گه مصطفی
 لیله اسرای سپاه وفا
 شب نه که در دهر بهین روز عشق
 روز ازل را ز ابد سوز عشق
 شب نه که آرایش صبح وصال
 معرکه عشق، سپاه جلال
 شب نه که آشوب دو عالم در او
 جلوه‌گه آدم و خاتم در او
 شب نه که صبح ازل از اهتزاز
 مشتری و زهره او دلنواز

شب عجا روز قیامت ز شور
انجم او مظهر الله و نور
چرخ به حیرت که چه غوغاستی
شام، و یا محشر کبراستی
مهر ز بی‌مهری اگر خواب کرد
چرخ نکو طالع مهتاب کرد
زهره به وجد است و نشاط و سرور
خنده زند خوش به جهان غرور
مشتری امشب طلب دل کند
منطقه لعل حمایل کند
چشم عطارد نگران است باز
تا نگرد بر رخ ماه حجاز
دیده مریخ و زحل، زهر مدار
شد متحیر به رخ آن نگار
جلوه آن شاهد ملک ابد
ریشه در افکنده به قلب الاسد
عشق فکند از سر اکلیل تاج
شوق گرفت از دل جوزا خراج
رونق صد جبهه و کف الخضیب
می‌برد از پرتو آن دلفریب
حسن رخس جلوه پروین برد
بلکه ز مه رونق و تمکین برد
دیده شعرا به تماشای او
چشم سها بر رخ زیبای او
این شب عشق است و ندای وثاق
نغمه وصل است و نوای فراق
نیست روا کانجم شبگرد و ماه
خواب و بر او دیده شاه و سپاه
بر شدی از ناله و شب تا سحر
نغمه عشاق به عیوق بر

نماز در میدان‌های جهاد و شهادت
منیژه کاوه قهفرنی

این کتاب به بحث و بررسی درباره نماز در وصیت‌نامه‌های جمعی از شهدای معظم استان چهارمحال و بختیاری
پرداخته است
کتاب شامل سه فصل است که فصل اول اختصاص به شهیدان و نماز دارد
در این قسمت که مزین به برخی وصیت‌نامه‌های برخی شهدای دفاع مقدس است، به مسأله نماز پرداخته شده
است.

از زبان یکی از شهیدان آمده است: برادران و خواهران! من به جرأت به یگانگی خدا قسم می‌خورم که ما هر چه داریم از این نمازها و دعاها داریم و تا هنگامی که نماز را به پای نداریم، کارهایمان نه تنها درست نمی‌شود، بلکه در پیش خدا هم بی‌ارزش هستیم.

در فصل دوم توصیه‌های شهیدان به نماز در وصیت‌نامه‌های آنان آورده شده است.

در فصل سوم نماز جمعه در کلام شهیدان آورده شده است.

و در پایان خاطراتی از نماز شهیدان آورده شده است.

اینک به قسمت‌های مختلفی از این مجموعه توجه می‌کنیم:

شهیدان
و
نماز

شهید عبدالله باقری (ش.پ 182 شهرکرد) در وصیت‌نامه خود می‌گوید:

آیا پرده‌ها و حجاب‌های مادی را کنار زده و حقایق معنوی را دیده‌اید؟ آیا نماز جماعت از مستحبات مؤکد نیست؟ « پس چرا برای نماز جمعه اهمیت قائل نیستید؟ چرا در نمازهای جماعت شرکت نمی‌کنید؟ این را بدانید که بهشت را «به بها می‌دهند نه به بهانه

شهید جمشید براتپور (ش.پ 188 شهرکرد) می‌گوید:

شرکت در نمازهای جمعه و جماعت و برنامه‌های دیگر به انسان رشد می‌دهد و انسان می‌تواند به این وسیله راه خود را در این دنیا بیابد. نمازهای یومیه و احکام مقدس اسلام را چنان به جای آورید که گویا چند لحظه دیگر از «دنیا می‌روید

شهید سهراب رحمانی (ش.پ 494 شهرکرد) می‌گوید:

همه ما، این را می‌دانیم که هدف از خلقت انسان، بندگی و عبادت خداوند بوده است. به احکام اسلام پای‌بند باشید. «مبادا این احکام را سبک بشمارید. مبادا نماز را که از اصول و پایه‌ها و اساس دینی ماست کم اهمیت بشمارید

شهید اردشیر رفیعی (ش.پ 551 شهرکرد) این طور توصیه کرده‌اند که:

علیکم بالقرآن، عزیزان من! قرآن را عزیز نگاه دارید و در انجام دستورات آن «آیین مقدس» هرگز کوتاهی نکنید. نماز ستون دین است. استوارترین پایه اسلام را محکم بدارید

شهید عباسعلی صادقی (ش.پ 703 شهرکرد) می‌گوید:

ای مردم، خدا را چنان پرستش کنید که او را می‌بینید و او شما را می‌بیند. ای برادران از رفتن به دعاها کامیل «و توسل و نماز جماعت کوتاهی نکنید، که همین نمازها هستند که انسان را به خدا می‌رساند

شهید غفار کریمی (ش.پ. 990 شهرکرد) می‌گوید
وصیت من به شما این است که نماز را به پای دارید و همیشه به یاد خدا باشید و کارهایتان را فقط و فقط، برای «
رضای خدا انجام دهید و در هر حال خدا را منتظر قرار دهید. قرآن بخوانید و همیشه در نماز جمعه و دعای کمیل
«و جلسات مذهبی شرکت کنید

شهید غلامرضا مولوی (ش.پ. 222 فارس) در وصیت‌نامه خود این طور آورده‌اند که
مگر خداوند این همه نعمت و آسایش را برای ما قرار نداده است تا ما او را شکر کنیم. پس چرا بعضی‌ها نماز «
نمی‌خوانند. خطاب به شما نماز خوان‌هاست که این را بدانید که به فرموده پیامبر اسلام کسی که نماز نخواند،
«مسلمان نیست

شهید محمد کریمیان (ش.پ. 97 بروجن) می‌گوید
باید همواره جزء برپادارندگان نماز باشید. باید دعا بخوانید و قرآن و نهج‌البلاغه را در جامعه پیاده کنید. «
«عزیزانم، حتماً نماز بخوانید که نماز ستون دین است. مساجد را با نماز جماعت با شکوه کنید

شهید نادرقلی احمدی (ش.پ. 25 گرگان) می‌گوید
سفارش من این است که چه مرد و چه زن از نماز و عبادت، غافل نگردید. وای بر کسی که از اسلام و نماز و «
«قیامت غافل باشد

شهید شعبانعلی ابراهیمی (ش.پ. 10 شهرکرد) می‌گوید
و از امت اسلامی می‌خواهم که به وظایف شرعی خود از قبیل نماز، روزه، خمس، زکات و حج دقت کافی را «
«بنمایند

شهید عبدالعلی احمدی (ش.پ. 19 شهرکرد) وصیت کرده‌اند که
«نماز را به پای دارید و روزه بگیرید»

شهید بختیار احمدی (ش.پ. 21 شهرکرد) می‌گوید
«مبادا مساجد را خالی کنید و بی‌اعتنا به نماز جماعت باشید»

شهید سید آیت‌الله احمدی (ش.پ. 44 شهرکرد) می‌گوید
«به نماز اهمیت بدهید که نماز انسان را از زشتی باز می‌دارد»

شهید ابوالقاسم احمدی (ش.پ. 45 شهرکرد) می‌گوید
«نماز و روزه را تا آن جا که به یاد دارم، با جای آورده‌ام»

شهید بهرام آرامی (ش.پ. 57 شهرکرد) می‌گوید
تقاضای من از همگی شما این است که نمازتان را همیشه به وقت بخوانید که بزرگترین فریادها نماز است. «
«همه شما نماز بخوانید و مساجد، این سنگرهای اسلامی را حفظ کنید

شهید ابراهیم ارزانی (ش.پ. 58 شهرکرد) می‌گوید
«یک توصیه دارم که نمازتان را بخوانید، زیرا همین نماز است که انسان را می‌سازد»

شهید اسماعیل اسکندری (ش.پ. 72 شهرکرد) می‌گوید
«در نماز جماعت و مساجد حتماً شرکت کنید»

شهید صفدر اسکندری (ش.پ. 74 شهرکرد) می‌گوید
«در نماز جماعت و نماز دشمن‌شکن جمعه شرکت کنید»

شهید علی‌نقی اسماعیل‌زاده (ش.پ. 85 شهرکرد) می‌گوید
«خدا را فراموش نکنید و نماز و روزه و زکات را به پای دارید»

شهید علی یاراسماعیل‌زاده (ش.پ. 91 شهرکرد) می‌گوید
پیام آخر به تمامی برادران عزیزم و خواهران گرامی این است که در دعاهای توسل و کمیل و نماز جمعه و «
نماز جماعت شرکت کنید

شهید یوسف آقابابایی (ش.پ. 123 شهرکرد) می‌گوید
«اما وصیتی به دوستان دارم. آن این که بکوشید پیوند خود را با خدا بیش‌تر کنید و نماز را به جماعت بخوانید»

شهید اکبر بابادی (ش.پ. 174 شهرکرد) می‌گوید،
«همه در خط اسلام باشید و نماز را به پای دارید»

شهید فرامرز بهامیر (ش.پ. 209 شهرکرد) می‌گوید
«من به‌عنوان یک بسیجی به شما مردم توصیه می‌کنم نماز را به پای دارید و تقوای خدا پیشه کنید»

شهید قاسم بهرامی (ش.پ. 213 شهرکرد) می‌گوید
به قول امام(ره)، مساجد سنگرند، سنگرها را حفظ کنید. امام را تنها نگذارید و نماز هایتان را فراموش نکنید و «
نگذارید نمازتان قضا شود و در نمازهای عبادی سیاسی و دشمن‌شکن جمعه شرکت کنید، چرا که نماز جمعه روز
عزای دشمن است

شهید ناصر جعفریان (ش.پ. 298 شهرکرد) در وصیتنامه خویش این‌طور آورده‌اند که
«پیام من به مردم این است که نماز جماعت را به پای دارند، همین‌طور نماز جمعه را»

شهید سیدرضا جلالی (ش.پ. 301 شهرکرد) می‌گوید
«مسجدها را پر کنید و نماز جمعه و جماعت را با اهمیت بشمارید»

شهید چراغعلی حیدری (ش.پ. 383 شهرکرد) می‌گوید
«یادآور می‌شوم که نماز هایتان را پاکیزه و با حضور قلب اقامه کنید که نماز، انسان را از منکرات بازمی‌دارد»

شهید ایرج خسروی‌ان (ش.پ. 412 شهرکرد) می‌گوید
مطلب دیگر این بود که پدر و مادر و خانواده‌ام و آن‌هایی که مرا دوست داشتید و دارید، شما را به عبادت و نماز «
و روزه و برنامه‌های اسلامی توصیه می‌کنم

شهید حیاتی‌قلی خلجی (ش.پ. 413 شهرکرد) در وصیتنامه خویش این‌طور گفته‌اند
شما را به کارهای خیر، دعوت می‌کنم. مخصوصاً نماز و روزه و دادن زکات و صدقه»
«نماز را هر چند که برای شما ناگوار باشد به پای دارید که نماز بازدارنده انسان از گناهان است

شهید عباس خلجی (ش.پ. 414 شهرکرد) می‌گوید
ای جوانان عزیز، به شما نصیحت می‌کنم نماز بخوانید و با هم مهربان باشید و تقوا را پیشه کنید و ایمانتان را «
قوی کنید
«اگر نماز شما مورد قبول خدا گردید، همه کارهای شما مورد قبول خدای بزرگ و متعال قرار می‌گیرد

شهید سبزی علی داودی (ش.پ. 429 شهرکرد) می‌گوید همیشه وحدت و یکپارچگی را حفظ کنید. مساجد را حفظ و در نمازهای جماعت و جمعه و دعای کمیل و توسل، « شرکت کنید. که ما هر چه داریم از نماز و روزه است
شهید یحیی داودی (ش.پ. 431 شهرکرد) می‌گوید
«نکته قابل ذکر این که در نماز جمعه و جماعت و دعاها و راهپیمایی‌ها حضور داشته باشید»

شهید کرمانی راهنورد (ش.پ. 489 شهرکرد) می‌گوید پیام من به مردم این است که دنباله‌رو رهبر باشید. سنگرها را خالی نگذارید. جبهه‌ها را گرم نگه دارید، مساجد « را با شرکت خود و نمازهای خود آباد کنید

شهید سیدمهدی رفیعی (ش.پ. 526 شهرکرد) می‌گوید مهم‌ترین وصیت من این است که‌ای اشخاصی که به من علاقه دارید، به جای گریه و زاری در شبی که مرا دفن « می‌کنید، هر کدام از شما دو رکعت نماز بخواند

سرود سبزی لاله
پریاالسادات پیروز

این کتاب شامل يك ديپاچه و شش عنوان است، اما فاقد فصل‌بندی و بخش‌بندی است. با این همه، نویسنده، سعی کرده است موضوعات مربوط به نماز را با آراستگی و بدون در قید و بند بودن به تحریر درآورد
عناوین موضوعات این کتاب عبارتند از: «مردان حق»، «انسان کامل»، «خوشا وقت شوریدگان غمش»، «عاشقانه‌ترین سرود»، «عارفانه و خالصانه‌ترین نماز» و «نماز در میدان‌های جهاد و شهادت
در این قسمت نوشته‌هایی از عاشقانه‌ترین سرود را برای شما می‌آوریم

عاشقانه‌ترین
سرود

گمشدگان در دریای عشق الهی که دیرآشنای حریم پر از رحمت کبریایی‌اند، در هنگامه نماز است که قادرند برای لحظاتی چند از این عالم فانی عروج کنند و در بارگاه با شکوه حضرت دوست از درد هجران و فراق جانان سخن بگویند.

و اما پایان دیدار و آغاز همراهی دوباره با شهادتی دیگر در تشهد و باید دانست که فرق است بین شهادت در اول نماز و شهادت در تشهد؛ زیرا که آن شهادت قبل از سلوک است و «شهادت تعبدی یا تعقلی است و این شهادت پس از رجوع است و آن شهادت تحقیقی یا تمگنی است. پس «شهادت» تشهد را خطر عظیم است، زیرا که در آن دعوی تحقق و تمگن است و دعوی رجوع به کثرت است (بی‌احتجاب)» (184)

اما چه‌نیکوست‌اکنون مصداقی بربیک نماز مخلصانه و یک عبادت عارفانه بی‌اوریم از یک عارف بی‌مانند و یک عاشق:

مولی‌الموحدین، امام العارفین، حیدر کرار، حضرت علی بن ابی‌طالب‌علیه‌السلام، در هنگام نماز آن چنان شور و شوقی سراسر وجودش را فرا می‌گیرد که رنگ از چهره‌اش رخت می‌بندد و جهان را در برابر دیدگانش تار می‌یابد، آن طور که لحظه‌ای بدون یار تاب نمی‌آورد. آری. آن چنان سرشار از عشق الهی است که در جذبیه ملکوتی نمازش، تمام کوه‌های بلند با خضوع سر خم کرده‌اند. به راستی که نماز عاشقانه اوست که او را لبریز از خدا کرده است و سرشار از حقیقت مطلق، و درد و رنج و دشواری‌های این جهان در لحظه عزیمت او در نماز دیگر مفهومی ندارد.

(قد افلح المؤمنون، الذین هم فی صلاتهم خاشعون. 185)
همانا اهل ایمان به فیروزی و رستگاری رسیدند، آنان که در نماز خاضع و خاشع هستند
آری، این همان خشوعی است که لحظه نماز را برای درآوردن پیکان از پای مبارک حضرت برگزینند، زیرا در
حین نماز است که شیر خدا به عالم بالا عروج می‌کند و هیچ احساسی از عالم پست دنیا ندارد

در احد میر حیدر کرار
یافت زخمی قوی در آن پیکار
ماند پیکان تیر در پایش
اقتضا کرد آن زمان رایش
که برون آرد از قدم پیکان
که همان بود مر او را درمان
زود مرد جراحی‌چی چو بدید
گفت باید به تیغ باز برید
تا که پیکان مگر پدید آید
بسته زخم را کلید آید
هیچ طاقت نداشت با دم گاز
گفت بگذار تا به وقت نماز
چون شد اندر نماز، حجامش
ببرید آن لطیف اندامش
جمله پیکان از او برون آورد
(او شده بی‌خبر ز ناله و درد) 186

و آری حقیقت، هم همین است که این چنین عاشقی و عارفی در ژرفای همین عشق و در اوج یکی از همین نمازها، به سوی دوست پر می‌کشد

برون شو ای غم از سینه! که لطف یار می‌آید
تو هم ای دل ز من گم شو! که آن دلدار می‌آید
نگویم یار را «شادی» که از شادی گذشت‌ست او
مرا از فرط عشق او ز شادی عار می‌آید
مسلمانان! مسلمانان! مسلمانان! ز سر گیرید

که کفر از شرم یار من مسلمان وار می آید
 برو ای شکر! کاین نعمت، ز حد شکر بیرون است
 نخواهم صبر گرچه او، گهی هم کار می آید
 روید ای جمله صورتها! که صورت های نو آمد
 علم هاتان نگون گردد که آن بسیار می آید
 در و دیوار این سینه همی در ز انبوهی
 (که اندر در نمی گنجد، پس از دیوار می آید) 187

.....(Anotates).....

- 1) کنز العمال/ ج 9/ 547
- 2) نهاية الاحكام/ ج 1/ ص 82، به نقل از موسوعة كلمات الامام الحسين عليه السلام، ص 680
- 3) كنز العمال/ ج 7/ ص 38 به نقل از موسوعة كلمات الامام الحسين عليه السلام، ص 680
- 4) مستدرك الوسائل / ج 4/ ص 17
- 5) من لا يحضره الفقيه/ ج 1/ ص 257
- 6) بحار الانوار/ ج 83/ ص 210
- 7) مستدرك الوسائل/ ج 4/ ص 189
- 8) مستدرك الوسائل/ ج 4/ ص 396
- 9) كنز العمال/ ج 7/ ص 479 به نقل از موسوعة كلمات الامام الحسين عليه السلام، صص 684 و 685
- 10) بحار الانوار/ ج 82/ ص 215
- 11) بحار الانوار/ ج 82/ ص 214
- 12) كنز العمال/ ج 8/ ص 82 به نقل از موسوعة كلمات الامام الحسين عليه السلام، ص 783
- 13) مقتل امام حسين عليه السلام/ خوارزمي/ ج 1/ ص 152 به نقل از موسوعة كلمات الامام الحسين عليه السلام، ص 791
- 14) امالي طوسي/ ص 164
- 15) شرح الاخبار/ ج 2/ ص 513
- 16) امالي طوسي/ ص 453
- 17) مسند ابن حنبل/ ج 9/ ص 132 به نقل از الصلاة في الكتاب و السنة، ص 140
- 18) سنن ابن ماجه/ ج 1/ ص 447
- 19) مسند ابن حنبل/ ج 8/ ص 133
- 20) المعجم الكبير/ ج 3/ ص 298
- 21) الفردوس/ ج 2/ ص 404 از ابن عباس به نقل از الصلاة في الكتاب و السنة/ ص 150
- 22) امالي شيخ طوسي/ ص 647
- 23) كنز العمال/ ج 7/ ص 312 به نقل از الصلاة في الكتاب و السنة/ ص 152
- 24) الكافي/ ج 3/ ص 266، التهذيب/ ج 2/ ص 238
- 25) مشكاة الانوار/ ص 296
- 26) مقتل الحسين للخوارزمي/ ج 1/ ص 67 به نقل از اهل البيت في الكتاب و السنة/ ص 440
- 27) درر الاحاديث النبويه/ ص 51 به نقل از اهل البيت في الكتاب و السنة/ ص 441
- 28) احقاق الحق/ ج 9/ ص 484
- 29) المحاسن/ ج 1/ ص 153
- 30) المعجم الكبير/ ج 11/ ص 234
- 31) /مقتل الحسين للخوارزمي/ ج 1/ ص 108 به نقل از اهل البيت في الكتاب و السنة (صص 453 و 454)
- 32) المناقب للخوارزمي/ ص 73
- 33) المعجم الاوسط/ ج 3/ ص 343

- سنن الترمذی/ ج5/ ص 13 به نقل از الصلاة في الكتاب والسنة/ ص158 (34)
 شرح نهج البلاغه/ ج 20/ ص295 (35)
 عيون اخبار الرضا/ ج 1/ ص 287 (36)
 الكشاف/ ج 3/ ص 403 به نقل از اهل البيت في الكتاب والسنة/ ص456 (37)
 مقتل الحسين للخوارزمي./ ج 2/ ص 97 به نقل از اهل البيت في الكتاب والسنة/ ص456 (38)
 نساء/ 103 (39)
 الكافي/ ج3/ ص 270 (40)
 نساء/ 102 (41)
 وسائل الشيعة/ ج3/ ص29 (42)
 همان مدرك (43)
 همان مدرك (44)
 وسائل الشيعة/ ج 3/ ص 29 (45)
 بحار الانوار/ ج83/ ص 23 (46)
 تاريخ طبري/ ج4/ ص 304 (47)
 بخشهایی از زیارت عاشورا (48)
 مفاتيح الجنان/ زیارت امام حسین(ع) (در روز عرفه/ ص 453 (49)
 صحیفه نور/ ج 9/ ص 202 (50)
 التهذيب/ ج 2/ ص237 (51)
 جامع الاخبار/ ص 73 (52)
 عيون اخبار الرضا/ ج 2/ ص31 (53)
 سنن نسائي/ ج1/ ص 232 (54)
 ثواب الاعمال/ ص 229 (55)
 عيون الاخبار الرضا/ ج 2 / ص 62 (56)
 بحار الانوار/ ج 7 / ص 258 (57)
 بحار الانوار/ ج 7 / ص 267 (58)
 تفسير فرات كوفي/ ص 605 (59)
 المعجم المفهرس/ صص 414-412 (60)
 بحار الانوار/ ج24/ ص 183 (61)
 بحار الانوار / ج11/ ص 177 (62)
 الفرات/ ج 1/ ص 62/ حديث 27 (63)
 العياشي/ ج 1/ ص128 (64)
 بحار الانوار/ ج 43 / ص 270 / حديث 31 (65)
 بحار الانوار / ج21/ ص 343 (66)
 الفرات/ ص 104 (67)
 نور الثقلين / ج 1 / ص 500 (68)
 بحار الانوار/ ج24/ ص 31 (69)
 البحار/ ج 24/ ص 255 (70)
 بحار الانوار/ ج 24/ ص 141 (71)
 نهج الحق/ ص 210 (72)
 البرهان/ ج 3/ ص 5/ حديث 4 (73)
 كنز الدقائق/ ج 8/ ص 361 (74)
 الفرات/ ص 273/ حديث 367 (75)
 البرهان/ ج3/ ص 106/ حديث اول (76)
 بحار الانوار/ ج 23/ ص 326/ حديث 4 (77)
 المناقب/ ج 3/ ص 380 (78)
 تأويل الايات/ ص 392 (79)

الشواهد التنزیل/ ج 2/ ص 41 / بحار الانوار/ ج 35/ ص 208 (80)
بحار الانوار/ ج 23/ ص 241/ حدیث 12 (81)
بحار الانوار/ ج 25/ ص 253/ حدیث 11 (82)

بحار الانوار/ ج 25/ ص 241 (83)

بحار الانوار/ ج 24/ ص 69 (84)

بحار الانوار/ ج 44/ ص 219 (85)

دیوان فیض کاشانی (86)

مولوی (87)

اقامه: برپا داشتن، استوارسازی (88)

ترجمه این آیه و دیگر آیات موجود در متن برگرفته از قرآن ترجمه محمد مهدی فولادوند است (89)

استخراج آیات، با استفاده از کتاب ارزشمند «المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم» صورت گرفته است (90)

عزیزی/ جامع آیات و احادیث موضوعی نماز/ ص 73 (91)

ری شهری. میزان الحکمه/ ج 7/ ص 3092 (92)

عزیزی/ جامع آیات و احادیث موضوعی نماز/ ص 81 (93)

همان/ ص 81 (94)

اصول و مبانی اصلاحات/ ص 58 (95)

عزیزی/ جامع آیات و احادیث موضوعی نماز/ ص 76 (96)

عزیزی/ هزار و یک داستان درباره نماز و نمازگزار/ ص 416 (97)

عزیزی/ آثار و فضائل نماز شب/ ص 65 (98)

عزیزی/ هزار و یک داستان درباره نماز/ ص 417 (99)

اصول و مبانی اصلاحات/ ص 59 (100)

عزیزی/ جامع آیات و احادیث موضوعی نماز/ ص 84 (101)

بحار/ ج 82/ ص 235 (102)

همان/ ص 198 (103)

عزیزی/ هزار و یک داستان درباره نماز و نمازگزار/ ص 110 (104)

ری شهری/ میزان الحکمه/ ج 7 / ص 3154 (105)

عنکبوت/ 170 (106)

بحار الانوار/ ج 82 / ص 261 (107)

عزیزی/ آثار و فضائل نماز شب/ ص 56 (108)

همان (109)

انفال/ 2 تا 4 (110)

ری شهری/ میزان الحکمه/ ج 7 ص 3094 (111)

تنکابنی/ قصص العلماء/ ص 123 (112)

وحیدی/ احکام بانوان/ ص 18 (113)

بحار الانوار/ ج 82/ ص 261 (114)

تهاجم فرهنگی/ مرکز تحقیقات اسلامی سپاه/ ص 34 (115)

صحیفه نور/ ج 22/ ص 372 (116)

تهاجم فرهنگی/ مرکز تحقیقات اسلامی سپاه/ ص 126 (117)

یونس/ 6 (118)

اطلاعات/ 2/10/70/ مقاله شماره 5، نویسنده: جلال رفیع/ عنوان: بی هویتی و یتیمی فرهنگی (119)

عقیدتی سیاسی فرماندهی کل قوا/ ستیز با تهاجم فرهنگی/ ص 25 (120)

همان/ ص 24 (121)

شناخت خدا/ محمدی ری شهری/ ص 144 (122)

آرامش در پرتو نیایش/ رحیم کارگر/ ص 51 (123)

مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگان ولی فقیه در سپاه/ تهاجم فرهنگی/ ص 130 (124)

- مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه/ تهاجم فرهنگی/ ص 101 (125)
روزنامه جمهوری اسلامی، 22/5/71 (126)
و 2. تفسیر نمونه/ ج 16/ صفحات 285-287 (127)
احزاب/ 72 (128)
توبه/ 18 (129)
توضیح المسائل امام/ مسأله 267 (130)
همان/ مسأله 820 (131)
همان/ مسأله 815 (132)
همان/ مسأله 866 (133)
همان/ مسأله 868 (134)
کافی/ ج 4 (135)
هزار و یک کلمه/ آیت الله حسن زاده آملی (136)
مستدرک الوسائل/ ج 3/ صفحه 58/ به نقل از دیدار با محبوب/ رحمت الله نوری قمشاهی (137)
تکامل اجتماعی انسان/ استاد شهید مطهری (138)
(انسان و ایمان/ استاد مطهری) با اندکی دخل و تصرف (139)
حجر/ 99 (140)
تفسیر نمونه/ ج 1/ ص 219 (141)
غرر الحکم/ ص 773 (142)
عنکبوت/ 45 (143)
بحار الانوار/ ج 98/ ص 123/ به نقل از دیدار با محبوب/ رحمت الله نوری قمشاهی (144)
من لا یحضره الفقیه/ به نقل از دیدار با محبوب/ رحمت الله نوری قمشاهی (145)
سفینه البحار/ به نقل از دیدار با محبوب/ رحمت الله نوری قمشاهی (146)
بقره/ 153 (147)
تفسیر نور/ ج 1/ ص 120 (148)
تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن/ ج 1/ ص 432 (149)
عنکبوت/ 29 (150)
تفسیر نور/ ج 1/ ص 121 (151)
سیمای فرزندگان/ رضا مختاری/ ص 171 (152)
حمد/ 5 (153)
تفسیر تسنیم/ ج 1/ ص 446 (154)
میزان الحکمة/ ج 2/ ص 1143 (155)
تفسیر تسنیم/ ج 1/ ص 447 (156)
کیفر گناه/ حجت الاسلام سید هاشم رسولی محلاتی/ به نقل از آیین زندگی/ ص 185 (157)
میزان الحکمة/ ج 3/ ص 9092 (158)
همان/ ج 9098 (159)
همان/ ج 9083 (160)
جهاد اکبر یا مبارزه با نفس/ امام خمینی(ره)/ ص 68 (161)
میزان الحکمة/ ج 3/ ص 9081 (162)
از بیانات امام خمینی(ره) (6/8/57) (163)
علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین/ زین العابدین قربانی/ ص 53 (164)
همان/ ص 55 (165)
میزان الحکمة/ ج 4/ ص 10635 (166)
همان/ ج 10636 (167)
نساء/ 43 (168)
تفسیر نور/ ج 2/ ص 338 (169)
آداب الصلوة/ ص 42 (170)

- اصول کافی/ ثقة الاسلام كلینی)ره (/ ج3/ كتاب الايمان والكفر/ ح6 (171)
همان/ ذیل حدیث 1/ حاج سید جواد مصطفوی (172)
بقره/ 148 (173)
میزان الحکمة/ ج4/ ح 10690 (174)
فریادگر توحید/ مؤسسه تحقیقاتی، فرهنگی اهل بیت علیهم السلام/ ص106 (175)
آل عمران/ 103 (176)
تفسیر نور/ ج2/ ص 143 (177)
رعد/ آیه 11 (178)
علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین/ ص88 (179)
حکایتها و هدایتها/ مرتضی مطهری/ ص23 (180)
نهج البلاغه/ فیض الاسلام/ ص 978 (181)
مفاتیح الجنان/ زیارت وارث (182)
- دیوان الهی/ ص 157-158 (183)
سرالصلوة/ امام خمینی)ره (/ ص363 (184)
مؤمنون/ 1 و 2 (185)
سنایی غزنوی/ هزار سال شعر فارسی/ ص 84 (186)
دیوان شمس تبریزی (187)